

نقش روابط جنسی و رازکامیابی در زندگی

زناشویی



مجموع اطلاعات عمومی روابط جنسی با استفاده از نوشته های سودمند

پزشکان متخصصین معروف مسائل جنسی و زناشویی

مجموعه اطلاعات عمومی روابط
جنسی با استفاده از نوشته‌های
سودمند پزشکان و متخصصین
معروف مسائل جنسی و زناشویی

نقش روابط جنسی و راز کامیابی در زندگی

زناشویی

گرد آوری هادی محمد پور

درباره روابط جنسی و زناشوئی
چاپ اول
تیراژ ۲۰۰۰ نسخه
حق چاپ محفوظ و مخصوص انتشارات
مهتاب میباشد .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۶	راز کامیابی در زندگی زناشویی
۲۴	رفتار صحیح در روابط جنسی کدام است
۳۱	چرا تماس خوب ضرورت دارد
۴۵	اعمال جنسی: آمادگی و اجرا از نظر روانی
۴۹	عوارض و اختلالهای غریزه جنسی
۵۴	ترس و ناتوانی جنسی
۶۳	تشریح آلات تناسلی مرد
۷۰	تشریح آلات تناسلی زن
۷۸	نقش روابط جنسی در ازدواج
۹۱	تاثیر تجربیات قبل از ازدواج
۹۴	تمایل جنسی در مرد و زن
۱۰۴	لقاح، آبستنی، زایمان
۱۰۹	انحرافات جنسی " سادیسم "
۱۱۶	مازوخیسم
۱۲۳	فتی شیزم
۱۲۶	نشان دادن آلات تناسلی
۱۲۸	امور جنسی از نظر کودکان و جوانان
۱۳۵	حدود روابط جنسی

صفحه	عنوان
۱۳۵	جلق و اثرات آن در مرد و زن
۱۴۱	پرهیزکاری در امور جنسی
۱۴۴	سفلیس
۱۴۶	چگونگی سرایت سفلیس
۱۵۲	سفلیس موروثی
۱۵۴	درمان سفلیس
۱۵۶	سوزاک
۱۶۱	درمان سوزاک
	تأثیر بیماریهای مقاربتی در خانواده
	و اجتماع
۱۶۴	جلوگیری از بیماریهای مقاربتی
۱۶۷	قاعدگی چیست
۱۷۰	ناتوانی جنسی
۱۸۶	ناتوانیهای مختلف
۱۸۸	ناتوانی عینی حقیقی
۱۹۰	عمل آمیزش جنسی عملی حاکی از عشق است
۱۹۲	اضطراب جنسی
۱۹۶	آمیزش و نزدیکی در چه فواصلی امکان پذیر است
۲۰۵	مهمترین اصل هم آهنگی جنسی مبارزه با پیری و ناتوانی جنسی
۲۱۵	

بعنوان مقدمه

اولین قدم در راه رسیدن به روابط زناشوئی رضایت
بخش شناختن مسائل آمیزشی بعنوان یک عامل طبیعی زندگی
و اصل طبیعت بشر و بطور کلی کلیه موجودات زنده است .

راز کامیابی در زندگی زناشوئی

استاد من پروفسور ویلسون که اینک در بیماریهای زنان و هورمون شناسی زنانه امریکا معروفیت جهانی دارد روزی سر کلاس تعریف میکرد :

" وقتی که توانستم موفقیت کافی بدست آورم تا در خیابان پارک (محل زندگی میلیونرها و اعیان نیویورک) طبابت نمایم ، تدبیری اندیشیدم و بر روی پرونده بعضی از بیمارانم یک علامت ستاره قرمز گذاشتم . جای تاسف است که کلیهی اطباء برای خود گذاشتن چنین علامتی را بر روی پرونده بعضی از بیماران خود معمول نکرده اند . برای من این ستاره ی کوچک نشانه یک عامل مهم است و بمن میگوید که صاحب این پرونده عاشق شوهر خود میباشد . در نظر من اگر زنی در گذشته عاشق بوده یا هنوز عاشق است یک عامل مهم طبی بشمار میآید تجربه بمن ثابت کرده که نداشتن عشق در زندگی زن بمنزلهی میکروبی است برای جسم و جان وی .
روشی که برای پی بردن باین عامل حیاتی آغاز نموده ام

بسیار ساده است بدین معنی که سؤال خود را مستقیماً " با بیماری که بمن مراجعه کرده است مطرح میکنم البته برای طرح این سؤال موقعی را انتخاب میکنیم که بیمار بدون توجه قبلی در دام افتد ، سپس به واکنش وی توجه میکنیم . جواب " بله " به تنهایی هیچ معنی ندارد بلکه پزشک با توجه به عکس العملهای مختلف میتواند پی ببرد که آیا این بیمار جزو آن ۲۰٪ زیان خوشبختی است که عاشق شوهرشان هستند یا خیر . این تعداد جزو مهمترین بیماران من هستند . در کلیه عوارض و شکایات مربوط به زنانگی و مسائل زناشوئی معالجه آنان به بهترین وجهی پیشرفت میکند زیرا در کلیه عواملی که بستگی بروابط زناشوئی دارد عشق مهمترین داروست .

بعضی از زنان که عاشق شوهر خود نیستند با صراحت شدید احساسات خود را ظاهر میکنند .

شاید این رک گوئی آنان قابل تحسین باشد ولی یک جواب " نه " بقدری مرا منجمد میسازد که حتی در وسط تابستان بدنم یخ میکند .

وقتی از اکثر زنان سؤال میشود که آیا شوهر خود را دوست دارند یا نه ؟ جواب صحیح و مستقیمی بدست نمی آید اغلب میگویند : برای او احترام قائلم " یا " او مرد بسیار خوبی است و " یا " بمن خیلی مهربانی میکند .

این جوابها یک سری عکس العملهای عادی است . این گروه زنان مانند گروه اول خوشبخت نیستند و ستاره‌های بر روی پرونده‌شان قرار نمیگیرند ولی بازهم جای امیدواری است . گاه ممکن است چنین پاسخ دهند : او خیلی مشغول است ، اغلب او را نمی‌بینم " یا میگویند همیشه بقدری خسته است که حتی جلو تلویزیون خوابش میبرد . یا درباره‌ی شوهر خود چنین اظهار نظر میکنند : " حالش خوب نیست کاش کمی وزنش را کم میکرد و قدری بظاهرش توجه داشت " . اغلب این اظهار نظرها با بی تفاوتی کامل بیان میشود در اینجا من میفهمم که علاوه بر (استروژن) عامل دیگری برای معالجه این زنان لازم است تجربه بمن ثابت کرده که قدری صحبت بی پرده در مورد امور زناشوئی برای اینگونه زنان حتی در سنین یائسگی مفید است . روابط زن و مرد وسیعتر از آن است که بحث درباره‌آن در یک مقاله گنجانیده شود . لذا با در نظر گرفتن محدودیت این مقاله چند نمونه از تجربیات شخصی خود را در اینجا ذکر میکنم : یکی از عادی ترین و مرسومترین صحبت‌هایی که با زنان میشود مربوط به سردی در امور جنسی زناشوئی است . اغلب زنان فکر میکنند اگر در زندگی زن و شوهر لذت کامل نبرند سرد مزاج میباشند . این عده دچار اشتباهند . رضایت کامل در زنان با مردان تفاوت بسیاری دارد و اوج لذت فقط یکی از انواع آن است . تعداد

زیادی از زنان بدون رسیدن باین مرحله از روابط زناشوئی لذت میبرند این عده ممکن است به اندازهی زنانی که قادر برسیدن به اوج لذت میباشند از روابط آمیزشی احساس راحتی نمایند، ولی بهیچوجه نرسیده به آنرا نبایستی ناشی از طبیعت سرد خود بدانند.

اغلب زنانی که قادر به رسیدن به اوج رضایت کامل نیستند از این موضوع بهیچوجه شکایت ندارند همانطور که در کتابهای چنده سال پیش بدست آوردن یک میلیون بعنوان نمونه مالی ثروت بشمار میرفت، رسیدن به رضایت کامل نیز در نوشتههای کنونی بعنوان نشانه خوشبختی کامل شناخته شده است ولی در علم طب این مرحله اهمیت زیاد ندارد. البته با وجود اینکه داشتن یک میلیون ضروری نیست، وجود آن بسیار خوش آیند است.

این مثال در مورد اوج رضایت نیز صادق است. اگر زنی هرگز بآن نرسیده باشد، نمودار زنانگی او نشان میدهد که سطح استروژن تا اندازههای پائین است مثلا بجای ۰.۸۰ ر. معمولی ۰.۶۰ ر. میباشد، و ممکن است پزشک برای افزایش این میزان استروژن تجویز نماید،

این مثال در مورد اوج رضایت نیز صادق است اگر زنی هرگز بآن نرسیده باشد از زنانگی او نشان میدهد که سطح استروژن تا اندازههای پائین است مثلا " بجای ۰/۰۸۰ معمولی

۰/۰/۷۰ می باشد ممکن است پزشک برای افزایش این میزان استروژن تجویز نماید .

با احتمال قوی این مقدار استروژن در روابط زناشوئی موثر واقع میشود و باوج لذت خواهد رسید . اما در صورتیکه شوهر نادان ، یابی تجربه و یا بی توجه باشد تمام هورمونهای دنیا نیز نمیتوانند این کمبود حساس زن را جبران نمایند . در چنین مواردی زن باید به شوهر خود در بهبود روابط زناشوئی کمک نماید . این کمک میتواند بطرق مختلف صورت گیرد .

کتابهای راهنمای زناشوئی ممکن است در این راه مفید باشند ولی در عوض ممکن است ایجاد نگرانیهای دیگری نمایند . این کتابها نیز مانند کلیه کتابهای آموزنده ، نقطه‌ی ضعف دیگری دارند مثلاً " پس از خواندن یک کتاب شطرنج نمیتوان بدون تمرین و بازی کردن شطرنج باز ماهری شد همینطور هم اگر مردی در کتاب راهنمای زناشوئی بخواند مجرب نخواهد شد .

عوامل دیگری نیز در ایجاد بعضی گرفتاریها موثر است مثلاً " در اوائل ازدواج ، دختری که طبعاً " تجربه‌ای در روابط زناشوئی ندارد مرد را عصبانی میکند . مرد است که بایستی نقش مثبت روابط زناشوئی را بیاموزد .

در روابط زناشوئی نقش زن منفی است و مسئولیت کمتری

بعهدده دارد. پس با در نظر گرفتن پیچیدگی وظائف مرد زنان بایستی در مراحل مختلف زندگی زناشوئی دقت کنند که با اطمینان شخصی شوهرشان لطمه وار نکند و هرگز اشتباه ها یا عدم توجه همسرشان را مستقیماً مورد انتقاد قرار ندهند. درحقیقت تشویق و بالاتر از همه خوش خلقی مورد نیاز است.

پیروی از این نکات زن و مرد را به هماهنگی در زناشوئی میرساند و در نتیجه از طلاق بمیزان قابل ملاحظه‌ای جلوگیری میکند.

قبل از اینکه اختلافات آمیزشی مرد و زن را بیشتر توضیح دهیم بهتر است بار دیگر به سرد مزاجی در زنان توجه نمائیم در طول سالهائی که من به طبابت در قسمت روانشناسی امور آمیزشی و بیماریهای زنان اشتغال دارم هرگز نتوانستم مشکل سرد مزاجی زنان را با یک روش طبی معالجه نمایم؛ بلکه فهمیدم که بایستی با در نظر گرفتن تجربیات احساسی و انسانی آن را بر طرف نمود.

در زنانی که هنگام کودکی دارای خاطرات ناراحت کننده‌ای بوده‌اند یا اینکه علاقه و بستگی روانی شدیدی نسبت به پدر و مادر خویش داشته‌اند، اغلب دارای یک نوع فلج جنسی هستند.

تمایل به همجنس بطور آگاه‌ه‌ویا ناخود آگاه و یا اعتقادات

خرافی شدید که روابط جنسی را گناه شمرده و منع میکند نیز در این امر موثر است نه تنها عقاید خرافی ، بلکه بقایای سنن قدیمی هنوز روابط جنسی را کثیف و گناه آلود و پست می - شمارند . مطمئنا " زنی که تحت تاثیر اینگونه عوامل قرار داشته است در تطبیق و سازش جنسی دچار اشکالات متعددی می - گردد .

خوشبختانه کلیه‌ی این اعتقادات غلط را عشق به همسر بر طرف مینماید .

من معتقدم که هیچ‌زن سالمی در صورتیکه عاشق همسر خود باشد نمیتواند در روابط زناشوئی با وی سرد بماند . آن‌عه از زنان در مقابل روابط زناشوئی سرد هستند که هرگز عاشق نشده باشند .

اینگونه زنان در فکر خویش تصویر مرد ایده‌آلی را که با شوهرشان متفاوت است می‌پروورانند و حاضر نیستند هیچکس را جانشین وی نمایند . معمولا " اینگونه تصاویر خیالی مانع این میشوند که زن از روابط خود با شوهرش لذت ببرد و من در این مورد از اغلب زنان سئوالات متعددی نموده‌ام و گاهی با تعجب باین نتیجه رسیده‌ام که مرد رویائی آنها تفاوت زیادی با همسر فعلیشان ندارد او هم نه چاق است نه لاغر خوش‌هیكل و چشم و ابرو مشکلی است ، دندانهای مرتب دارد و ثروتمند هم هست . اغلب زنان به خوشگلی کامل مرد توجه

ندارند بلکه همگی مایلند که مرد مهربان و مودب و شجاع باشد. واضح است که داشتن چنین مردی برای هر زنی شانس فوق العاده‌ای است. ولی بسر بردن در امید وصل معبود رویائی و معشوق افسانه‌ای و در نتیجه ازدست دادن شانس موجود عاقلانه نیست.

در نتیجه این زنان شوهر اختیار کرده و فکر میکنند با نشان دادن عکس العملی در روابط با شوهرشان و خونسرد ماندن "خود را برای مرد ایده‌آل خود دست نخورده نگه داشته‌اند در حالیکه فقط معدودی از این زنان ممکن است متوجه شوند که بکرماندن احساس ارتباطی به همسر فعلی و یا همسری که در رویاهایشان ساخته‌اند ندارد.

یکی از بیمارانم توانست از هر دو عالم رویا و عالم حقیقت، به بهترین وجه استفاده نماید. یکروز بمن گفت: تصمیم دارم بخاطر پول ازدواج نمایم. وقتیکه متوجه نگرانی من شد اضافه کرد: مرگ چه عیب دارد؟ من زن خوبی خواهم بود.

او هرگز از اینکه با من ازدواج کرده است افسوس نخواهد خورد. دیگر نمیتوانم منتظر مرد ایده‌آل خود باشم، چون سی و سه سال دارم، ولی اگر روزی با او بر خورد نمایم شوهر و تمام ثروت دنیا نیز نمیتواند مرا از او دور نماید.

او در زندگی زناشویی با وجود اینکه از لذتهای عمیق

زندگی توام با عشق محروم بود ، به علت درستی و خوش رفتاری زن خوشبختی بود . او میدانست که با این ازدواج معامله خوبی کرده است و در نتیجه خود را کاملاً " وقف زندگیش کرده بود . این نحوه زندگی کامل نیست ولی میتواند جانشین آن باشد . بر خلاف عقیده عمومی کسب سازش و هماهنگی و رضایت از روابط زناشوئی بهیچوجه منحصر به زن و شوهرهایی که تازه ازدواج کرده اند نیست . بلکه این سازش تا زمانی که زندگی زناشوئی ادامه دارد میتواند باقی بماند و با پیشرفت مراحل زندگی جنبه های مختلفی بخود بگیرد در نتیجه افزایش دوران توانائی آمیزش زن توسط معالجه با استروژن ، احتیاج وی به رضایت جنسی و تطبیق آن با مراحل مختلف زندگی لازم است که تفاوت اصلی بین جنسیت مرد و زن شناخته شود .

اگر این مسائل را در پرتو این نکات بنگریم بهیچوجه احتیاج به شرم و حیا و عذر خواهی در این مورد نیست و این موضوع در مورد زن و مرد به تساوی صدق میکند .

اختلاف زن و مرد در نحوه ی تظاهر و جلوه واکنشهای جنسی است .

برای یکم سالم و طبیعی این امور و تمایل جنسی در مرکز فکر و ذهن وی قرار دارد و با کمترین انگیزه های از آن آگاه شده و حتی تحریک میگردد در نظر وی مسائل آمیزشی فقط یک وظیفه بیولوژیکی نیست .

مسئله‌ی آمیزش برای مرد یک رادار روانی است که به او در پیش و شناختن محیط کمک مینماید .
 برای اغلب زنان جنسیت تا این میزان سطحی ، ظاهری ، پیشرو و آگاه‌کننده نیست . دختر جوانی که قرار بود ازدواج کند . در مراجعه بمن اظهار داشت : " من نمیفهمم چرا آنقدر مردم به مسئله جنسی اهمیت میدهند . درست مثل اینکه تازه کشف شده است . " اغلب زنان با این دختر جوان هم عقیده‌اند . برای زنان مسائل جنسی یک عامل باطنی و نهفته است .

حتی دخترانی که تجربه در این امور ندارند این مسئله را با بردباری و آمادگی برای مادر شدن قبول میکنند .
 عکس‌العمل هر زن در مقابل امور آموزشی بمیزان قابل ملاحظه‌ای بستگی دارد بوضع تربیت وی در هنگام کودکی ، نظریه و عکس‌العمل پدر و مادر در مقابل روابط پسر و دختر و حوادث و ضربه‌های روحی و غیره ، ولی بطور کلی مسائل جنسی یک وظیفه بیولوژیکی ، مانند غذا خوردن و خوابیدن است و در صورتیکه بطور طبیعی و مرتب وجود داشته باشد به زن احساس رضایت میبخشد و در غیر از هنگام روابط جنسی زنان در مواقع دیگر توجه بخصوص به سکس ندارند .
 بر عکس همیشه برای مردان سکس یک موضوع جدید است و یک محرک دائمی برای آنان محسوب میگردد . عکس

العمل شدیدتر و سریعتر مرد در مقابل سکس توسط فکر و بدن وی مشترکا "کنترل میشود . برای مرد تطبیق دادن این عکس العمل سریع با واکنش کند زن در مقابل محرکهای جنسی امر مشکلی است .

باعث تعجب است که هرچه یکمرد از لحاظ جنسی بزن بیشتر علاقمند باشد کمتر میتواند ویرا اغناء نماید پس کوششی که شوهر در تطبیق دادن عکس العملهای خویش نسبت به همسرش برای ارضاء وی مینماید احتیاج به حداکثر کمک زنش دارد . این نوع کمک میتواند بانواع مختلف باشد .

یکی از موثرترین طرق حفظ یک محیط عاشقانه هنگام روابط زناشوئی میباشد .

شوهری که روابط زناشوئی برایش یکنواخت شده و مانند کارهای دیگر منزل بصورت وظیفهای در آمده باشد . بهیچوجه محرکی برای لذت بخشیدن به همسرش و ارضای او ندارد . یک محیط خوش آیند ، آرام ، تطیف و شاید یکی دو قطره عطر خوش بو ممکن است حتی سالها پس از ازدواج موثر واقع شود ، تحت چنین شرائطی کمتر شوهری است که بی تفاوت یا خشن باقی بماند .

طرز لباس پوشیدن زن در خانه و خارج تاثیر قابل ملاحظه‌ای در احساسات مرد نسبت به همسرش دارد . زنان بایستی توجه داشته باشند که فقط یکدختر جوان در بیکینی

زیبا و خوش اندام بنظر میرسد. در اغلب موارد برهنگی بجای اینکه خوش آیند باشد ناهنجار است. لازم نیست که لباس عجیب و یا گران قیمت باشد، بلکه بایستی مناسب و خوش سلیقه و خوش آیند باشد.

شاید بهتر باشد که پزشک فقط بمعالجه طبی توجه داشته و بجای توصیه کردن در نحوه‌ی لباس پوشیدن نسخه بنویسد ولی من نمیتوانم تاثیر لباس پوشیدن را نادیده بگیرم. با وجود اینکه این موضوع ناچیز بنظر میرسد جزئی از جنسیت و سازش جنسی در زندگی زناشوئی است.

مثلاً "اگر زنان چاق و یا کوتاه میتوانند هیکل خود را، در شلوارهای بلند کشی ببینند هرگز این شلوارها را نمی-پوشیدند من معتقدم در صورتیکه زنی در انتخاب لباس سلیقه نداشته باشد بهتر است که شوهرش در این امر باو کمک کند. این موضوع ممکن است در زندگی زناشوئی آنان بسیار موثر باشد.

در لباس پوشیدن نیز مانند امور دیگر راهنمای زن بایستی حفظ زنانگی کامل باشد، حتی اگر مد روز پیروی از مدهای سردانه باشد در صورتیکه زنی در پیروی از اینگونه مد ها زیاده روی کند بشوهرش این احساس را میدهد که با مردی همبستر شده است.

تکامل در عشق جسمانی و رسیدن به حد اعلای آن به

یکباره عملی نیست، بلکه مرحله بمرحله حاصل میشود. زن و شوهرهایی رامیشناسم که پس از ده سال ازدواج توانسته‌اند روشی در آمیزش بیابند که کمال لذت مرد مدتها بطول می‌انجامد و در آن مدت زن چند بار باوج لذت میرسد.

حد اعلاى لذت از عشق جسمانی اغلب در جوانی بحقیقت نمی پیوندد، بلکه در سالهای پس از جوانی، در حدود دوران یائسگی امکان پذیر است. در اینزمان زن علاوه بر رشد فکری از ترس بارداری و استفاده از وسائل مختلفه جلوگیری خلاصی یافته است.

ولی مهمترین عامل در راه رسیدن برضایت کامل احساس مشترک درد و طرف و عدم انتقاد یا شکایت میباشد. در چنین محیطی تقریباً "همیشه نوعی ارضاء کامل در زن اغلب بطور غیر منتظره بوجود میآید.

این محیط رضایت مشترک بمیزان قابل ملاحظه‌ای به توانائی نشان دادن احساسات بستگی دارد. زن و مرد در اینمورد با یکدیگر تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارند.

محبت برای زن ضروری است بطوریکه در بعضی از موارد حتی جانشین روابط زناشویی نیز میگردد.

در صورتیکه زن را از محبت محروم نمائیم او را بکلی تشنه گذاشته‌ایم ولی مرد برعکس طبیعتاً "با محبت نیست و یا محبتش را ابراز نمیکند. این عدم ابراز احساسات در مرد

یک سنت دیرین است که از شرکت مرد در جنگها و سایر امور طاقت فرسا ناشی شده و جزء افتخارات وی گردیده است این موضوع مشکلات زیادی برای زن ایجاد میکند . بدتر از همه اینکه با گذشت زمان مردها سردتر و کم محبت تر میگردند و بر عکس مرد ، زنها با گذشت زمان و یشرفت سن احتیاج بیشتری به محبت پیدا میکنند و همچنین محبت بیشتری ابراز میدارند .

خوشبختانه تا زمانی که زن بشوهرش محبت نشان می— دهد آسایش زناشوئی آنان پایدار است . ولی در صورتیکه زن ابراز احساسات خود را برای مدتی طولانی قطع نماید ؛ زنگ خطری است برای گسستن زندگی مشترک خانوادگی .

هروقت که من در مورد افزایش دوران زنانگی و جلوگیری از یائسگی برای جمعیتی صحبت میکنم اغلب این سوال بمیان آورده میشود که با افزایش دوران زنانگی و جلوگیری از یائسگی برای جمعیتی صحبت میکنم این سوال بمیان آورده میشود که با افزایش دوران زنانگی زن بمدت نامحدود ، تکلیف مردان چیست که در اینصورت نخواهند توانست با آنان پیش بروند؟ بطوریکه قبلاً " اشاره کردم مردها جنسیت خود را تا سالهای پیری حفظ میکنند و بر خلاف زنانی که از معالجه هورمونی پیروی نمیکنند یکمرتبه جنسیت آنها در اواسط زندگی رو بنقصان میرود . یکمرد سالم در اواسط زندگی شاید قدری

از موهایش ریخته باشد ولی هنوز خود را راست نگه داشته و در ظاهر وضع تاسف انگیزی ندارد. چشمانش و نگاههای وی احساساتی را ابراز میدارد بطوریکه از عصبانیت و تنفر و یا برعکس عشق و تحسین زیبایی میدرخشد. در چهره‌اش خطوطی دیده میشود ولی چروک نخورده است.

در صورتیکه چنین مردی از لحاظ روحی محرکهائی داشته باشد بهیچوجه بدنش او را خوار و ذلیل نخواهد کرد و او هنوز میتواند شنا کند به مجالس شب نشینی برود و از بازی و ورزش لذت ببرد. ولی مردان غالباً "شبه شوهری هستند که یکی از بیمارانم تشریح نمود."

شوهرم وقتیکه بخانه میآید بقدری خسته است که نمیخواهد حتی صحبت کند. به بچه‌ها توجهی ندارد، هنگام نهار یا شام روزنامه میخواند و بعد از شام هم جلوی تلویزیون دراز میکشد کفشهای خود را بیرون میآورد و بخواب میرود. مطمئناً "اغلب زنان با این وضع تا اندازه‌ای آشنائی دارند و خواهند گفت پس نمونه مرد سرزنده و فعالی که در بالا توضیح دادید همین است...؟"

واضح است که اینجا مشکلی وجود دارد ولی این مشکل ارتباطی با کمبود هورمون در مرد ندارد و با احتمال قوی ناشی از عدم توجه و دلسردی است. ساده‌تر بگویم اینگونه مردان حوصله‌شان سر رفته است و شاید تقصیر از یک مغز غیر مبتکر،

کار خسته کننده وزنی که توجهشان را جلب نمیکند باشد .
 در عین حال برای از بین بردن این وضع زن و شوهر
 بایستی بکمک یکدیگر سعی نمایند بزندگی خود مفهوم جدیدی
 بدهند و قدری زیبایی و علاقه بآن بیفزایند .
 در اینگونه موارد گاهی احتیاج به مراجعه به روانشناس
 پیش میآید تا به ریشه واصل بیتوجهی و منفی بودن مرد پی
 برده شود .

اغلب نگرانی بتنهایی کافی نیست که یکمرد سرزنده را
 بچنین وضعی در آورد .

ممکن است از اینکه کارش را از دست دهد : یا قرض
 داشته باشد و یا اینروزها از مالیاتهای عقب افتاده نگران
 باشد . " این نگرانیها بایستی بر طرف شود وگرنه احساس
 آرامش و رضایتی که برای زندگی زناشوئی سالم و توام با خوش
 بختی مورد نیاز است بدست نخواهد آمد . همچنین روابط
 آمیزشی زناشوئی احتیاج به آهنگی بسیار پیچیده‌ای در سلسله
 اعصاب و وضع شیمیائی بدن دارد . مردی که از فشار کار و
 گرفتاری و نگرانی خرد شده است بهچوجه نمیتواند شوهر
 خوبی باشد . در صورتیکه وضع مالی اجازه دهد نسخه‌ی من
 برای اینگونه زنان و شوهرها یک مسافرت تفریحی دو ماهه
 است .

مسئله مهم دیگری که بایستی با حقیقت بینی بدان

توجه شود اصل تنوع طلبی مرد است ، مرد در اصل طالب تنوع میباشد . . . این حقیقت را اغلب تمدن‌های امروزی آنرا پذیرفته‌اند ولی متأسفانه تعداد بیشماری از مشکلات کنونی ناشی از عدم قبول این اصل مهم است . زنان بهیچوجه راه طبیعی و پذیرفته شده‌ای برای قبول علائق مختلف شوهرشان ندارند و این توجهات او را بعنوان بیوفائی و خیانت می - شناسند در صورتیکه معنی لغوی این موضوع را کنار بگذاریم ممکن است روابط شوهر با زن دیگر بهیچوجه خیانت نباشد چون ممکن است مردی به همسرش عمیقا " علاقمند بوده ولی احتیاج بیک احساس جدید و تازه‌ای داشته باشد که همسرش نمیتواند در او ایجاد نماید . ولی تا زمانی که حسادت یکی از احساسات اصلی بشری است ، تمدن امروزی به چه ترتیب خواهد توانست احساس تنوع طلبی مرد را در معاشرت با همسرش بپذیرد ؟

بنظر من پاسخ باین سوال ساده است چون حتما " هیجان و احساسات مهیج نبایستی فقط بخاطر زنی در مرد ایجاد شود .

در صورتیکه مردی با زنش روابط آمیزشی رضایت آمیزی داشته باشد میتواند توجه خود را به علائق دیگر از قبیل ورزش ، موزیک و یا یک سرگرمیهای جالبی مثل باغبانی و تربیت گل و یا جمع کردن تمبر و غیره معطوف دارد .

چقدر دردناک و نگران کننده است که متاسفانه در اجتماع امروزی ما قمار آنهم بصورت یک اعتیاد خطرناکی جای خالی همه این کمبود ها را گرفته است ؟

خوب میدانم که با این نوشته صریح و بحث بی پرده در امور زناشوئی سیل انتقام ب سرم سرازیر خواهد شد ولی من هنوز نتوانسته ام درک نمایم که چرا بعضی از مردم فکر میکنند شناختن طبیعت بی احترامی بخداست ! از میان عکس العملهایی در طول کارم با آنها مواجه شده ام فهمیده ام که هنوز اشخاصی وجود دارند که تلسکوپ را از جلو چشم گاليله و یا چاقوی جراحی را از دست وساليس ميربایند . شاید این اشخاص در عقاید خود محق و پای بند بوده و بدنبال معجزه ای میگردند ولی توجهی ندارند که طبیعت بخودی خود بزرگترین معجزه هاست .

باشناسائی طبیعت میتوان خدا را شناخت و در صورتی که تحقیقات علمی با چنین ایده ای شروع شود نوعی پرستش خداوند است .

دکتر پرویز طالقانی متخصص بیماریهای زنان



رفتار صحیح در روابط جنسی کدام است

از آنجا که هریک از ما تعبیر غلطی از امور جنسی در وجود خود داریم احتمالاً "هیچیک از ما روش معینی نداریم که بتوانیم آنرا رفتاری ایده‌آل و خالی از عیب بدانیم . بهر حال ، زوج‌های جوان پس از ازدواج اکثراً " در این مورد دست به تغییرات و اصلاحات اساسی زده بطوری که اصول احساسات خود را نیز بر اساس اطلاعات مدرن در مورد روابط جنسی مرد وزن اصلاح می‌نمایند . و معتقد می‌گردند که عمل آمیزش بر خلاف گذشته که شدیداً " تقبیح میشد اکنون مورد تایید است .

رفتار صحیح در مورد روابط جنسی رفتاری است که بتوانید به طبیعی‌ترین و مقتضی‌ترین وضعی از آن استفاده نمایید . اینها تجربیات طبیعی انسان است ، اوج خواست‌ها و امیالی که در وجودتان ریشه دوانیده می‌باشد . اگر دو کودک مذکر و مونث را در جزیره‌ای متروک رها کنیم بطوریکه بتوانند برای خود غذا تهیه نموده و از خود مراقبت نمایند در اولین

فرصت امیال خود را بصورت روابط جنسی بروز میدهند .
 پسر و دختری که عاشق یکدیگرند ممکن است به دلایل
 فراوانی از عمل آمیزش خود داری نمایند لیکن هدف آنها از
 عشق آن است که در کنار یکدیگر باشند . به همین دلیل است
 که در برخی از اجتماعات موسساتی تشکیل داده اند که مراقب
 باشد تا جوانان مجرد در محل های خلوت و یا جایی که بتوانند
 احساسات جنسی خود را علنی نمایند همدیگر را ملاقات
 نمایند . مثلا " استفاده از به اصطلاح " گیس سفید " بدان
 منظور است که از قرن ها پیش تشخیص داده شده بود که
 جوانان را نباید به حال خود بگذارید زیرا عشاق در اولین
 فرصت دست به اعمال جنسی میزنند .

گرچه تشخیص داده شده که خواست های جنسی جزئی
 از وجود زن و مرد می باشد ، اغلب اجتماعات این حظ نفس
 را مشروط به شرایطی دانسته اند . این شرایط معمولا " بصورتی
 بوده است که ازدواج و یا تشریفاتی نظیر آن انجام گیرد که
 ضامن برقراری روابطی دائمی باشد . البته این سخت گیری
 بخاطر نظم اجتماع ، حفظ نژاد و تربیت اولاد انجام می -
 پذیرد . در تاریخ بشر ، انسان مجبور بود کوشش های فراوان
 بخرج دهد تا جای پای برای خویش در این کره باز نماید
 جمعیت یکصد سال قبل فقط نیمی از جمعیت جهان امروز بود
 قحطی ، مرض و جنگ معمولا " تعداد جمعیت را پائین می آورد

بنابراین زنان و مردان تشویق میشدند که به تعداد اولاد خود بیفزایند. در برخی از اجتماعات چنانچه زنی از بچه دار شدن طفره می رفت مرتکب گناه بزرگی میشد.

امروزه نیز در بسیاری از کشورها نشانه مردانگی مرد بسته به تعداد اولاد او می باشد. پسر داشتن مایه نشاط و رضایت فوق العاده بوده بطوریکه "دیوید" و "و-امیس" درباره "زندگی آسیائی" در کتاب ازدواج: شرق و غرب می نویسند: "ثروت، افتخار، شهرت و حتی تقدسی برای یک مرد کم ارزش تر از آن است که مردی پدر اولاد مذکری باشد. این مرحله در حکم تکمیل سرنوشت مذهبی، اجتماعی و شخصی او می باشد"

"هیچیک از اقدامات زن با ارزش تر از لحظه افتخار آمیزی نیست که اولاد مذکری به شوهرش تحویل دهد. این همان لحظه درخشان پیروزی با شکوه برای هر زنی است. مفهوم "خوب" در زبان چینی به دو عامل "زن" و "پسر" بستگی دارد زنی با اولاد پسر از با اهمیت ترین چیزهاست که مرد می تواند داشته باشد."

"با تولد اولین اولاد پسر زندگی خانوادگی از سر گرفته میشود. مشعلی جهت نسلی دیگر پایه عرصه وجود می گذارد. بدین ترتیب ادامه زندگی خانوادگی میسر و قابل اطمینان می شود. این همان لحظه رضایت عمیق و عطیه الهی است"

" قصور در ارائه اولاد پسر از بزرگترین فاجعه‌های زندگی زناشوئی یک زوج است. " منچیوس " می‌گوید در مورد اولاد یکی از بدترین اعمال آنست که شخصی نسلی از خود بجا نگذارد. اینکار بی‌حرمتی بزرگی نسبت به والدین مرد به حساب می‌آید و ناسپاسی و نمک‌شناسی از این بزرگتر نیست. در " سانسکریت " لغت اولاد پسر، یعنی پوتوا در لغت به معنای کسی است که شخصی را از جهنم رهایی می‌بخشد. جهنم برای والدینی است که فرزند پسر نداشته‌اند. " بچه‌دار شدن در هر اجتماعی اهمیت دارد. در حقیقت این موضوع از مشکل‌ترین امور تنظیم‌کنندگان جمعیت دنیاست. باوجود این که وسایل جلوگیری از بارداری در دسترس همه‌است لیکن اشتیاق بچه‌دار شدن به هنگام آمیزش هنوز پابرجاست.

وقتی که زن و شوهری روابط جنسی را عملی طبیعی و صحیح و قسمتی از طبیعت وجود خویش میدانند در این مورد دست به هر عملی که بزنند آن کار نیز کاملاً " طبیعی خواهد بود. بدین معنا که نحوه برقراری عمل آمیزش به هر فرم و شکل که باشد مادام که سبب ناراحتی و یا نارضایتی یکی از طرفین را فراهم نکند کاملاً " پسندیده است. این موضوع مورد تایید مذاهب عمده دنیا نیز می‌باشد. دکتر " برنارد جی - پسانی " در کتابی که با اجازه می‌گوید: " هرگونه

تریکات جسمی که آمیزش طبیعی بدنبال داشته باشد از لحاظ اخلاق مقبول است " بدین ترتیب کاملا " طبیعی است که یک زوج فارغ از هرگونه اقدامات دینی از پیش آماده شده آزادانه و صریحا " به این تجربه دست بزنند و مطمئن باشند که کاری طبیعی است اخلاقا " مورد تایید می باشد .

بنابراین رفتار احساساتی صحیح بزرگترین آزادی ممکن را فراهم می آورد این آزادی شامل وضع طرفین به هنگام آمیزش نیز می باشد شوهر ممکن است روی زن قرار گیرد ، شاید کنار هم دراز بکشند و رودر روی هم باشند ، کنار هم دراز بکشند ولی مرد از پشت زن را بغل کند ، زن روی شوهر باشد و یا شاید موقعیت های دیگری بخود بگیرند . این آزادی شاید شامل نحوه عمل نیز باشد . بوسیدن پستانها و یا در صورت اشتیاق بوسیدن هر قسمت از بدن و اقدام به عمل آمیزش به هر طریقی که برایشان جالب باشد . این آزادی شامل زمان لازم نیز می باشد . هر وقت که میل داشتید نزدیکی کنید و عمل آمیزش را به شب در اطاقی با پرده های آویخته منحصر نکرده بلکه صبح تا ظهر یا بعداز ظهر و در هر ساعتی که طرفین مایل باشند می توانید به این عمل طبیعی اقدام کنید . این آزادی شامل شرایط معینی نیز می باشد . لباس پوشیده یا بدون لباس ، در اتاق نشیمن و یا هر جای دیگری که مناسب اینکار باشد . چراغ روشن یا اینکه خاموش باشد ،

بانوای موسیقی ملایم ، بلند و یا بدون موسیقی ، پیشنهاد آمیزش از طرف زن باشد یا از طرف مرد ، عمل آمیزش یکسره تا آخر ادامه داشته باشد یا اینکه به مرور و استراحت انجام گیرد ، بدین صدا و جدی باشد یا با ناله و یافریادهای ناشی از جذبه توأم باشد . به عبارت دیگر ، یک رابطه آمیزش صحیح باید بدان پایه آزاد و صریح باشد که بطور طبیعی هر آنچه میل دارید به زبان بیاورید و برای لذت بردن و لذت دادن به یکدیگر به هرکاری دست بزنید .

این نوع آزادی جنسی بدان معناست که در نزدیکی کردن و یا نکردن آزاد هستید ، در باره آن صحبت نکنید یا نکنید ، از یک روش استفاده کنید یا از روشهای مختلف . بدین طریق شاید پی ببرید که آمیزش در فرمی بخصوص ، بزرگترین لذت جسمی و روحی را به شما و طرف مقابل می دهد . نکته مهم این است که چنین روشهایی برای آن انتخاب شده اند که مورد نظر شما بوده و یا بر موازین احتیاجات جنسی شما متکی باشد نه آنکه به نظر شما صحیح و عاری از شرم و گناه باشد .

به هیچوجه لازم نیست از یک نوع آمیزش تبعیت کنید که در آن عمل آمیزش همیشه از یک روش پیروی نموده ، هر بار همان حرکات و حالت نزدیکی تکرار شود . همانطوریکه لازم نیست همیشه یک نوع غذا بخورید ، یک جور لباس بپوشید

و هر روز بدون کمترین تغییری فقط برنامه تلویزیونی معینی را تماشا کنید و تمام مدت زندگی هر شب فقط هامبورگر، نخود و سیب زمینی سرخ کرده بخورید. اگر غذای خود را آزادانه انتخاب کنید و طبق دلخواه تنوع و انواع مخصوصی به آن بدهید از آن راضی خواهید بود. زیرا این همان کاری است که دلتان می خواهد انجام دهید.

از طرف دیگر، اگر آن غذا را بخاطر این می خورید که احساس می کنید خوردن غذاهای دیگر شرم آور است، لذتی که از خوردن آن غذا می برید ممکن است به مقدار قابل ملاحظه ای زایل گردد اما اگر بی صبرانه منظر غذای شب باشید و بدانید که تنوع سبب ترغیب بیشتر می شود، لذت بیشتری از غذا خوردن خواهید برد.

همین موضوع در مورد عمل آمیزش نیز صدق می کند، هر قدر آزادانه تر و بیشتر به طیب خاطر شما باشد با شدت بیشتری با احتیاجات و امیال دوجانبه تطابق خواهند داشت و برای هر دو جالبتر بوده و از آن لذت خواهید برد. این طرز آمیزش لذت با هم بودن را دو چندان می کند. همین موضوع باعث می شود که روابط جنسی به راهی نیفتد که هر کرده و عملی به صورت غیر قابل تغییر و از پیش آماده شده در آید. عوض آنکه یکنواخت و خسته کننده باشد، زن و شوهر را مرتب بر آن می دارد که راه های جدیدی پیدا کنند تا از آن طریق عشق

خود را نسبت به یکدیگر بهتر ابراز نمایند . بنابراین عمل جنسی را در مقامی عالی به صورت محبت آمیز در می آورید در این صورت تبدیل به جلوه‌ای از عشق میشود و حاصل محبت و عشق عمیق تر را وعده میدهد .

چرا تماس خوب ضرورت دارد

یکی از باارزش ترین اقداماتی که مینوانید در ابتدای ازدواجتان جهت بهبود روابط جنسی خود انجام دهید این است که در مورد توقعات رفتار و ارزش ها بایکدیگر تماس بگیرید . بعضی از افراد مسن به من می‌گفتند که این تصور بکلی وحشتناک است . ولی بهر حال ، گفتگو به منظور بهبود روابط جنسی نه تنها احترام آمیز و سازنده است بلکه سبب تقویت سایر جنبه‌های ازدواجتان می‌گردد .

نکته مهم اینجاست که اگر نتوانید در مورد مسائل جنسی و طرز آمیزش آزادانه صحبت کنید مسلماً " آنها را قبول نخواهید داشت . چنانچه عوامل این موضوع موجود نباشد بدین معناست که طرفین زود رنج تر از آن هستند که راجع به این موضوعات صحبت کنند . این موضوع در مرحله‌ای قرار می‌گیرد که معایر فعالیت‌هایی است که در آن شرکت داشته و در کلیه موضوعات آن آزادانه صحبت می‌کنند .

در ابتدای زندگی زناشوئی کمتر زوج هائی می‌باشند که

بتوانند مسائل مربوط به روابط جنسی را با آزادی کامل بحث نمایند. تا این لحظه کم و بیش شما را از بحث کردن درباره چنین موضوعاتی منع کرده بودند. در واقع حتی وقتی که پسر با پسر و دختر با دختر در مورد مسائل جنسی صحبت می‌کنند غالباً " فکر می‌کنند که کار کثیفی انجام می‌دهند. خنده‌های پرطنین دختران موقعی که مسائل جنسی مطرح است و خندیدن به داستانهای کثیفی در مورد پسران یا وجود آنکه داستان خنده‌دار نیست چنین میرساند که بنظر آنها مسائل جنسی نباید در اجتماع مودبانه مورد بحث قرار گیرد. اگر حالا نتوانید به راحتی در مورد مسائل جنسی صحبت کنید عکس العمل شما همان است که به شما یاد داده شده و این همان راهی است که میلیون‌ها نفر دیگر به همان طریق رفتار می‌کنند در ابتدا بسیار دشوار است که خودتان را مجبور کنید با صراحت در مورد مسائل جنسی صحبت کنید، و شاید دچار ناراحتی بشوید. اگر شروع چنین صحبت‌هایی سخت شرم‌آور باشد باز بهتر است که هرچه زودتر شروع کنید. پس از اندکی احساس آرامش بیشتری می‌کنید و همچنانکه با مسائل مربوط به امور جنسی آشنا تر میشوید، روابط گرم و صمیمانه‌تری با شریک زندگی خود برقرار کرده و کم کم متوجه میشوید با تلاش کمتر و اطمینان بیشتر می‌توانید با یکدیگر در تماس باشید. چرا باید تماس در این مورد تا این حد اهمیت داشته

باشد؟ اغلب نوجوانانی که متوجه می‌شوند بدون بحث و گفتگو در مورد مسائل جنسی توانسته‌اند رابطه جنسی موفقیت آمیزی برقرار کنند همین سؤال را پیش کشیده‌اند. وقتی چنین وضعی پیش می‌آید شاید طرفین عمل آمیزش را انجام دهند، لیکن لذت حاصله از این عمل فوق‌العاده جزئی است موقعی که زوجی لذت بدنی می‌برند، پیداست که این موضوع صرفاً "نمی‌تواند ماجرائی حاکی از صمیمیت باشد."

وقتی چنین الگوی آرامی پی‌ریزی می‌گردد، هنگامیکه شوهر سعی به تحریک زن دارد زن به هیچ وجه نمی‌تواند رضایت و یا عدم رضایت خویش را ابراز نماید، و شوهر نیز متقابلاً "وسایله‌ای نمی‌بیند که رضایت و یا عدم تمایل خود را بازن درمیان بگذارد. در چنین موقعیتی طبعاً "عمل آمیزش در حقیقت ملاقات دویگانه است. پس از اتمام آمیزش زن و شوهر چون گذشته نسبت به هم کاملاً "غریبه‌اند."

علتی که ضرورت تماس را جهت تعدیل و تطبیق تاکید می‌کند این است که شما و شریک زندگی شما با طرز فکری کاملاً "متفاوت در مورد روابط جنسی با هم ازدواج نموده‌اید برخی از این توقعات شاید ابتدا "تجاسی با هم نداشته باشند. مطالعات دامنهدار دکتر "آلفروسی کینسی" و "ارل ب - پومه روی" و "کلاید - ای - مارتین" سوء تفاهمات طبیعت واقعی زن و مرد را به خوبی نشان می‌دهد. بسیاری

از زنان شاید ندانند که مرد واقعی کسی است که نسبت به تحریک جنسی، دیدن اندام زن، صدا و بوی زن واکنشی داشته و به سادگی تحریک شده و به شدت هیجان خود برسد مردها فکر میکنند زنان نیز درست مانند مردان تحریک می‌شوند. عده دیگر تصور می‌کنند که زن ابداً "تحریک نمی‌شود یا از مسائل جنسی لذت نمی‌برد، و یا آنکه زن تنها وسیله‌ای جهت لذت بردن مرد می‌باشد.

طبعاً "مادام که چنین تصورات غلطی موجود باشد بسیاری از اعمال زن و شوهر به غلط تعبیر و تفسیر می‌گردد.

زن نخواهد فهمید که لخت شدن او در مقابل شوهر چرا باید وی را تحریک نماید. در حالیکه وقتی او مرد را برهنه می‌بیند نه تنها تحریک نمیشود بلکه گاهی حالت انزجار به اودست میدهد. شاید به این فکر بیافتد با آدمی که به جنون جنسی مبتلاست ازدواج کرده است. برخی از زنان نیز وقتی می‌بینند شوهر از نگاه کردن به دختران و زنان مایو دو تکه پوش کنار دریالدت می‌برد اینکار او را ناشی از هرزگی می‌داند.

روزی زنی به من مراجعه کرد و گله داشت که شوهرش مجله‌ای خریده است که عکس تمام لخت دختری در وسط مجله چاپ شده و اینکه شوهر از نگاه کردن به آن عکس لذت می‌برد زن دیگری نزد من آمد و گفت که شوهرش فاسد شده است زیرا

وقتی که در رختخواب بوده‌اند از او خواسته که به آلت وی دست بکشد، ضمناً " مرد خود سعی داشته که آلت زن را نوازش کند .

دامادی از دیدن هیجان بیش از حد عروس در ماه عسل دچار تعجب فراوان شده با مشاهده لذت بی حد زن از روابط جنسی فکر می‌کرد با دختری به اصطلاح حشری ازدواج نموده است . شوهر دیگری برای گذراندن ماه عسل بمدت دو هفته دو اتاق دو تخته گرفته و در مدت آن دو هفته ابتدا " اقدامی جهت عمل آمیزش از خود نشان نداد ، در حالیکه به زنش احترام می‌گذاشت . کاشف به عمل آمد که مرد فکر می‌کرد که یک دختر خوب هیچوقت حاضر به عمل آمیزش نخواهد بود .

مشکلات فوق قابل رفع نیستند تا اینکه طرفین بنشینند و علت اصلی این سوء تفاهم را بررسی و روشن نمایند . موقعی که زن اول تعریف کرد که مرد از دیدن اندام برهنه تحریک می‌شود شوهر به او اطمینان داد که این حالت یک عکس‌العمل طبیعی مردانه است . همچنین برای زن توضیح داد که اکثر روی جلد مجلات مردانه عکس نیمه لخت زن هاست و بعد کتابی را که در مورد مسائل جنسی چاپ شده بود به زن داد که در آنجا قید شده بود اندام لخت زنان سبب تحریک مرد می‌گردد .

به همین ترتیب بحث آزاد در اتاق مشاور ازدواج به زن دوم فرصت داد که درک کند رفتارش باید اصلاح شود ، شوهر نیز با ابراز امیالش خواسته‌های درونیش را برای همسرش تشریح نمود .

شوهری که فکر می‌کرد روابط جنسی با همسرش صحیح نیست به این علت بود که در محیط محدود و بسته‌ای بزرگ شده بود . تمام تجربه او عبارت از اظهار عقیده همکلاسی‌های دبیرستانی او بود که روابطی جزئی با دختران داشته‌اند . بنا به آنچه در مطبوعات خوانده بود چنین نتیجه گرفته بود که زن‌های خوب چنین کارهایی نمی‌کنند . طبعاً " درک این موضوع که همسرش نیز واکنش‌های انسانی دارد خود شروع یک سلسله تغییرات بود . صرف وقت و گفتگوی آزادانه بیشتری لازم بود تا بتواند با اطمینان بیشتر و تمایل علنی تری روابط جنسی با همسرش برقرار نماید .

بدون تماس کامل ویگانگی مشکل بتوان به اتفاق به حالت نهایت هیجان رسید . معمولاً " زن باید به شوهرش بفهماند که کدام قسمت بدنش برای او تحریک کننده تر است مرد نیز باید برای زن تشریح نماید که کدام حرکت وی او را بیشتر تحریک می‌نماید و چه عواملی باعث می‌شود با سرعت کمتری او را به نهایت هیجان برساند .

اگر بطوری که اغلب اتفاق می‌افتد ، مرد باید خود را

نگهدارد تا دیگری بقدر کافی تحریک شود، هر دو باید از وضع یکدیگر خبر داشته باشند و هریک باید بدانند که چه اعمالی سبب تسریع یا کندی تحریک آن دیگری می‌شود تا هر دو بتوانند همزمان به اوج هیجان برسند.

قدرت آزادانه روبرو شدن با مسائل جنسی این حسن را دارد که احتمال آماده بودن یکی از طرفین برای عمل آمیزش و عدم آمادگی دیگری را نقصان می‌دهد. اگر یگانگی وجود نداشته باشد وقتی که زن مشتاق عمل آمیزش است امیال خود را نمی‌تواند به‌زبانی برای شوهرش شرح دهد که برای او قابل فهم باشد. یا اگر زن مایل به اینکار نباشد نمی‌داند عدم آمادگی خود را چگونه برای شوهر توضیح نماید.

جدیدترین مثالی که به خاطر آمد این است: زنی بود که نمی‌توانست به شوهرش بگوید که عادت ماهانه اوست، وقتی که شوهر خیال همخوابگی داشت زن پاسخ داد که خسته است شوهر احساس کرد او دروغ می‌گوید و اندک اندک به این فکر افتاد که زن توجهی به او ندارد.

گاهی تماس بدون بکار بردن کلمات موثر تر می‌شود. زن در همان ملاقات‌های اولیه با شوهرش متوجه می‌شود که شوهر از عطری که او به کار برده خوشش می‌آید. مرد به او گفت که این عطر از لحاظ جنسی او را تحریک می‌کند.

هر وقت که زن میل به همخوابگی داشت از همان عطر

استعمال می‌کرد و به شوخی مقداری از آن عطر را به سر و روی شوهر می‌پاشید. این طرز ابراز امیال از بکار بردن هزاران کلمه نیز موثر تر بود.

حالات ناشی از لذت بردن در مدت عمل آمیزش نیز به خودی خود نیازی به گفتار ندارد. زنی که دست شوهرش را روی پستانهایش می‌گذارد دیگر احتیاجی به تشریح امیال ندارد.

تماس صحیح می‌تواند مشکلات ناشی از اختلاف طبقاتی را نیز بسهولت حل نماید. مطالعات "کینسی" اختلاف مشخص ابراز تمایل جنسی و همخوابگی طبقات پائین و بالا را کاملاً آشکار می‌سازد. آنها که در طبقات بالا هستند به آماده کردن اهمیت بیشتری می‌دهند. حتی قبل از ازدواج نیز پسر و دختر طبقه بالا به ناز و نوازش فوق العاده تمایل دارند و حتی بدون آنکه عمل همخوابگی را انجام دهند گاهی فقط با معاشقه همدیگر را چنان تحریک می‌کنند که حالت انزال به آنان دست می‌دهد. پس از ازدواج طرفین آزادی بیشتری برای انجام عمل آمیزش دارند و این تمایل را بیشتر در آنها بر می‌انگیزد و باعث جلوگیری از تحریک‌های غیر طبیعی میشود.

افراد طبقه پائین بسیاری از این اعمال را اتلاف وقت می‌دانند. آنها اغلب طرفدار همخوابگی سریع و بدون مقدمه

ومخالف تغییر وضع عمل آمیزش پس از ازدواج می باشند. اگر کسی از طبقه بالا با فردی از طبقه پائین ازدواج کند تصادم توقعات حتمی است در حالیکه هر یک از آندو تصور می کند حق با اوست.

اغلب اختلافات زناشوئی در مدت همخوابگی از بین می روند. برخی اینکار را عملی کاملاً " جداگانه می دانند: کاری که بهر طریق باید انجام گیرد. اگرچه درست چند لحظه پیش از آن با هم دعوا نموده باشند یا روابط آنان عادی بوده و هیچیک از دیگری عصبانی نباشد. زنی همخوابگی را وسیله ای می داند که بدان طریق از شوهرش چیز بخواهد. اگر شوهر قول خرید کلاهی جدید به او بدهد خود را تسلیم شوهر می کند و چنانچه شوهر او را به جشنی که مورد نظر اوست نمی برد زن نیز زیر بار آمیزش نمی رود. بعضی ها از همخوابگی موقعی لذت می برند که چند گیلای مشروب خورده باشند چون در اینحال محدودیت های کمتری برای خود دارند و در برابر اقبال خویش آزادترند. افراد دیگر معتقدند اگر بوی مشروب از دهان هم بستر آنها بیاید حالت تحریک آنها را عقب می برد. برخی از زوج ها فقط موقعی لذت می برند که زن بروی مرد باشد. افراد دیگری نیز موقعی از آمیزش لذت می برند که هنگام برقراری روابط جنسی طریق دیگری اتخاذ کرده باشند.

هنگامیکه زن و شوهری در موارد فوق با هم اختلاف داشته باشند مهمترین راه آن است که در مورد اختلافات با هم به گفتگو بنشینند. اولین قدم آن است که افکار خود را درباره آن موضوعات درک نمایید. قدم دوم آنست که ببینید آیا احساس شما صحیح است یا خیر. اینکار اگر از جهت نظرات فوق ثمری نداشته باشد، همینقدر که احساسات درونی خود را اعلنی می کنید، شریک زندگی شما با آنچه درونتان می گذرد و اگر نظرات شما را صحیح بداند شاید در رفتار خود تجدید نظر نماید. با درک یکدیگر می توانید ترتیبی بدهید که هر دو از روابط جنسی لذت ببرید. اینکار هنگامی مقدور می گردد که هریک از شما کوشش نماید که آن دیگری از نشاط و لذت تمتع برگیرد. بهر جهت این خود پیشرفتی است در برطرف کردن سوء ظن ها و بغض و کینه.

از پرونده های خود راه حلی جهت رفع اختلاف توقعات به عنوان نمونه ذکر می کنم. شوهر هیجده ساله ای در راه ماه عسل با عروس هم سن و سالش پی می برد که اشتیاق او به روابط جنسی بیش از عروس است. شوهر در صبح و ظهر و شب عمل آمیزش انجام می داد. زن نیز گاهی با او همراهی می کرد ولیکن میل شوهر را به این عمل زیاده از حد می انگاشت. بالاخره، زن بشوهر گفت که شاید نتواند او را راضی کند، زیرا به اندازه او مایل به اینکار نیست و اینکه در آلتش احساس

درد می‌کند. ابتدا شوهر به زن توضیح می‌داد که چندین بار طرف شدن با زن چیزی کاملاً "طبیعی است. بهر حال، ضمن صحبت مرد گفت دوستانش که اخیراً "ازدواج کرده‌اند به قدرت خود در تعداد دفعات آمیزش در مدت ماه عسل می‌بالیدند و اینکه او مصمم است آنها را در این مورد شکست دهد و عدم تمایل زن را ناشی از تعلیمات مذهبی او می‌دانست. زن خاطر نشان ساخت که علاقه‌ای به رکوردگیری ندارد. و اینکه نیاز از نزدیکی آنان باید هدفی عالیتر داشته باشد و باز اینکه توقعات مرد از حد معمول هم زیادتر است. پس از این صحبت‌ها زن پیشنهاد نمود که در اولین فرصت دوره آمادگی ازدواج را به بیند. کاری را که قبل از ازدواج باید می‌کردند و کوتاهی نموده بودند. پس از اندک مدتی با نتایجی که از این دوره تعلیمات بدست آمد این زوج توانستند اختلاف خواست‌های جنسی خود را بر طرف نمایند. مرد به آمیزش کمتری خود را راضی نمود و زن از دفعاتی که ایده‌آل او بود پا را فراتر نهاد.

انگیزه تماس - تمایل به افشای خواست‌های درونی سبب نجات این ازدواج گردید. به عبارت دیگری شوهر مهاجمی که بیش از دفعاتی که زن مایل به نزدیکی بود در خواست آمیزش می‌کرد شاید زن را مبتلا به سردی جنسی می‌کرد در حالی که زن احتمالاً "مرد را آدمی مبتلا به جنون

جنسی می دانست. اگر تصور می رفت که صبت کردن در مورد چنین مسائلی "درست نیست" در آن صورت هیچ یک از انگیزه دیگری با خبر نمی شد.

روش ایده آل آن است که بتوانید کلیه خواسته های خود را به زبان آورید، میزان اشتیاق به این کار، از انجام چه کاری که بخاطر آن انجام میدهد لذت می برید، میزان هیجان شما در اوج لذت و بالاخره نتیجه این همه لذت را بوضوح عنوان نمایید. باید بدون ترس از انتقاد و با اعتماد کامل به شریک زندگی خود بتوانید احساسات و افکار خود را آزادانه برای او توضیح دهید و او نیز باید به همان طریق با اطمینان خواست درونش را نزد شما افشاء کند.

در اینجا نیز مانند سایر روابط زناشوئی طرز رفتار صحیح حتی اگر مدتها قابل حصول نباشد، ایده آل است. نکته مهم این است که بسیاری از رفتارهایی را که مناسب و مقتضی نیستند بتدریج از دست بدهید و اندک اندک رفتاری در پیش می گیرید که بازندگی جدیدتان مطابقت بیشتری دارد. اگر هر دو احساس می کنید در راه آزادی و صراحت بیشتری در روابط زناشوئی گام بر میدارید بدانید که قدم در راهی صحیح برداشته اید مادام که این حرکت به جلو ادامه داشته باشد شما در حال پیشرفت هستید.

هر ماه که از ازدواجتان می گذرد روابط جنسی شما

پیشرفت بیشتری نموده و از لحاظ لذت روحی و جسمی بهم نزدیک تر خواهید بود .

کلماتیکه از بزبان آوردن آنها شرم داشتید ، اکنون با اطمینان کامل و بطور طبیعی و غیر ارادی ردوبدل میشود .
 اعمالی که قبلا " از انجام آن احساس گناه می نمودید اکنون به عنوان اقدامی مقبول به خاطر عشق تلقی می گردد . تردید در قدرت خودتان بجهت راضی نمودن شریک زندگی بتدریج محو میشود .

تمام این اقدامات سبب میگردد که زندگی جنسی لذت بخش تری برای تمام خانواده خود تدارک ببینید و بارفتار پرمهر خود نسبت به همسرتان ، به فرزندانتان فرصتی می—
 دهید تا ناظر اظهار عشق یک زن و مرد در روابطی صحیح باشند . با تقویت قدرت بحث در مورد مسائل جنسی بدون شرمساری ، می توانید سوالات محرمانه فرزندان خود را نیز به طریقی جواب گویند .

بدین ترتیب با خونسردی و اعتماد و بدون دست پاچگی یا ناراحتی به سوالات آنها پاسخ میدهید تا فرزندان شما شک نبرده و پیش خود نتیجه نگیرند که این قبیل مسائل را نباید علنا " مطرح کرد .

چنانچه از تربیت جنسی مناسبی برخوردار نبوده اید و مجبورید تعلیمات را از سر بگیرید ، اکنون فرصت خوبی

است . تجاهل و سوء تفاهماتی را که والدین شما و نسل های قبل از آنها را از لذت زندگی جنسی مقتضی محروم داشته است در هم بشکنید . وقتی که یاد می گیرید مسائل جنسی را بحث نموده و با احترام ، رک گوئی و اعتماد وضعی به وجود آورید که از این رابطه طبیعی لذت بیشتری ببرید پایه های یک ازدواج سعادتبار را مستحکمتر کرده اید .

اعمال جنسی : آمادگی و اجرا از نظر روانی

روابط جنسی میان شما و شریک زندگی شما بقدری همه جانبه است که نمی تواند فقط بخاطر کسب حداکثر لذت جسمی ممکن مطرح باشد . آمادگی روانی از ضروریات است و میزان این آمادگی روانی بستگی به مطالعات ، تجربیات و اطلاعات شما قبل از ازدواج دارد .

بیایید ببینیم که چرا اینطور است . رابطه جنسی به مراتب پیچیده تر از مثلا " رانندگی است . با اینحال وقتی کسی برای اولین بار پشت فرمان می نشیند ، نمی تواند ماشین را روشن کرده و شروع به حرکت نماید . این شخص باید وقت قابل ملاحظه ای صرف آشناسدن با لوازم کنترل اتومبیل بنماید . مانند دسته دنده ، پدال گاز ، ترمز و غیره . وقتی شروع به حرکت نمود ، باید مدت زیادی در جاده های خلوت و یا اماکن نظیر آن رانندگی کند تا با ادوات کنترل اتومبیل بیشتر آشنا شده و عکس العمل اتومبیل را نسبت به آنها آزمایش نماید . بعد شاید خیابان خلوتی پیدا کند تا در رانندگی مهارت و اعتماد کسب کند . تازه در آن موقع است که میتواند بطور طبیعی از خیابان های شلوغ استفاده کند .

آمادگی روانی جهت نزدیکی در حقیقت بیش از آنچه

مردم فکر میکنند بطول می‌انجامد . ابتدا ، مدتی وقت لازم است تا زن و مرد منظور از روابط جنسی را درک نمایند . باز فرصتی بیشتر لازم است تا خود را با شخصیت یکدیگر مطابقت دهند . اگر بدون تجربیات قبلی ازدواج کرده‌اند شاید در حله اول دست همدیگر را در دست بگیرند . سپس با جان گرفتن احساسات و همچنین بر طرف شدن تدریجی شرم و حیا یکدیگر را ببوسند و کم کم این بوسه‌ها حالت عاشقانه تر و شدیدتری پیدا نماید . بعد از آن خودمانی‌تر میشوند و این شاید از دست کشیدن به پستان‌ها شروع شود . پس از اندک زمانی خودمانی بودن عمق بیشتری بخود می‌گیرد و شاید کار به نوازش اجزاء محرک جنسی بکشد . اگر تعجیلی صورت گیرد ، مثلاً " — از دست در دست هم انداختن کار به آمیزش بکشد — اثرات روانی شدیدی ممکن است بجا بگذارد ، فقط به خاطر اینکه فرصت کافی جهت شناخت روانی هر یک از مراحل در نظر گرفته نشده است .

ضرورت آمادگی روانی قبل از نزدیکی در روزگاران پیش چندان مراعات نمی‌شد — روزگاری که دختران نسبت به امروز در محیط بسته تری زندگی میکردند — بطوری که اطباء آشنا هستند آمیزش ناگهانی اثرات عمیق در عروس ایجاد میکرد . این اثرات معمولاً " در عروسانی مشهود بوده است که قبل از ازدواج حتی مردی را نبوسیده بودند و یکدفعه

از او انتظار میرفت که خود را کاملاً " در اختیار شوهرتان قرار دهند . ضربات این فشار روانی گاهی بقدری شدید بود که غیر قابل تحمل میشد . در اجتماع ما ، که دوران نامزدی ضروری بوده و مرد و زن پس از ملاقات ها و مناسبات زیاد با هم ازدواج میکنند بعد از عروسی معمولاً " اغلب مراحل آمادگی قبل از آمیزش را مراعات می نمایند .

لیکن تمام عروس و دامادها نمی توانند قبل از ازدواج به مراحل ای برسند که کاملاً " آماده بر قراری روابط جنسی بعد از ازدواج باشند .

البته این موضوع بدان معناییست که هر عروس و دامادی باید قبل از ازدواج دست اندرکار تحریکات شدید جنسی بشوند ، منظور فقط این است که چنانچه قبل از ازدواج چنین مراحلی پشت سر گذاشته نشده است ، نباید انتظار داشت که پس از ازدواج در اولین وحله ، عمل آمیزش کاملاً " رضایت بخش باشد .

دختری که همیشه مورد احترام بوده است زیرا اجازه خودمانی شدن به کسی نداده است ، به صرف اینکه مراسم ازدواج را انجام داده است نمی تواند از لحاظ روانی آماده آمیزش باشد . شوهرش وظیفه دارد به او کمک کند تا از وی همسری هم رای و مشتاق روابط جنسی بسازد . شاید مجبور باشد با دقت و با صرف وقت زیاد دست به اینکار بزند .

مثلاً " باید از بوسیدن و ابراز عشق و بعد همدیگر را تنک در آغوش کشیدن و نوازش جاهای حساس و تحریک کننده شروع نماید و پس از طی این مراحل هنگامیکه همسرش را در نهایت اشتیاق و آمادگی برای آمیزش دید به اینکار دست بزند .

بهر جهت ، شب عروسی شاید برای زن و شوهر جوان از بدترین شبها برای عشق بازی باشد . در چنین اوقاتی آنها که تازه ازدواج کرده اند معمولاً " احساس آسودگی نمیکنند . بر عکس ، احتمالاً " ناراحت بوده و از مراسم ازدواج و پذیرایی هیجان بیش از حد به آنان دست می دهد . معمولاً " حداقل نگرانی هایی دارند که شاید نتوانند در زندگی جدیدی که شروع کرده اند موفق شوند . احتمالاً " به خاطر کمبود خواب در روزهای قبل از مراسم خسته میباشند و اکثراً " ترس از اولین آمیزش (بخصوص در دخترها) نیز عامل نگرانی بشمار می آید و بعضی مواقع این عوامل باعث میشوند که اولین شب عروسی از نظر روابط جنسی شب لذتبخشی نباشد .

عوارض و اختلالاتهای غریزه جنسی

مهمترین غریزه طبیعت بشری یعنی غریزه جنسی بدبختانه بیش از هر حس دیگری دستخوش اختلال و انحراف می‌باشد و چون عدم اطلاع کامل از این عوارض ممکن است نتایج ناگواری ببار آورده و موجب شود که افراد سالم و طبیعی هم مبتلا گردند در اینجا بشرح عمده آنها پرداخته کیفیت هر یک را بنحو اجمال خاطر نشان می‌سازیم .

اختلالاتهای غریزه جنسی بر دو نوعند اول آنچه مربوط بطرز شهوترانی با غیر همجنس است مثل اینکه مرد جز بطرق مخصوصی از جماع با زن لذت نبرد و اینرا در اصطلاح انحراف طریقه گویند دوم اختلالی که در طرز انتخاب معشوق عارض میشود مثلاً " مرد یا زن بجای آنکه بنحو طبیعی عشق ورزی نموده و خاطر خواه جنس مخالف شوند به همجنس خود علاقه پیدا میکنند و این حالت را انحراف هدف نامند .

عوارض عمده جنسی که در ردیف انحراف طریقه بشمار می‌آیند عبارتند از عنن سرد مزاجی ، عطش شهوانی ، دیگر آزاری (سادیزم) ، خود آزاری (مازوشیزم) ، تالم شهوانی

(آگلوانی) و غیره .

عن عبارت از حالت مخصوصی است که در پاره‌ای شرایط بشخص عادی و سالم نیز ممکن است دست دهد و آن ناتوانی مرد است در جماع باین معنی که در نتیجه تصور یا خیالی نابهنگام یا امری نا مطبوع مرکز حس نعوظ در دستگاه عصبی موقتا " فلج شده و قضیب از حرکت باز میماند ، این کیفیت را نباید نتیجه عدم تمایل دانست چه گاهی ممکن است در اوج عشق و شهوت نیز چنین حالتی بی اختیار بمرد دست دهد و اشکالی که دارد این است که هنگام بروز آن هر قدر مجاهدت و بیم عدم موفقیت زیادتر شود ناتوانی بیشتر ادامه مییابد و در آن موقع است که شخص خود را دستخوش بدترین امراض و بزرگترین بدبختیها دانسته مضطرب و پریشان می‌گردد . کسانی که بچنین حالتی گرفتار میشوند باید متوجه این نکته باشند که منشاء عارضه مزبور در طرز تخیل آنها است و اگر این حقیقت را چنانکه باید درک نمایند بزودی از عن رهائی خواهند یافت . افراط در جلق نیز گاهی ممکن است موجب عن گردد چه مرکز تحریک را در سلسله اعصاب تغییر داده بمسور ایام این حس را در آدمی ایجاد میکند که جز بوسائل غیر طبیعی بمرحله نعوظ نرسد ولی با اینحال چون عارضه مزبور غالبا " تابع مغز است میتوان در اثر تقویت اعصاب و تلقین بنفس آنرا درمان بخشید :

سرد مزاجی عبارت از فقدان یا ضعف احساسات شهوانی است که در مردها بسیار نادر بوده و بیشتر در زنها عارض می-گردد و گاهی بدرجهای میرسد که شخص عمل مشروع و طبیعی ایجاد نسل را امری حیوانی و پست و نفرت آور تلقی نموده بکلی از آن احتراز میکند. منشاء این عارضه در زنان غالباً "خاطره‌ای است که از درد و تالم اولین آمیزش جنسی در ذهن آنها باقی مانده و سبب تنفر آنان از مجامعت میشود و بهمین جهت است که مردها مخصوصاً " در اولین تماس با زن باید از خشونت در عمل یا رفتارهای غیر ماهرانه احتراز کرده بکوشند که لذت متقابل ایجاد نمایند. گاهی سرد مزاجی زنان علل دیگری غیر از خاطرات دردناک شب زفاف دارد مثلاً " ممکن است حجب و حیای بیجا تعلیمات غلط سابقه جلق یا همجنس بازی، بیم آبستنی یا ترس ناخوشی و غیره زن را از تمتع و لذت طبیعی محروم سازد.

عکس سرد مزاجی عارضه عطش شهوانی است که اشخاص مبتلاباً ن در آمیزش جنسی از درجه اعتدال خارج شده بسرحد افراط میرسند و آتش شهوت آنها هیچگاه فرو نمی نشیند. این عارضه که غالباً " ناشی از وراثت یا سوء تربیت است در مرد " ساتیریاز " و در زن " نمفومانی " نام دارد و مبتلایان بدان گاهی چنان اسیر تمایلات شهوانی خود میگردند که برای ترضیه آن هر عملی را جایز میدانند چنانکه اگر شریکی برای اطفاء شهوت

بطور طبیعی پیدا نکنند بجلق یکنفری یا دو جانبه یا اعمال شنیعتر مبادرت میورزند .

بیماری دیگر آزاری یا سادیزم عبارت از این است که شخص از طریق اذیت و آزار معشوق و حرکات خشن و سبانه مانند گازگرفتن و غیره در هنگام عمل بمرحله لذت میرسد و عکس این حالت را خود . آزاری یا مازوشیزم گویند که شخص میتلا بآن از زجر دیدن از دست معشوق کسب لذت مینماید . آگولانی حالت کسانی است که از راه تالم و درد احساس لذت شهوانی میکنند .

دیگراز عوارض غریزه جنسی بروز تمایلات شهوانی در سنین غیر عادی است که در اطفال معلول توارث و سوابق بیماری پدر و مادر و در پیران مقدمه اختلالهای دماغی و موجب افتضاح و رسوائی است . دسته دوم از اختلالهای جنسی که انحراف هدف بآنها اطلاق میشود شامل همجنس بازی ، حیوان بازی ، فتیشیزم و غیره میباشد .

همجنس بازی عبارت از این است که مرد یا زن جز از آمیزش و معاشقه با همجنس خود متمتع نمیشوند و عمل طبیعی مقاربت در نزد آنها موجب انزجار میگردد . این بیماری از عوارض عصبی محسوب شده و منشاء آن ظاهرا " توارث است و چون بقوای دماغی بستگی دارد علاج آن بسیار دشوار میباشد بدبختانه کسانی که مبتلا بمرض همجنس بازی هستند بصحت تمایلات

نفسانی خود معتقد بوده پیوسته سعی دارند دیگران را هم معتقد نمایند و بزرگترین خطری که از ناحیه این بیماران متوجه جامعه میشود همین است که بعمل خود اکتفاء ننموده سایرین را هم تبلیغ میکنند و پیدا است که این تبلیغات تا چه حد فکر جوانان را مسموم کرده آنانرا از راه راست منحرف میسازد . بنابراین وظیفه مربیان است که با افکار همجنس بازان بشدت مبارزه کنند و پسران و دختران جوان را از عواقب وخیمی که نتیجه پیروی از این تبلیغات زهرآگین است بر حذر دارند .

حیوان بازی یا سودومی نوعی بیماری است که اغلب در دهات و بین چوپانها شیوع دارد و آن عبارت از جماع با حیوانات است ولی این مرض مختص مردها نبوده و زنانی هم دیده شده اند که با بعضی حیوانات مقاربت نموده اند .

فتیشیزم حالت روحی کسانی است که از رویت یا بوئیدن اشیاء متعلق بمعشوق مانند دستمال و کفش و چیزهای دیگر او متمتع میگردند و گاهی در خفا با آن جلق میزنند بعضی از این نوع بیماران خود معشوق را اصلاً " فراموش کرده و فقط طالب و خاطر خواه یا دگاره های او میشوند .

اختلال غریزه جنسی ممکن است بصور و اشکال گوناگون دیگری نیز بروز کند از قبیل نکروفیلی یا مرده پرستی و جماع بامیت ، میل تماشای مقاربت دیگران یا منظره جفت شدن

حیوانات ، میل بتماشای آلت تناسلی زن یا مرد یا ارائه آلت تناسلی خود بدیگران ، نارسه سیزم یا میل بتماشای اندام عریان خود و غیره .

متبلا بیان باین امراض افراد بدبخت و بیچاره‌ای هستند که تمایلات شهوانی خود را اغلب بارث برده و بمصداق لیس علی‌المریض حرج کمتر مسئول عملیات خود میباشند و بنابراین مجازات و تنبیه درباره آنها خلاف انصاف است بعلاوه باید متذکر بود که هرگونه خشونت عملی درباره اینگونه اشخاص ممکن است اثرات معکوس بخشیده و عوارض مزبور را در آنها تشدید نماید ولی با اینحال باید بوسائل مقتضی از آزادی عمل آنها جلوگیری کرده آنانرا تحت مراقبت و معالجه مخصوص قرار داد .

ترس و ناتوانی جنسی

یکی از برجسته‌ترین اشکال عدم توانائی جنسی و نوعیست که آنرا ناتوانی خیالی نامند که ناشی از هیجاناتی از قبیل خشم باترس و با تنفر است .

درزندگی مدرن امروزی ، این نوع ناتوانی جنسی خیلی شایع شده است . زیرا بیشتر گریبانگیر افرادی میشود که دچار ضعف عصبی هستند . برهیچکس پوشیده نیست که تعداد بیماران عصبی که بعلت فشار و جبر زندگی و تحریکات زیادی

که بسلسله اعصاب آنها وارد میشود، بر خلاف قرون گذشته سال بسال روبتزاید است.

تقریبا "هیچ فردی را که علاقمند بامور جنسی باشد، نمیتوان یافت که عواملی نظیر خستگی، ناخشنودی و یا خشم او را بنارسائی موقتی جنسی مبتلا نکرده باشد. بعنوان مثال همه میدانند که بعضی از مردها هنگامی که باماکن فساد میروند قادر بانجام عمل جنسی نیستند در حالیکه همین افراد در خارج دارای قوی ترین احساس جنسی می باشند.

اکثر این افراد اگر فوراً "بعلت حقیقی نارسائی موقتی پی برده و از این بابت نگرانی بخود راه ندهند در محیط و شرایط دیگر منتهی قدرت جنسی را از خود نشان میدهند. از طرف دیگر افراد ترسو و آنهائیکه اعصاب فوق العاده ضعیفی دارند، تصور می کنند که دچار نقص جنسی شده و بمرور زمان تصویر سیاه و مبهمی در مغزشان نقش می بندد و بالاخره بضعف جنسی خود اعتراف کرده و برای آنها این فکر پیدا میشود که مبتلا بناتوانی جنسی هستند. و احساس می کنند که هیچ چیز در دنیا قادر بدرمان آنها نمی باشد.

در زمانهای قدیم، مردم بجادو و جادوگری اعتقاد عجیبی داشتند و حتی افرادی را که مبتلا بناتوانی جنسی بودند، طی مراسم خاصی درمان میکردند.

"در کتاب ساتریکون" داستان "پطرونیوس" که یکی

از بهترین نوول کلاسیک جهان است ، بچشم میخورد .
 این داستان جوان افسارگسیخته‌ای است که در اثر سحر
 و جادو مبتلا بناتوانی جنسی شده و توسط پیرزنی درمان می-
 شود . درمان باینطریق صورت میگیرد که پیرزن گردی را با
 آب دهان خود خمیر کرده و روی پیشانی جوان میگذارد و -
 سپس بدرگاه پریاپوش (یکی از خدایان) استغاثه کرده و به
 جوان مزبور میگوید که سه بار تف کرده ریگ‌های ریزی را که
 در پارچه ارغوانی پیچیده شده بود ، بدامن او بریزد "
 در اواخر قرون وسطی ، مقالات متعددی درباره عجیب
 ترین و مضحک ترین ضیافتها و جشنها نوشته و خاطرنشان
 کرده بودند که قادرند ، افرادی را که عقیده داشتند بعلت
 نفرین کسی دچار ناتوانی شده‌اند ، درمان نمایند .
 امروزه دیگر کسی اعتقادی به جادورگری ندارد ، ولی
 هستند کسانی که هنوز پای بند چشم زخم که خود نوع خفیفی
 از سحر و جادو است ، می‌باشند ، حتی در عصر حاضر ، بعضی
 از نواحی اروپا رومی شناسم که افرادش معتقدند که ناتوانیشان
 ناشی از بدبختی است و دائما " این ایده ثابت آنها را رنج
 و عذاب میدهد .

موارد فوق احساس ترس دائم از ناتوان شدن را که نوع
 خطرناک ناتوانی جنسی است ، نشان میدهد . این احساس
 ترس زندگی ، شخص را در تمام مدت عمر بخطر انداخته و

بعضی اوقات منجر بخودکشی او میشود .

در اواخر قرن گذشته ، سمیلاین مقالات متعددی در باره خودکشی هائیکه بعلت این نوع احساس ترس از ناتوانی جنسی پیش میآید ، منتشر نمود . این احساس عبارتست از .
دائم ناتوان شدن و عملاً " منجر بیک ناتوانی نسبی و حتی بعضی از اوقات تبدیل بنا توانی جنسی کامل خواهد شد . قبل از آنکه این ناراحتی عادت ثانوی شود ، باید بر علیه ترس اقدام نمود و آنرا از خود دور ساخت .

افراد بیشماری بعلت رنج بردن از این بیماری روانی عجیب که خودنیز بدان آگاه هستند ، ازدواج نکرده اند و این بخاطر آنست که از ابتدا جرات نداشته اند که ناراحتی خود را با طبیب حاذقی در میان بگذارند .

اگر شخص آنقدر عاقل باشد که بتواند حالات و مشکلات روحی خود را تجزیه و تحلیل کند ، آنوقت ، خواهد توانست ، بیماری خود را هم درمان نماید . و از طرف دیگر اگر دارای چنین قدرتی باشد ، هرگز بچنین ناراحتی روحی دچار نخواهد شد . بنابراین لازمست که از شخص دیگری برای مبارزه با این ناراحتی کمک بگیرد .

بعنوان مثال اگر این افراد بیاد آورند که چطور برای اولین بار بعد از یک غذای مطبوع ، در آمیزش توفیق یافته اند احساس مسرت نموده و از احساس ناتوانی خود حیران میشوند

روز بعد بیمار بتنهائی نزد من آمد و از من خواست تا قدری از آن دارو را در اختیارش بگذارم . من چند قرص بی-ضرر را که در دوتای آنها کمی از آن دارو وجود داشت ، باو دادم و تاکید کردم که یک قرص را قبل از جماع بخورد و نیز پیشنهاد کردم که ابتدا آن دو قرص را مصرف کند . در ضمن با کمال اطمینان باو تلقین کردم که بعد از خوردن ۷ قرص کاملاً "درمان خواهد شد .

نتیجه مطابق دلخواه بود زیرا بیمار کاملاً " شفا یافت .
"مونتین" نویسنده و فیلسوف بزرگ فرانسه در مقالات مشهور خود ، در باره درمان موفقیت آمیز این بیماران سخن رانده است .

درمان تمام موارد ناتوانی باین سادگی که من ذکر کردم نیست . زیرا غلبه بر ترس زودگذر در مواردی که تازه باشد آسان است ، در حالیکه غلبه بر ترسی که عادت هر روزه و هر ساعته بیمار شده و چون سایه بدنبال اعمال و افکار و امیال او کشیده شود ، کاری است بس دشوار .

مردی که دچار ترس از ناتوانی جنسی است ، وقتی که بزن زیبائی برخورد می کند ، فوراً " باین فکر می افتد که حتی اگر آن زن نسبت باو عشق بورزد ، وی هرگز نادر بلذت بردن از او نخواهد بود .

اوزنان وشوهرانی را که بازو ببازوی هم داده و حرکت

می کند ، می بیند و آه می کشد و لذت می برد . اگر در مجلس جشنی با زنی تنها باشد ، از ترس اینکه مبادا آن زن مایل باشد که وی او را در آغوش کشد ، بخود می لرزد .

اوشبهارویاهای موفقیت آمیز عشقی را بخواب می بیند و بنظرش ساده و امری طبیعی جلوه میکند و حال آنکه مجبور است بعلت نداشتن انرژی جنسی لازم از آن دست بدارد . گاهی گاهی مخفیانه باماکن فساد می رود ولی از شدت لرزش و طپش قلب بحالت خفقان می افتد . از موضوعات شهوی لذت نمی برد بلکه بر عکس از رفتار خود می ترسد و از اینکه مورد تمسخر دیگران قرار بگیرد ، بیم دارد . مغزش کاملاً " از این افکار آزار دهنده و پریشان پر است و قادر بانجام عمل لازم جنسی نیست . گوئی از سنگ ساخته شده است که حتی نوازشهای طولانی هم در او موثر نمی افتد و مثل مجسمه‌ای بیروح باقی میماند .

چنانکه تاکنون تاکید شده است ، این نوع ناتوانی اغلب منشاء روانی دارد ولی گرچه ترس از ناتوانی جنسی بطور نادر سبب از کار افتادن دستگاه توالد و تناسل می شود ، ولی اصولاً " این دستگاه در دنباله عصبانیت‌ها و هیجانانامختلف از کار افتاده و علائم ناتوانی جنسی پیدا میشود .

البته ضعف عمومی مادرزادی و یا ابتلاء مختصر نخاع

شوکی را نیز نباید از نظر دور داشت .

برای درمان ناتوانی جنسی ، قبل از هر کار ، باید علت پدید آورده آنرا یافته و برطرف نمود .

بنابراین اولین وظیفه پزشک اینست که ابتدا علل جسمانی ناتوانی را کشف و درمان کند و همزمان با آن در شناختن علل هیجانی و روانی مکشوف یا مخفی نیز کوشش نماید . برای کشف علت اخیر بهتر است بیمار با یک روان شناس پزشک مشورت کند . بعد از درمان علل جسمانی ، وضع بیمار بطور قابل ملاحظه‌ای بهبود خواهد یافت .

از نظر درمان این نکته لازم بتذکر است که باید از داروها و رژیم مناسب آنهم تحت نظر پزشک و برای مدتی کوتاه استفاده نمود . همزمان با آن برای جلب اطمینان بیمار به نیروی مردانگی خود ، پسیکو تراپی (روان درمانی) مفید بنظر میرسد زیرا باین ترتیب حس اطمینان مریض بخود افزایش می یابد .

بعد بتدریج مقدار مصرفی دارو را کم می کنیم رفته رفته نگرانی بیمار کاهش یافته و روابط جنسی برای او لذت بخش خواهد بود .

وقتی که ترس از ناتوانی جنسی چند سال طول کشیده باشد ، لازم است که بیمار شریک شایسته‌ای را برای خود انتخاب نماید . چون زنان هرجائی این قبیل عشق بازیها را با خشن ترین طرزی انجام میدهند و علاوه بر اینکه کمکی به

بهبود حال بیمار نمیکنند ، سبب ناراحتی بیشتر او هم خواهند شد .

برای درمان ناتوانی بیمار که باید با تمام قدرت ، مراکز روحی و فکری و احساسات بیمار را تحت تسلط خود در آوریم بعضی از پزشکان مشهور از درمان بیماران خود بعلت سرپیچی آنها از بکار بردن دستوراتشان خودداری کرده اند .

البته برای پزشکی که چندین ماه کوشش کرده تا بیمار خود را مطمئن کند که دارای قدرت جنسی طبیعی میباشد ، دلسرد کننده است که بیمارش با آوردن عذرهای بچگانه از جستجوی زن مناسبی که نه او را تحقیر و نه دلسرد کند ، امتناع نماید .

چنین مردان بعد از آمیزش لذتی نبرند ، اطمینان نشان نسبت به طبیب خود سلب شده و او را متهم به بی لیاقی میکنند .

اما ازدواج برای افرادی که ترس از ناتوانی جنسی دارند لازمست ؟

اگر طبیب معالج تأیید کند که بیمار بهبود کامل یافته است ، مریض میتواند با آسایش خاطر ازدواج نماید . بعلاوه بعقیده من چون جماع همیشگی با یک زن بخصوص آسانتر است تا زنان متعدد ، اینست که بدون هیچگونه تردید ، می توانند ازدواج کنند .

تشریح آلات تناسلی مرد

آلات تناسلی مرد عبارت است از مجموعه غدد مولد منی یعنی خایه‌ها ، پروستات و مخازن منی ، و مجراهائی که بوسیله آنها انزال صورت میگیرد (لوله بزرگ ، مجرای مخازن مجرای بول) مجرای بول در قضیب قرار گرفته است که آلت جماع میباشد .

خایه‌ها

خایه عضوی است که در آن تخمه اصلی مرد یا اسپر- ماتوزئید تولید میشود و وشکل تخم مرغی است که اندکی مسطح باشد .

خایه‌ها در کیسه‌ای قرار دارند که زیر قضیب آویزان است و در وسط دارای غشائی است که آنرا بدو خانه قسمت کرده است . وزن هریک از خایه‌ها تقریبا " ۲۰ گرم و طول آن بطور متوسط ۵ سانتیمتر و ارتفاعش ۳ سانتیمتر و ضخامتش سه سانتیمتر است .

غده اصلی خایه که از پوست درونی جدا شده باشد

جسمی است سفید مایل بآبی که اگر آنرا فشار دهند خاصیت ارتجاعی توپ لاستیکی دارد .

اطراف این غده را غشاء محکمی فرا گرفته است که قسمت بالای آن در وسط اندکی ضخیم شده ورشته های متعددی از آن منشعب و در قسمت درونی غده باطراف پراکنده گردیده است . این رشته ها غده خایه را بخجره های کوچکی تقسیم نموده اند که هر کدام حاوی دو یاسه مجرا میباشد و در این مجاری است که ماده اصلی منی تولید میشود .

خایه پشت

خایه پشت لوله ای است بطول ۶متر که روی هم پیچیده و بصورت عضو کوچکی بطول ۵ سانتیمتر در آمده و در بالای غده خایه اندکی بطرف عقب قرار دارد . این غده اولین قسمت مجاری ترشح منی محسوب میگردد .

لوله بزرگ

لوله بزرگ یا مجرای منی از انتهای خایه پشت شروع و بمخزن منی منتهی میشود . طول آن ۴۵ سانتیمتر و قطرش ۲ میلیمتر است . قسمت تحتانی آن که در خایه است روی خایه پشت چسبیده و قسمت فوقانی آن پهلوی مثانه و روده راست قرار دارد . کار این لوله حمل منی از خایه بمخزن منی

و از آنجا بگده پروستات و مجرای بول میباشد . اطراف خایه و خایه پشت و اولین قسمت لوله بزرگ را شش پرده احاطه کرده که پرده بیرونی لیفی شکل و کش پذیر و دارای پیاز مومی باشد .

مخازن منی

مخازن منی که در انتهای لوله بزرگ قرار گرفته اند عبارت از کیسه های کوچکی هستند که ماده منی در آنها انباشته میشود . طول این کیسه ها ۵ سانتیمتر و عرض آنها ۲ سانتی متر و ضخامتشان یک سانتیمتر است و قسمت درونی آنها از لوله های تشکیل یافته که در هم پیچیده است .

مجاری انزال

این مجاری که طول آنها ۲ الی ۳ سانتیمتر است مخازن منی را بمجرای بول مرتبط میسازند .

پروستات

پروستات غده ای است واقع در زیر مثانه که بآن چسبیده و قسمت فوقانی مجرای بول را احاطه کرده است . این غده بشکل هرمی است که راس آن در پائین قرار گرفته باشد وزن پروستات تقریباً " ۲۰ گرم و طول آن ۴ سانتیمتر و ضخامتش

دو سانتیمتر و نیم است و کار آن ترشح قسمت مایع منی می باشد .

مجرای بول

مجرای بول در مرد در عین حال آلت بول و آلت انزال منی است این مجرا از مثانه شروع و در انتهای قضیب ختم میشود و از بالا تا پائین سه قسمت در آن تشخیص می-گردد : پروستاتی، غشائی، اسفنجی طول قسمت پروستاتی ۳ سانتیمتر و قسمت غشائی یک سانتیمتر و قسمت اسفنجی ۱۲ الی ۱۴ سانتیمتر است .

در مجرای بول تورم نیز وجود دارد که یکی در ناحیه پروستات و دیگری در حدود ریشه قضیب و سومی در انتهای خارجی قضیب میباشد . قطر داخلی این مجرا در انتها کمتر از ابتدا است بطوریکه مخرج آن از هفت میلیمتر تجاوز نمیکند اطراف مجرای بول را غشاء لزج قرمز رنگی احاطه نموده که دارای عدهای سوراخ و چین خوردگی است . در ناحیه غده پروستات یکنوع برآمدگی در این مجرا وجود دارد که دارای چندین سوراخ است و این سوراخها با مجرای انزال مربوط میباشد . سطح قسمت اسفنجی مجرای بول نیز دارای سوراخ های متعددی است که بغدههای مخصوص ترشح مواد لزج ارتباط دارند .

قضیب

قضیب آلت جماع مرد است که در جلوی استخوان زهار و بالای خایه‌ها قرار دارد. این عضو در حالت عادی بشکل استوانه غیر منظم است و در حال نعوظ تقریباً " شکل منشور بخود میگیرد.

بدنه قضیب شامل یک سطح فوقانی و دو سطح جانبی محدب و یک سطح تحتانی برجسته است. انتهای بیرونی آن دارای تورمی است تقریباً " مخروطی شکل که سرقضیب نامیده میشود و در طرف پائین سوراخی دارد که بول و منی از آن خارج میشود.

کناره خلفی این قسمت متورم که در اصطلاح تشریح تاج قضیب نامیده میشود بسیار حساس است و بواسطه برجستگی خود از بدنه قضیب متمایز میباشد. انتهای درونی آلت که موسوم بریشه قضیب است دو عضله دارد که عضو را با استخوان زهار چسبانیده است.

طول قضیب در حال عادی تقریباً " ۹ الی ۱۱ سانتیمتر و محیط بدنه آن ۹ سانتیمتر است و در حال نعوظ طول آن به ۱۵ تا ۱۶ سانتیمتر و محیط آن به ۱۲ سانتیمتر میرسد. این عضو شامل دو نوع نسج است: یکی جسم مجوف و دیگری جسم اسفنجی جسم مجوف در قسمت فوقانی بدنه قضیب و جسم

اسفنجی در زیر آن قرار گرفته است . مجرای بول از میان جسم اسفنجی عبور میکند . جسم مجوف قسمت نعوظ پذیر قضیب میباشد چه دارای لیفهای کوچک متعددی است که هنگام تحریک پر از خون شده موجب تورم قضیب میگردد . این خون که از شریانهای قضیب وارد لیفها میشود پس از انزال بوسیله ورید های مخصوصی بداخل بدن بر میگردد . طول جسم مجوف در حال عادی ۱۵ سانتیمتر یعنی بیشتر از درازی خود قضیب است چه انتهای آن در داخل بدن تا حدود قسمت تحتانی لگن خاصره ادامه یافته است . هنگام تحریک طول این نسج به ۲۰ سانتیمتر میرسد و بهمین جهت است که در حالت نعوظ قسمتی از قضیب که در داخل بدن است نیز سخت و متورم میشود . ساختمان جسم اسفنجی نیز شبیه بجسم مجوف است . سر قضیب از اجتماع منتهالیه جسم مجوف و جسم اسفنجی تشکیل یافته که اطراف آنها را گوشت نعوظ پذیری احاطه کرده است و روی این گوشت پوست نازک حسلسی وجود دارد .

قضیب دارای چند غشاء است که بترتیب عبارتند از غلاف قضیب یا پوست نازک بیرونی که زیر آن غالباً " خطی مشاهده میشود که دنباله خط زیرخایه است . پرده ای که از الیاف عضلانی تشکیل یافته و در اثر سرما با بعضی تحریکات منقبض شده قضیب را پژمرده میسازد . غشاء سلولی که در اثر

قابلیت ارتجاعی که دارد حرکت پوست را روی قسمت‌های داخلی قضیب آسان مینماید . یک پرده الیافی کش پذیر که تابع تغییرات حجم قضیب است .

روی سر قضیب پوستی وجود دارد که دنباله جلد خارجی بدنه قضیب است و مانند کلاهکی آنرا میپوشاند . این پوست از جلو دارای سوراخی است که نوک قضیب از آن خارج میشود . قسمت تحتانی پوست سر قضیب تولید نوعی چربی میکند که حرکت عضو را آسان میسازد . در اطفال این پوست کاملاً " سر قضیب را میپوشاند و بول از سوراخ تنگ آن خارج میشود ، هنگام بلوغ سر قضیب زودتر از پوست مزبور نمو کرده و از آن کم کم خارج میگردد . در اشخاص بزرگ پوست سر قضیب معمولاً " فقطثلث آنرا مستور میسازد . در پاره‌ای اشخاص سوراخ این پوست خیلی تنگ است و مانع خروج سر قضیب می شود و این نقص خلقت را فیموزیس گویند در اینصورت اگر بعللی پوست عقب برود گلوی قضیب را فشرده و تولید تالمی میکند که پارافیموزیس نام دارد .

تشریح آلات تناسلی زن

آلات تناسلی زن عبارتند از ،

(۱) عضوهای توالد و تناسل : تخمدانها ، شیپورها ،

رحم .

(۲) عضوهای نزدیکی : مهبل ، فرج و ضمائم آن

فرج و ضمائم آن آلات تناسلی خارجی زن میباشد

تخمدانها

تخمدانها عبارتند از غدههای تولید کننده ، تخمه زن

یا اوول که بوسیله تخمه مرد (اسپرما توزئید) بارور شده تشکیل

نطفه جدید میدهند این غدهها که عده آنها دوتا است در

طرفین رحم قرار گرفته و شکل بادام میباشند ، در دختران

جوان که هنوز پابسن قاعدگی نگذارده اند سطح تخمدانها

صاف و هموار است لکن بعد از دوره یلوغ ناهموار شده و در

اثر باز شدن تخمه چین خوردگیهایی در آن پدید میآید .

وزن متوسط هر تخمدان ۶ تا ۸ گرم ، طول آن تقریباً "

۴ و عرضش ۲ و ضخامتش یک سانتیمتر میباشد. تخمدان راست غالباً " اندکی بزرگتر از تخمدان چپ است. رنگ تخمدانها خاکستری و محل آنها در قسمت داخلی حفره بطن عقب یک چین خوردگی عضلانی است لکن این محل کاملاً ثابت نیست و تا حدی تابع وضع مثانه و روده راست میباشد. تخمدان بوسیله الیافی عضلانی بجدار مثانه و شیپور مرتبط میشود و در مقطع آن دو نسج مختلف میتوان مشاهده کرد یکی اسفنجی و درونی که محتوی عروق و اعصاب و نسج ملتحمه است و دیگری ماده بیرونی که ضخامتش یک میلیمتر است لکن با وجود این نازکی اهمیت خاصی دارد زیرا در سطح این غشاء است که تخم تولید میشود.

در این قسمت حفره‌های ریزی وجود دارد موسوم به کیسه‌های تخمی که عنصر اصلی تخمدان محسوب میگردد. در دخترها کیسه‌های تخمی بسیار کوچک است لکن در سن بلوغ بعضی از آنها نمو کرده و بالاخره تقسیم میشوند. معمولاً ماهی یکبار یکی از کیسه‌های تخمی میرسد و تخمی که درون آنها است بحرکت افتاده از راه شیپور وارد رحم میشود.

هریک از تخمدانها محتوی مقدار زیادی کیسه‌های تخمی است که تعداد آنها بالغ بر سیصد هزار است لکن بسیاری از این کیسه‌ها پیش از مرحله بلوغ معدوم میشوند و در نتیجه عده آنها نقصان مییابد بطوریکه در دوره رشد فقط سی یا

چهل هزار کیسه تخمی در تخمدان وجود دارد و در زندهای بالغ هر کدام از تخمدانها فقط چهل کیسه تخمی دارند .

شیپورها

شیپورها چنانکه اشاره شد مجراهائی هستند که کار آنها حمل تخم از تخمدان برحم است .

طول متوسط آنها ۱۲ سانتیمتر و قطرشان در سطح رحم ۳ میلیمتر و نزدیک تخمدان ۹ میلیمتر میباشد .

شیپورها بگوشه فوقانی رحم ارتباط دارند و جدار آنها طوری ساخته شده که در اثر لرزش دائم تخم را بسهولت در حفره رحم فرود میآورند .

رحم

رحم یا زهدان عضو مجوفی است که کار آن نگاهداری تخم بارور شده و حفظ آن تا مرحله رشد میباشد . رحم در لگن خاصره میان مثانه و روده راست و زیر امعاء قرار گرفته و شکل یک گلابی است که گردن آن بطرف پائین باشد .

حجم این عضو بر حسب آنکه زن تولید نسل کرده یا نکرده باشد متفاوت است . در زندهائی که آبستن شده و بچه زائیده اند حجم و وزن رحم کمی زیادتر از زندهای دیگر است زیرا رحم بعد از یک یا چند فقره حمل هیچگاه بحجم اولیه

خود بر نمیگردد. در انتهای تحتانی رحم سوراخی وجود دارد که بمهبل مربوط میشود و این سوراخ در زنهایی که هنوز حامله نشده‌اند بشکل شکاف درازی است بطول ۲ الی ۴ میلی متر لکن پس از وضع حمل ممکن است طول آن به یک سانتیمتر برسد.

عمق حفره در رحم از ۷ سانتیمتر تجاوز نمیکند و در حالت عادی جدارهای آن بهم چسبیده ولی در دوره حمل اتساع مییابد. دیواره زهدان در عین حال این خاصیت را نیز دارد که میتواند منقبض شده محتوی رحم را بخارج براند این عضو بوسیله رشته‌های عضلانی بجدار لگن خاصره متصل شده است.

مهبل

مهبل مجرایی است که از رحم شروع شده و بفرج منتهی میگردد. این مجرا عضو جماع در زن و معبر کودک در موقع وضع حمل و مجرای تخلیه مایعات لزج رحم و خون قاعدگی است. مهبل در یک خط منحنی مایل که انتهای فوقانی آن متمایل بعقب و انتهای تحتانی آن بسمت جلو باشد قرار گرفته و عمق متوسط آن ۷ الی ۸ سانتیمتر است ولی قطر آن باشکال تعیین میگردد زیرا جدار آن که نرم و پراز چین خوردگی است بقدری زود متسع و منقبض میشود که هنگام

معاینه نمیتوان حالت معمولی آنرا تشخیص داد. قابلیت ارتجاع آن بحدی است که پس از وضع حمل بحالت عادی خود بر میگردد.

مهبل وقتی خالی باشد بصورت شکاف ساده‌ای که جدار آن بهم چسبیده باشد و قسمت درونی آن علاوه بر چین خوردگیهایی که دارد در طرف پائین دارای دو برآمدگی است که ستونهای مهبل نامیده میشوند و برای جماع حائز اهمیت میباشند.

پرده بکارت

دهانه تحتانی مهبل بدهلیز فرج ارتباط یافته است. این دهانه در دختران باکره بوسیله غشائی مسدود شده که پرده بکارت نام دارد و دنباله یکی از چین خوردگیهای جدار مهبل میباشد. ضخامت این پرده در دخترها تفاوت میکند. در بعضی بحدی نازک است که در اولین مجامعت پاره می شود بعکس در بعضی دیگر بسیار ضخیم است بطوریکه در شب زفاف بزحمت میدرد و منجر بدرد شدید میگردد. در برخی نیز غشاء مزبور حالت ارتجاعی دارد.

پرده بکارت دارای سوراخی است که مواد لزج رحم و خون قاعدگی از آن خارج میشود. این سوراخ معمولاً "مدور با مژگن" و گاهی کشیده یا بصورت نیمدایره است. گاهی نیز

بجای یک سوراخ چند سوراخ در آن وجود دارد و در این صورت آنرا غربالی گویند. در پاره‌ای از دختران پرده بکارت فاقد سوراخ است و هنگام قاعدگی اسباب زحمت میشود. گاهی سوراخ پرده بکارت خیلی گشاد است یا خاصیت کش آمدن دارد بطوریکه ممکن است قضیب بدون آنکه آسیبی بآن برساند وارد مهبل شود. لکن معمولاً "سوراخ مزبور کوچک است و در اولین نزدیکی مرد بازن پرده پاره میشود و کمی خون می‌آید، معمولاً "چون پرده بکارت بشکل نیم‌دایره است هنگام پاره شدن بسه قسمت میشود که قسمت بزرگ آن در عقب و دو قسمت کوچکتر در طرفین مدخل مهبل قرار می‌گیرد. برگه‌های پاره شده را که بجدار دهانه مهبل می‌چسبند "لاله‌های پرده بکارت" نامند و هنگام وضع حمل در اثر اتساع فوق‌العاده مهبل این برگه‌ها بازهم پاره شده و اثری جز برآمدگی‌های کوچک از آن باقی نمی‌ماند.

پرده بکارت گاهی در اثر پرش و ورزشهای سنگین یا بی احتیاطی در شستشو نیز ممکن است پاره شود.

فرج

فرج آلت تناسلی بیرونی زن است و آن عبارت از شکاف عمودی لوزی شکلی است که در طرفین آن دولبه موسوم به لبهای بزرگ و لبهای کوچک وجود دارد. در حفره میان این

لبه‌ها سوراخ مجرای بول و دهانه مهبل قرار گرفته است. زن نیز مانند مرد دارای آلات تحریک است که عبارت از چوچوله و پیاز مهبل می‌باشد و در هنگام نزدیکی حالت نعوظ بخود می‌گیرد. اگر زن در حالت خوابیده مورد معاینه قرار گیرد یک برآمدگی مدور مستور از مو در بالای فرج او دیده میشود که محاذی استخوان زهار قرار گرفته و "برآمدگی ونوس" نام دارد لبهای بزرگ عبارت از دو برگه برجسته و مودار است که از بالا بی‌این امتداد یافته و پوست روی فرج را تشکیل میدهند. این لبها در دختران و زنان جوان صاف و بهم نزدیک و در زنان مسن و آنهایی که زیاد وضع حمل کرده اند پژمرده و پر چین است. طول متوسط لبهای بزرگ ۸ الی ۹ سانتیمتر و عرض آنها ۲ تا ۳ سانتیمتر و نیم می‌باشد.

لبهای کوچک زیر لبهای بزرگ قرار گرفته و از عقب رفتن آنها نمایان میشوند. این لبها عبارت از دو برگه پوست لزج و بی مو است که در کنار آنها تضاریسی وجود دارد. طول لبهای کوچک ۳ تا ۴ سانتیمتر و ارتفاعشان یک یا دو سانتیمتر و ضخامتشان ۳ تا ۴ میلیمتر است و در طرف بالا و پائین بهم نزدیک میشوند.

قسمت فوقانی این دو لب که در حدود چوچوله بهم اتصال می‌یابند بصورت چین خوردگی کوچکی در آمده که روی چوچوله قرار گرفته و کلاhek چوچوله نامیده میشود.

سوراخ بول در زیر چوچوله و دهانه مهبل زیر سوراخ بول قرار گرفته است . هنگام نزدیکی قضیب داخل دهانه مهبل میگردد .

این نسج از لگن خاصره شروع شده و بخارج تا نوک چوچوله امتداد مییابد . پیاز مهبل هم که در طرفین مدخل مهبل پائین لبهای کوچک واقع است و هنگام نزدیکی تحریک میشود نظیر جسم اسفنجی قضیب می باشد .

پستانها

چون پستان در حیات جنسی زن دارای وظیفه مهمی است در اینجا بتشریح مختصر آن می پردازیم .

پستانها دو غده هستند که در طرفین سینه واقع شده و کار آنها ترشح شیر است ، ارتفاع پستانها بطور متوسط ۱۰ سانتیمتر و عرض آنها ۱۲ سانتیمتر می باشد لکن حجم آنها در اثر حمل و شیردادن و فعالیت تناسلی یا فربهی تغییر میکند .

پستان در قسمت جلو دارای دکمهای است که سرپستان نامیده میشود و منطقه مدور قرمز تیره رنگی بقطر ۳ الی ۵ سانتیمتر اطراف آنرا مانند حالهای احاطه کرده است .

سر پستان مخروطی یا استوانهای شکل است و ده الی بیست سوراخ دارد که مجاری ترشح کننده غده پستان می باشند

این قسمت الیاف عضلانی نازکی دارد که در اثر تحریکات منقبض شده حالت نعوظ بخود میگیرد .

در هاله پستان برآمدگی های کوچکی وجود دارد که مخرج غدد جلدی بوده و " برآمدگی موگانیی " نام دارند . غده شیری که در اعماق پستان قرار دارد ماده ایست خاکستری رنگ که دارای برگه های مستقل از یکدیگر میباشد . در زنان شیرده این غده دارای یک قسمت فوقانی قرمز و نرم و یک قسمت درونی سفید و سخت است .

برگه های غده شیری مجاری ترشح کننده های هستند که منتهی بسوراخهای سر پستان با " مسامات حامل شیر " می-شوند . اطراف برگه ها را نسج چربی داری احاطه کرده که به منزله لفاف غده شیری است .

باید دانست که پستان و مخصوصا " هاله آن از مناطق حساس بدن زن بشمار میرود و شاید بین آن وفرج ارتباط عصبی موجود باشد .

نقش روابط جنسی در ازدواج

روابط جنسی شما و شریک زندگی شما می تواند لذت بخش ترین و صمیمی ترین رابطه زندگی شما باشد و وجد و نشاط زندگی را به حداکثر برساند . می تواند احساسات روحی درونی و بدنی را آشکار نماید . در هیچ یک از فعالیت هایی

که به آن دست می‌زنید تا این حد نمی‌توانید سازش روانی خود را نشان دهید.

عمل آمیزش خود کاری تماما " جسمی است. فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیون همواره این عقیده را تقویت می‌نمایند که اگر جاذبه‌ظاهری و بدنی یکنفر جالب باشد بلافاصله عمل رابطه جنسی بدنبال می‌آید. بسیاری نیز عقیده دارند که تحریک برخی از اعضای بدن که سبب تحریک امیال جسمانی می‌گردد و از مهم‌ترین عوامل رابطه جنسی است. اینکه عمل آمیزش جنبه جسمانی مهمی دارد کاملا " آشکار است. مردی که حالت نعوظ به او دست نمی‌دهد طبیعی است که نمیتواند عمل آمیزش انجام دهد. جز در موارد بخصوص، تا زمانی که زن با بوسه تحریک نشده باشد و یا آنکه با ملایمت سینه‌ها و نقاط حساس بدن وی نوازش نشود و یا بطریقی دیگر آماده و تحریک نگردد طغیان شهوت به او دست نخواهد داد.

بهرجهت، جنبه‌های جسمانی عمل آمیزش قدرت روحی فوق‌العاده‌ای ایجاد می‌کند. این جنبه‌ها حداقل رابطه جسمی و روحی موثری دارند به عبارت دیگر عکس‌العمل‌های جسمانی‌ای هستند که شدیداً " تحت کنترل مغز می‌باشند. وقتی مردی از دیدن زنی تحریک می‌شود، این مغز آن مرد است که علائم جسمانی را بصورت نعوظ آشکار مینماید. تا وقتی که زن جذاب نباشد و یا کاری نکند که نشانه وعده عمل آمیزشی

لذت بخش باشد آن حالات در مرد بروز نمی‌کند. مردی که معمولاً "با دیدن اندام برهنه زنش تحریک میشود چنانچه عصبانی، وحشت زده، یا مضطرب باشد عکس العمل تحریک در او مشاهده نخواهد شد. احتمالاً "هیچ تحریک بدنی و یا دست کشیدن به پستان‌ها یا بوسه‌های تحریک کننده، زنی را که از مردی که میخواهد با او عمل آمیزش انجام دهد نفرت دارد به هیچوجه تحریک نمی‌کند.

اگر زن اضطراب درونی داشته باشد، یا از سلامت خانواده‌اش نگران باشد، یا بترسد که شاید به مرض شدیدی دچار شده باشد و با اینکه از عمل آمیزش که علی‌رغم میل او منجر به بارداری میشود وحشت داشته باشد، حتی استادانه ترین روش مردی که مورد علاقه شدید آن زن است نیز نمی‌تواند نتیجه مطلوب از تحریک را بدست بیاورد.

باین ترتیب احساسات او عکس العمل جسمی وی را تحت کنترل خود می‌گیرد.

اگر عمل مقاربت تنها یک عمل جسمی بود، زیباترین افراد با بهترین اندام که در تحریک بدنی نیز استاد بوده باشند قاعدتاً "باید بهترین عشاق باشند. اشتباه و مردود بودن چنین عقیده‌ای کرارا " ثابت شده است زیرا بسیاری از این افراد علی‌رغم کوشش‌های فراوان نتوانستند از ازدواجی طولانی برخوردار باشند. از طرف دیگر، کسی که از لحاظ

جسمی چندان جذاب نبوده و از تکنیک فوق نیز اطلاع چندانی ندارد تنها با توجه به اصول روانی و احساسی میتواند دست به ازدواجی بزند که با گذشت هر سال مستحکم تر شده و عمری ادامه داشته باشد .

در بسیاری از ازدواج های جوانان نقش جاذبه جسمی بیشتر بچشم میخورد . بهر حال اگر رابطه جنسی بین دونفر قوی باشد جاذبه روانی نیز با گذشت زمان تقویت میشود .
رابطه تعادل جنسی خوب به سه عامل بستگی دارد .

۱ - تعبیر صحیح احتیاجات جنسی - قبول کامل روابط جنسی به عنوان عملی طبیعی که زن و شوهر میتوانند به آزادی ولذت تمام بدون شرم و یا ترس از نكوهش به آن دست بزنند .

۲ - رابطه احساساتی مناسب میان زن و شوهر - اگر چنین چیزی وجود داشته باشد رابطه جنسی همیشه میتواند عمیق ترین تعبیر عشقشان باشد .

۳ - درک اهمیت اعضای بدن در هنر عشقبازی - مهارت در بکار بردن فنون عشقبازی که هنگام برقراری رابطه جنسی عکس العمل رضایت بخش و دلکش در طرفین بوجود می آورد .
حال این مواد را به تفصیل یحت می کنیم :

تحریکات جنسی چگونه بوجود می آید - درک و شناختن حالات و افکار و احساسات خودتان در کلیه موارد جنسی به

شما کمک میکند که اعمال کنونی خود را بهتر درک کرده و چنانچه مغل رابطه جنسی صحیح میباشد تغییراتی در آنها ایجاد نماید .

بر خلاف آنچه مردم فکر می کنند از همان ابتدای زندگی با مسائل جنسی آشنا میشویم . کودکی که از پستان مادر تغذیه میکند ، ابتدا به صورت ناخودآگاه و بعدها آگاهانه پستان زن را به عنوان یکی از عوامل لذت میشناسد .

پستان از نظر او منبع اطمینان ، گرمی و علاقه است بعدها که یاد می گیرد از دستهایش نیز استفاده میکند و به اعضای مختلف بدن خود دست میکشد مثل چشم ها ، بینی گوشها و دهان . اوبه دستها و پاهایش دست میکشد و آنها را لمس میکند ، در عین حال احتمالاً " به جهاز تناسلی خویش نیز دست میکشد . مادر به او اجازه میدهد که دست در دهان و بینی اش بکند اما وقتی که بچه میخواهد دست به اعضای تناسلی خود بزند مادر مانع میشود . بدین ترتیب مادر به اومی فهماند که اینها اعضای مخصوصی هستند — یعنی اینکه مجاز نیست مانند سایر اعضای بدنش بطور طبیعی به آنها دست بکشد .

وقتی کهنه اش را کثیف میکند از طرز رفتار مادرش می تواند حدس بزند که آیا اینکار را تایید میکند و یا تعبیح می نماید . مثلاً " وقتی که مادرش کهنه کثیف را عوض میکند نا

رضائی او را احساس میکند . در این وقت رفتار مادر نسبت به موقعی که میخواهد شیر اطراف لبش را پاک کند کاملاً " فرق میکند . هنگامیکه شلوارش را کثیف میکند و مورد غضب مادر قرار میگیرد بچه به این نتیجه میرسد که خطائی انجام داده است در حالیکه کاری طبیعی از او سرزده است .

همچنانکه کودک رشد میکند از طرق مختلف احساس والدین خود را در مورد مسائل جنسی درک میکند و رفتار خویش را از این لحظه معین مینماید . اگر رفتار آنها نسبت به هم گرم و مهربان باشد ، به این فکر می افتد که این رویه طبیعی رفتار زن و شوهر است . این طرز فکر را در خود پرورش میدهد به امید روزی که خود نیز ازدواج نموده و آنرا به کار ببندد . از طرف دیگر ، اگر رفتار والدینش به ندرت توام با مهربانی باشد تصور می کند این روش همان طریق معمول همه باشد . وقتی که بزرگ میشود مشکل است بتواند روش دیگری در پیش گیرد .

کودک ناظر عکس العمل والدینش نسبت به لباس نیز می باشد . آیا آنها اصرار دارند که سرتا پا پوشیده باشد و هیچ جای بدنش بیرون نماند ؟ اگر مادرش هنگام حمام کردن پسر کوچکش ناراحت است وقتی که او را برهنه می بیند منقلب میشود ، پسر بچه این تشویش را احساس نموده و آن نگرانی را بر برهنه بودنش مربوط میسازد . اگر مادر بیش از حد لزوم

تاکید نماید که درب حمام تمام مدت باید بسته بماند این موضوع نیز شاید سبب ناراحتی او بشود .

تمام بچه‌ها در مورد مسائل جنسی کنجکاوند . آلت جنسی خود را ممکن است به سایر پسرها و دختران نشان دهند . ممکن است در مورد مسائل جنسی چیزهایی بشنوند و آنرا برای والدین خود تعریف نمایند .

تقریبا " بدون تردید در مورد طرز تولد و اینکه چرا باید بصورت بچه‌ها باشند سئوالاتی میکنند .

عکس العمل والدین در چنین مواردی اشراف‌العاده‌ای بر طرز رفتار کودک در آینده خواهد داشت . اگر مادری به ملایمت به بچه تکلیف کند که آلت جنسی خود را به سایر بچه‌ها نشان ندهد کودک احتمالا " متوجه میشود که اینکار نیز مانند بازی با کبریت و یا عبور از عرض خیابان بدون بزرگتر عملی نامطلوبست . از طرف دیگر وقتی مادری فهمید که پسر آلت جنسی‌اش را به بچه‌های دیگر نشان داده و از این بابت اضطراب و خشم پدید می‌آید از خود نشان می‌دهد طبیعا " این فکر برای بچه ایجاد می‌شود که کاری وحشتناک انجام داده است وقتی که بزرگ شده و ازدواج میکند مشکل می‌تواند رویه‌ای دیگر در پیش بگیرد .

زنی هنگام معالجه داستان زنده‌ای برایم تعریف کرد . روزی وقتی دختر بچه‌ای بود و با پسر بچه شش ساله‌ای بازی

میکرد ، مادرش درست موقعی سر رسید که آلت جنسی اش را به پسر بچهای که مثلا " دکتر بود نشان میداد ، مادر او را کشان کشان به خانه برد با شلاق به جانش افتاد و چندین ساعت او را در قفسه تاریکی زندانی کرد .

احتیاج به گفتن نیست که دختر دیگر دست به چنین اعمالی نزد . بهر حال ، وقتی زمان ازدواج فرا رسید ، زن متوجه میشود که نمیتواند رابطه جنسی معمولی با شوهرش داشته باشد . کابوس دوران طفولیت هنوز در قسمت ناخود آگاه مغز او فعالیت داشت و هر بار که میخواست با شوهرش نزدیکی کند احساس میکرد که مادر بالای تختخواب ایستاده و با عصبانیت این عمل او را تقبیح میکند .

عکس العمل های والدین نسبت به سئوال جنسی اطفال اثراتی بر آنها میگذارد که تا بلوغ آنها ادامه خواهد داشت اگر از چنین سئوالاتی اضطراب و تشویش به آنان دست دهد کودک چنین استنباط می کند که مسائل جنسی برای بحث و گفتگو نیستند و وقتی که بزرگ شد احتمالا " مشکل می تواند آزادانه در این موارد صحبت کند . به بسیاری از اطفال اخطار میشوداز " مردان بد " که در صدد تعرض به آنان هستند دوری کنند . به آنها اخطار میشود که سوار ماشین کسی نشده و یا از غریبهها هدیه قبول نکنند و با مردیکه در خیابان می بینند به گفتگو نایستند . این قبیل نصایح معمولا " ضروری است ،

برای اینکه کودک فریب نخورد و احتمالاً "مورد تجاوز قرار نگیرد". بهر حال گاهی این اختار به خصوص در مورد دختران راه زیاد بخود میگیرد و همچنان با ترس از تماس عادی با جنس مخالف رشد نموده و بزرگ میشوند.

اینگونه رفتار در تمام دوران طفولیت و بلوغ ادامه خواهد داشت. مادری یکی از اقوام آبستن میشود، آیا آبستنی چشم بسته مورد قبول کودک واقع میشود؟ آیا انتظار اولادی داشتن لذت بخش است و یا به آن حد خجالت آور است که نباید صریحاً "درباره آن صحبت نمود؟ آیا مادر بارداری ناراحت نیست و آیا از بار دار بودن خوشحال است؟ و یا آنکه این خود مراسمی است که سبب میشود هفته‌ها بستری باشد؟ هر اتفاقی که بیافتد کودک از آنچه به او گفته شده، دیده و یا شنیده است از موضوع بارداری استنباطهایی می‌کند. اینکه آیا این موضوع نشانه نشاطی فراوان است یا موجب ناخوشنودی، افسردگی و بدبینی است. وقتی که بزرگ می‌شود رفتار او در مورد بارداری به احساس بسیار قوی ناشی از استنباطی می‌تواند باشد که در دوران کودکی نسبت به بارداری اطرافیان داشته است.

کودک همچنین به این فکر می‌افتد که در دوران زناشویی زن آبستن می‌شود زن و شوهر چه رفتاری نسبت به هم دارند. شاید پدرش را دیده است که در خانه دست بهر کاری می‌زد

تا زنش احساس آسایش بنماید. یا شاید پدر بی تفاوت باقی می ماند، دربرخی موارد حتی خشونت به خرج داده و اظهار نا رضایتی می کند. کودک ناظر تمام این صحنهها بوده و تصویری از زندگی برای خود مجسم می نماید که به احتمال قوی خود نیز چنین رفتاری را اتخاذ خواهد نمود.

رفتار کنونی شما در مورد مسائل جنسی طبعاً " ناشی از عوامل موثر دیگر نیز می باشد، آنچه از رهبران مذهبی، معلمان، هم کلاسی ها و دوستان یادگرفتهاید و آنچه در روز نامه و کتاب و مجلات خواندهاید و آنچه در تلویزیون و سینما دیدهاید همگی در رنگ بخشیدن به رفتار فعلی شما موثر بوده اند. تاکید زیاده از حد عفت، حیا، تواضع و افتادگی کودک را گاهی چنان محتاطبار می آورد که از انجام ساده ترین امور طبیعی نیز عاجز می ماند.

دوستان و رفقا می توانند تاثیر بسزائی داشته باشند. اگر نوجوانی آمیزش را عمل زشت و شرم آور بداند - عملی که "هیچ دختر خوبی" بدان مبادرت نمی ورزد - و تحریکات جنسی را احساسی وقیح بداند مسائل جنسی در نظر آن نوجوان بصورت عاملی برای تخفیف هیجانات جسمی و عاری از هرگونه عکس العمل های احساساتی و روحی خواهد بود. گاهی کودک از کتاب و مجلات و نمایشنامه های تلویزیون و فیلم چنین استنباط می کند که مسائل جنسی یک نوع بازی

و تفریح است بطوریکه بدون ترس از گناه، یا بارداری و بیماری می‌توان به محض احساس چنان تحریکاتی عمل آمیزش را انجام داد. مثلاً "رمان یافیلیم بخصوص توجه کمتری به اصول احساساتی جهت روابطی لدت بخش و مداوم قائل است. در عوض، قهرمانان مرد یازن داستان که از لحاظ جسمی و اندام مورد توجه یکدیگر قرار گرفته‌اند بلافاصله به این نتیجه میرسند که عاشق یکدیگرند و اقدام به نزدیکی می‌نمایند. انتقاد بر این موضوع که مسائل جنسی منحصرأ" به تمایلات جسمانی بستگی دارد بصورت حقایقی از زندگی در کتاب‌ها و راهنما های ادواج به خورد جوان‌ها و نوجوان‌ها داده شده است. در نتیجه تاکید زیاد از حد بر روی اندام برخی از جوانان حساس که بلافاصله نمی‌توانند در مقابل تحریک جسمی عکس‌العمل نشان دهند تا اینکه روحانیز تحریک شده باشند در مورد مسائل جنسی مضطرب شده و فکر می‌کنند که در این مورد طبیعی نیستند ولی در واقع توجه آنها به تحریک روحی چیز خوبی است زیرا به آنان کمک می‌کند که رابطه‌ای دائمی و صحیح برقرار کنند.

در دوران بلوغ، دختران و پسران معمولاً "عمیقاً" در معرض آمیزش قبل از ازدواج هستند. همیشه به دختران گفته‌اند که اگر قبل از ازدواج آبستن شوند تمام مدت عمر مطرود اجتماع خواهند بود. آمیزش در مغز آنها گاهی مترادف

با ترس‌های مختلفی خواهد بود. ترس از بارداری قبل از موقع، علنی شدن برخی امور که منجر به شرمساری می‌گردد، کناره‌گیری بخاطر اینکه دوستان و همسایه‌ها متوجه نشوند، تسلیم نوزاد به پرورشگاه‌ها، داغ ننگ بر چهره داشتن و غیره. پسر نیز می‌تواند رابطه جنسی را عملی بسیار زشت بداند. همیشه فکر می‌کند که در نتیجه رابطه نامشروع مبتلا به سفلیس خواهد شد، شاید رابطه جنسی در نظر او رهائی از هیجانات درونی باشد، با این حال عمل را اصولاً "کثیف" می‌داند. شاید فکر کند تعهدی ندارد که به زنش لذت به بخشد. حتی اگر زن چنین امیالی از خود نشان دهد در نظر او غیر طبیعی و دور از اخلاق بنظر می‌آید.

بطوریکه از مطالعه اجمالی فوق بر می‌آید بسیاری از برداشتهای اولیه شما در مورد روابط جنسی از دوران طفولیت و نوجوانی در این جهت بوده است که در سال‌های بعد و در ازدواج آمیزش جنسی را تقبیح نمایید. بهر حال، رهائی از چنین اندیشه‌هایی آسان نیست. حتی اگر ازدواج ثابت کند که آنچه در گذشته تصور می‌رفته است غلط بوده با اینحال آن اندیشه همچنان در اعماق فکر باقی خواهد ماند. شخصی که قبل از ازدواج از جنس مخالف دور بوده فرصت زیادی لازم دارد تا تبدیل به یکی از طرفین گرم و دوست داشتنی برقرار کننده روابط جنسی گردد. این مدت ماه‌ها و سالها به طول

می‌انجامد و بعضی نیز هیچگاه تغییر پذیر نخواهند بود .
افرادى که قابل تغییر نباشند زندگى جنسى آنها ناکام باقى
خواهد ماند .

البته انتظار نمى‌رود که این تغییرات یک شبه انجام
گیرند . یک عمر فرصت دارید تا خود را با حقیقت خواسته‌هاى
شريك خود مطابقت دهید . نکته قابل توجه این است که از
لحاظ روانى آمادگى هرگونه تصمیم ضرورى را داشته باشید
به این معنا که تا این لحظه تعلیمات و راهنمائى‌هاى را که
دیده‌اید غالباً " بخاطر آن بوده است که شما را از دخالت به
امور جنسى به دور نگاه دارد — و اینکه بعد از ازدواج لازمست
حقیقت آزادى روابط جنسى را بطور کامل قبول نمائید .

برخی تصور می‌کنند که طرفدار چنین عقیده‌هاى هستند
لیکن در واقع فقط طرفدار این عقیده هستند که زن و شوهر
حق دارند باهم نزدیکی نمایند . عده زیادى را مى‌شناسم
که خود را آدم‌هاى روشن‌فکرى میدانند . با این حال در روشنائى
روز یا وقتى چراغ‌ها روشن باشد از عمل آمیزش لذت نمى‌—
برند . فکر مى‌کنند آمیزش در حال برهنگى کامل صحیح نبوده
و در این وضع احساس لذت آمیخته به آرامش نمى‌کنند و چه
در اتاق خواب و چه در خارج میل ندارند راجع به آن صحبت
کنند . شوهرانى که خود را فارغ از احساسات منفى میدانند
با این وجود اغلب اگر زن آنها در عمل آمیزش پیشقدم شود

و یا رغبت بیش از حد به این کار داشته باشد ناراحت می-شوند . چنین احساساتی رفتار ضمیر ناخودآگاه را در مورد ناپاک دانستن عمل آمیزش آشکار ساخته و نشان می‌دهد که عوامل جاویدان این طرز فکر هنوز به چشم می‌خورد .

تاثیر تجربیات قبل از ازدواج

معمولا " صحیح نیست تصور کنیم که زن و مرد قبل از ازدواج در مورد امور جنسی آنقدر تجربه داشته باشند که دیگر چیزی بر آنها پوشیده نمانده باشد . در حقیقت بسیاری از طرز رفتارها که ناشی از این تجربیات هستند پس از ازدواج باید تعبیر حاصل کنند .

مرد جوانی که تماس‌های فراوانی با فواحش و زنان داشته که خود را در اختیار او می‌گذاشتند تصور می‌کرد که هر زنی باید بلافاصله تحریک شود . بسیاری از فواحش تظاهر به تحریک نموده و غالبا " عاری از احساسات واقعی آمیزش تظاهر به لذت بردن می‌کنند . و چنین عکس‌العملی این فکر را در آن جوان بوجود می‌آورد که نیاز به این عمل صرفا " بر آوردن امیال اوسب بدون آنکه صحبتی از احساسات به میان بیاید . مردی که دختران زیادی خود را با کمال میل در اختیار او گذاشته بودند فکر می‌کرد که این حق اوسب که هر وقت اراده کرد بتواند با هر زنی یا هر دختری برسد کی نماید . مرد جوانی

که از بی عفت کردن دختران لذت می برد روابط جنسی را نوعی بازی تلقی می نمود بطوری که اغوا نمودن جنس مونث و نزدیکی با آنها را موفقیت بزرگی برای مرد می دانست . مردانی که چنین رفتاری داشته باشند احساس میکنند که تعهدی دارند به زنانشان لذت نبخشند .

بهمین ترتیب ، تجربیات قبل از ازدواج یک زن ، رفتار او را با شوهرش تحت الشعاع قرار میدهد .

پرونده دختری را بیاد دارم که با مردانی ثروتمند و مسن وعده ملاقات می گذاشت . این مردان به امید نزدیکی با او برایش هدیه های فراوان می خریدند و در کاباره ها و رستورانهای گرانقیمت از او پذیرائی میکردند . گرچه دخترک مراقب بود که زیاد به او نزدیک نشوند با اینحال کم کم به این فکر افتاد که هم خوابگی با او ارزش پولی فراوان دارد . پس از ازدواج فقط موقعی اجازه نزدیکی به شوهرش می داد که با او " خوب بود " و هروقت کاری از شوهر سر میزد که مورد تایید او نبود و یا اگر چیزی از شوهر میخواست و او خواستش را برآورده نمی کرد وی را از این حق مسلم محروم میکرد .

رابطه جنسی قبل از ازدواج زن و مردی که بعدها با هم ازدواج میکنند نیز روابط آینده آنها را تحت الشعاع قرار می دهد و روش های مربوط به آن زمان بخصوص ثابت و پابرجا میگردند .

از آنجا که اغلب زنان و مردان روشن فکر از روابط آمیزش قبل از ازدواج خود احساس گناه می‌کنند بعید به نظر می‌آید که احساسات جنسی خود را آزادانه و صریح بیان کنند در نتیجه زمینه عدم تماس فراهم می‌گردد .



تمایل جنسی در مرد و زن

اکنون باید سخنی چند درباره سلسله اعمالی که بمنظور نزدیک ساختن این دو نوع تخمه و تولید مثل انجام میگیرد بگوئیم نکته‌ایکه بعنوان مقدمه این اعمال باید تحت مطالعه واقع شود تمایل جنسی است که مرد و زن را بانجام عمل تحریک مینماید و اگر این حس در حالت رکود بماند اعمال جنسی و ایجاد نسل صورت پذیر نخواهد بود .

تمایل جنسی در کلیه موجودات زنده روی زمین وجود دارد . در جنس ماده حیوانات که معمولاً " از نر دوری می‌جوید این میل در نوبتهای معین دست میدهد و در آن موقع ماده بر خلاف عادت بخودی خود نزدیک نر میآید و یالاقل تقاضای او را رد نمیکند . در جنس نر فعالیت غریزه جنسی موقع معینی ندارد و همه وقت ممکن است این هوس بروز نماید لکن معمولاً " بونی که از جنس ماده در دوره غلیان

تمایلات جنسی متصاعد میشود موجب تحریک گشته و در آن موقع او را بیشتر بمجامعت ترغیب مینماید .

در انسان نیز مواقع فعالیت و آمادگی غریزه جنسی متفاوت است . معمولاً " زنها چند روز قبل از قاعدگی و چند روز بعد از آن بعمل جنسی راغب و مشتاق میشوند ولی در مرد غریزه جنسی غیر منظم بوده و بطور ناگهانی تحریک میشوند ولی در مرد غریزه جنسی غیر منظم بوده و بطور ناگهانی تحریک میگردد و در این تحریک غالباً " عوامل خارجی از قبیل دیدن زن و مخصوصاً " بعضی از قسمتهای بدن مانند سینه و پستان و ران و ساق و چشم و مو، مشاهده تابلوها و عکسهای شهوت انگیز، شنیدن صدا، بوس و کنار و نوازش، خواندن مطالب مربوط بامور شهوانی، مالش و دستکاری قضیب و گاهی هم عوامل درونی از قبیل خاطره های خوش و تصور بعضی مناظر مدخلیت دارد .

مجامعت

مجامعت عبارت از عملی است که بوسیله آن تخمه مرد بتخمه زن جمع میشود و آن دارای چهار مرحله است :

اول - نعوظ

دوم - دخول

سوم - انزال

چهارم - رفع نعوظ

نعوظ

نعوظ در مرد عبارت از این است که قضیب از حالت نرمی و پژمردگی خارج و بتدریج متورم و سخت میشود و حین افزایش حجم وضع آن نیز تغییر پیدا کرده ابتدا افقی و بعد بطرف بالا متمایل میگردد و شکل آن کمی انحناء پیدا میکند در این حالت طول آن به ۱۴ الی ۱۶ سانتیمتر و محیط آن به ۱۰ الی ۱۲ سانتیمتر میرسد و در اثر خونی که در آن جمع میشود سر آن بزرگ و قرمز رنگ و ورگهای بدنه آن متورم میگردد و ضربان قلب بصورت تکانهای خفیفی در آن احساس میشود عوامل نعوظ متعدد است و تقریبا " همان است که در مورد تحریک غریزه جنسی ذکر نمودیم لکن گاهی نیز بدون آنکه تمایلات جنسی تحریک گردد نعوظ واقع میشود چنانکه غالبا " در اثر زیاد خوابیدن و پر شدن مثانه از بول هنگام صبح با اطفال و مردها دست میدهد .

امکان نعوظ بسته بقدرت و فعالیت دستگاه تناسلی است و بر حسب اختلاف سن و وضع مزاجی تفاوت میکند در اشخاص بالغ و سالم نعوظ زیاد اتفاق میافتند در صورتیکه در دوره کهولت که قوای انسانی رو بتحلیل میرود امکان نعوظ کمتر است تا اینکه در پیری گاهی بکلی این کیفیت زائل میشود . از این گذشته بعد از ارضاء تمایلات جنسی نیز غالبا " حصول

نعوظ تا مدتی کم یا زیاد موقوف میگردد . خستگی و فرسودگی قوای بدنی نیز در امکان نعوظ تاثیر داشته و آنرا تخفیف میدهد . بعضی بیماریها مانند مرض قند و ورم مزمن کلیه و اختلال عمل غدد خایه نعوظ را غیر ممکن میسازد بالعکس بعضی عوارض دیگر از قبیل امراض دماغی آنرا تشدید می نمایند . مشروبات الکلی و تریاک و مورفین با آنکه در آغاز کار موجب تحریک میشوند لکن بالاخره منجر بضعف دستگاه تناسلی میگرددند ، علاوه بر اینها چون حصول نعوظ مربوط بعمل اعصاب است غالبا " بعضی حالات روحی مانند ترسو سرزنش وجدان در مقاربت غیر مشروع و علم بگناه نیز مانع آن میشوند .

در زن نیز نعوظ وجود دارد و عضو آن چوچوله و پیاز های مهبل است هنگام نعوظ در زن غدد فرج و مهبل مایع لزجی را ترشح میکنند که جدار مهبل و مدخل فرج را لیز کرده حرکت قضیب را آسان میسازد .

دخول

در نخستین ارتباط جنسی وجود پرده بکارت در دهانه مهبل مانع دخول قضیب است و باید این پرده پاره شود تا عمل مجامعت امکان پذیر گردد .

لزوم پاره شدن پرده بکارت وهمچنین تنگی مجرای

مهبل کار مجامعت را در وحله اول برای زن کم و بیش دشوار مینماید لکن در صورتی که مرد این کار را با ملایمت و مهارت انجام دهد اگر لذتی برای زن دست ندهد لااقل صدمه‌های هم باو وارد نخواهد آورد. ولی متاسفانه اغلب اتفاق میافتد که مرد ناشیانه و با خشونت و حرص و ولع پرده بکارت را پاره کرده و زفاف را که باید امر دلیپذیر و لذت بخش باشد بصورت جبر و عنف در می‌آورد و برای مدتی طولانی اثراتی نامطلوب در ذهن همسر خویش باقی میگذارد. بنابراین اگر دیده میشود بسیاری از زنان در تمام مدت عمر از جنبه‌های شیرین و ظایف زناشوئی غافلند علت همانا داشتن شوهرهای خود پرستی است که همسر خود را فقط وسیله اطفاء شهوت پنداشته و نمیدانند که زن هم مانند مرد دارای احساسات و عواطف جنسی است. و باید کامروائی او را هم فراهم آورد. البته دختران جوان که تازه قدم به زندگی زناشوئی میگذارند در کار مجامعت بی تجربه‌اند و در نتیجه کوچکترین اشتباهی از طرف مرد نه تنها از تمتع محروم میشوند بلکه ممکن است رمیده و هراسناک شده و حتی دستخوش بعضی اختلالهای عصبی مانند سرد مزاجی گردند. از اینرو بر شوهر است که قبل از نزدیکی احساسات شهوانی زن را بوسیله بوس و کنار و نوازش و ملامسه برانگیخته او را مهیای عمل نماید. بعضی قسمتهای بدن مواضع حساسی هستند که نوازش آنها موجب

تحریک می‌گردد و آنها عبارتند از کشاله ران و کمر و تیره پشت و ناف و لبها و زیر بغل و پشت گردن و لاله گوش ولی حساس ترین نقاط زن چوچوله و دهانه مهبل است که غالباً " در اثر دستکاری یا مالش قضیب بآنها زن بی اختیار میشود . البته درجه حساسیت هر کدام از این مواضع هم در هر زنی فرق میکند و چون هر فردی دارای مناطق حساس معین است وظیفه شوهر یافتن این نقاط و نوازش آنها میباشد .

بعد از آنکه مرد بنحو شایسته‌ای مواضع حساس را تحریک کرد زن عنان اختیار از دست داده مشتاق عمل می‌گردد و در این موقع است که باید بدخول مبادرت نمود . برای این کار باید زن وضع عادی و راحتی بخود بگیرد و بهترین حالات عبارت از این است که روی پشت بخوابد بطوریکه صورتش بطرف سقف باشد و پاها را از هم باز و زانوها را کمی خم کند و مرد هم در میان پاهای او قرار گرفته قضیب را طوری از کنار دهنه مهبل داخل کند که پرده بکارت را بکنار بزند نه آنکه آنرا از وسط پاره کند . باین ترتیب دخول آسان گشته و پرده از پهلو دریده میشود و زیاد هم درد نمیگیرد .

وقتیکه دخول صورت گرفت مرد با یک سلسله حرکات موزون خود را بجلو و عقب برد قضیب را بجدار مهبل میمالد و در این موقع زن یا آرام و بی حرکت مانده و یا با حرکاتی شبیه مرد و انقباض عضله‌های دهانه مهبل بکار مجامعت کمک

مینماید . این عمل تا مدتی که طول آن در اشخاص متفاوت است ادامه یافته سپس شدت هیجان بمنتهای درجه میرسد و یکنوع رعشه شهوانی بطرف دست میدهد و مرد احساس میکند که انزال نزدیک است و حرکات را سریعتر میکند وزن هم مایل بدخول کامل میگردد و در همین موقع انزال صورت میگیرد . بعضی از اشخاص برای جلوگیری از آبستنی قضیب را پیش از لحظه انزال بیرون میکشند و این عمل که جماع گسیخته نامیده میشود گذشته از آنکه طریقه اطمینان بخشی برای جلو گیری از آبستنی نیست از نظر روحی نیز تاثیرات نامطلوبی دارد .

غیر از طریقی که برای دخول ذکر شد و مناسب با اولین وهله نزدیکی است طرق دیگری هم در مجامعت بکار میرود از اینقرار :

(۱) زن کنار تختخواب می نشیند بطوریکه قسمتی از لگن خاصره اش خارج از لبه تختخواب باشد و مرد میان پاهای او می ایستد .

(۲) مرد روی صندلی نشسته زن روی رانهای او جای میگیرد بطوریکه روبروی او باشد یا باو پشت کند .

(۳) مرد ایستاده زن دستهای خود را بگردن و پاهایش را بکمر او انداخته خود را باو میاویزد .

(۴) مرد روی پشت خوابیده زن روی او بطوری می —

نشیند که پشت یا رویش بطرف او باشد یا روی او خم شده بدستهای خود تکیه میکند .

(۵) زن بیپهلوی میخوابد و روبروی مرد قرار میگیرد یا باو پشت میکند .

(۶) زن ایستاده بجلوخم میشود یا نشسته زانو میزند و دخول به فرج از پشت صورت میگیرد .

انزال

انزال عبارت از خارج شدن منی است از مجرای بول و این امر بصورت یک جریان متصل صورت نگرفته بلکه بصورت چند جهش منقطع و متوالی وقوع مییابد . هنگام وقوع انزال چنانکه گفته شد وقتی است که در اثر حرکات قضیب در مهبل لذت بمرحله بحرانی رسیده و رعشه شهوانی دست دهد .

کیفیت امر انزال تاکنون چنانکه باید روشن نشده و تصور میروود در آغاز عمل مجامعت منی در مخازن مخصوص پشت مجازی انزال جمع شده و هنگامی که شهوت بحد اعلای خود میرسد بوسیله بازو بسته شدن سوراخهای انزال از مجرای بول ، بخارج جستن میکند . منی وقتیکه از قضیب خارج شد در انتهای مهبل و دهانه رحم میریزد و رحم نیز با انقباض و انبساط عضلات خود آنرا میمکد .

در همین حال که مرد در اوج لذت و تمتع است معمولا "

احساس مشابهی نیز بزن دست میدهد و غده‌های فرج و مهبل که در تمام مدت آمد و رفت قضیب در مهبل ترشح می‌کرده‌اند مقدار بیشتری مایع لزج از خود بیرون میریزند. البته جریان این مایع را مرد احساس نمی‌کند زیرا قبل از ترشح آن نیز فرج و مهبل آغشته بمایعات است فقط چیزی که علامت این ترشح مخصوص میباشد وضع ظاهری زن است چه در آن موقع ضربان قلب و تنفس او شدت یافته حرارت بدن بالا می‌رود و رگها متورم شده و رعشه‌ای شهوت انگیز بر اندامش می‌افتد و گاهی هم ناله‌های خفیفی سر میدهد. این کیفیت نشانه مسلم انزال است و غالباً "بمرد نیز همین حالات دست می‌دهد. اغلب اتفاق می‌افتد که مرد و زن در یک لحظه بمرحله بحرانی نمیرسند و در احساس لذت سهیم و هم‌آهنگ نیستند در این صورت اگر مرد بمجر انزال و کامروائی خود بکار مجامعت خاتمه دهد مرتکب خطای بزرگی شده است چه سخت ترین موقع برای زن وقتی است که باوج لذت و تاثر رسیده و انزالش نزدیک باشد و مرد بدون توجه بکیفیت روحی او خود را عقب کشیده ویرا تشنه و ناراضی رها کند. این حرکت که مردها اغلب بطور طبیعی مینمایند از طرف زن نشانه خود خواهی مرد تلقی شده و تولید رنجش و بدبینی در او میکند و موجب نقض عیش و کامرانی زندگی زناشوئی میگردد.

عدم جنسی ممکن است علل مختلفی داشته باشد. یکی

از این علل آنست که در آغاز مقاربت زن هنوز آماده و مهیا نشده و مرد بی محابا اقدام بدخول میکند و در نتیجه قبل از زن بمرحله انزال میرسد برای رفع این نقیصه مرد باید چنانکه گفته شد زن را با تمهید و نوازش نقاط حساس مستعد نماید. اگر بعد از این مقدمات هم احیانا " انزال در مرد زودتر واقع شد باید از خروج قضیب خودداری نموده آنقدر مواضع حساس و مخصوصا " چوچوله را نوازش دهد تا زن هم بغایت تمتع و لذت انزال نائل گردد.

باید دانست که اصولا " در بعضی اوقات غریزه جنسی زن در حال رکود است و در آن موقع کمتر حاضر بقبول تقاضای مرد میباشد، در این مواقع مرد نباید تقاضای یک فداکاری دشوار از همسر خود بنماید چه در صورت اصرار و مبادرت بعمل لذتی بزن دست نمیدهد و در حقیقت مرد هم اقدام بیک عمل حیوانی و وحشیانه کرده است.

اوقاتی که غریزه جنسی زن در حال غلیان است چنان که گفته شد چند روز قبل از قاعدگی و چند روز بعد از آن است و در این مواقع زن مستعد نزدیکی بوده و شوهر میتواند لذت و نشاط متقابل را که پایه و اساس سعادت زندگی زناشویی است بسهولت فراهم آورد.

رفع نعوظ

بعد از انزال التهابی که بمرد وزن دست داده بود کم کم فرو می‌نشیند ضربان قلب ملایم میشود، نفس منظم میگردد و یکنوع سستی و آرامش دلپذیری دو همسر را فرا میگیرد. در این موقع آلات تناسلی نیز بحالت عادی بر می‌گردند و خونی که وارد قضیب شده از مجرای وریدها بداخل بدن جریان یافته آلت حجم معمولی را بخود میگیرد و در زن نیز چوچوله نرم میشود.

اغلب اشخاص پس از انزال از هر نوع تماس و ملامسه آلت خود مشمئز میشوند و این حرکت در مرد تولید نوعی خارش و گزگز نامطلوب نموده و در زن موجب تالم میگردد.

لقاح، آبستنی، زایمان

پس از آنکه انزال وقوع یافت تخمه‌های مرد که درمنی شناورند عده آنها چندین میلیون میرسد در اثر خاصیت خود و همچنین وجود یک قوه جاذبه مرموز از دهانه زهدان گذشتد وارد حفره آن میشوند و حتی بشیپورها راه بافته و ممکن است تا تخمدان پیش بروند. در یکی از نقاط این خط سیر یک یا چند تخمه مرد بتخم زن که از تخمدان رها شده بر خورد نموده سرشان بغطاء خارجی آن تماس مینماید و یکی از آنها

از غشاء مزبور عبور کرده وارد تخم زن میشود. در این هنگام کیفیت عجیبی که در حقیقت از شکفتنیهای آفرینش است روی میدهد باین معنی که بلافاصله پس از دخول تخمه مرد غشاء تخم دلمه زن شد، بصورت عیر قابل نفوذی در میآید و مانع دخول سایر تخمدانهای مرد میگردد و باین ترتیب از تمام تخمههایی که بطرف تخم زن یورش میآورند فقط یکی بدرون این خانه را یافته و بقیه در پس دیوار میمانند. تخمهای که وارد شده ابتدا دمش میافتد سپس سرش که باقی میماند تا مرکز تخم زن پیش میرود و در آنجا بهسته چسبیده تشکیل نطفه میدهد و این کیفیت را لقاح گویند.

تخم زن که باین ترتیب بارگرفت بجدار زهدان آویزان شده شروع برشد مینماید. گاهی نیز این تخم در شیپورها یا روی تخمدان واقع میشود که در آن صورت آبستنی غیر طبیعی است و ممکن است برای مادر و بچه خطر داشته باشد و باید بعمل جراحی متوسل گردید.

در آبستنی عادی قسمتی از غشاء مخاطی جدار رحم اطراف تخم بارور شده را احاطه نموده و محفوظی پیدا کرده در اثر افزایش سلولهای خود بتدریج بزرگ میشود و تشکیل جنین میدهد در این موقع غشاهای مختلفی نیز آنرا احاطه میکنند و ضمناً "در قسمت شکم آن یک نوع برآمدگی پدید میآید که کم کم بصورت کیسههای درآمده بجدار زهدان متصل

میشود . این کیسه که جفت نام دارد واسطه بین جنین و بدن مادر است و قسمتی از آن که مربوط بشکم جنین است بتدریج باریک شده بشکل لوله‌ای در می‌آید که همان بند ناف باشد . این بند ناف از رگهای وریدی ساخته شده و دستگاه گردش خون مادر را بجنین مرتبط می‌سازد .

جنین باین ترتیب با گرفتن مواد غذایی از بدن مادر در محفظه خود رشد مینماید و این سیر تکاملی بسیار سریع است چه در ظرف نه ماه از نطفه‌ای که اندازه دانه خشخاش بوده بکودکی که طول بدنش بین ۴۲ و ۶۰ سانتی متر است مبدل میگردد . جنس جنین در بین ماه سوم و چهارم معلوم میشود بطوریکه از تجزیه خون مادر میتوان آنرا تشخیص داد . درباره کیفیت تعیین جنس در جنین عقاید مختلفی وجود دارد که اغلب با اوهام و خرافات توأم است لکن عقیده دانشمندان بر آن است که جنس جنین هنگام ورود تخمه مرد بتخم زن تعیین میگردد یا این معنی که چون تخمه‌های مرد بعضی نر و برخی ماده اند آن نوع تخمه‌ای که بحسب اتفاق زودتر بتخم زن راه مییابد در تعیین جنس نطفه مدخلیت دارد .

در دوره رشد جنین تغییرات جسمی و روحی زیادی در مادر پدید می‌آید . رحم بهمان نسبت که جنین بزرگ میشود اتساع یافته و حجم آن که در ابتدا باندازه یک گلابی است بحدی میرسد که میتواند بچهنه ماهه و جفت ومایعاتی را که

جنین در آن شناور است در خود جای دهد و در نتیجه اتساع رحم اعضاء داخلی شکم فشرده شده اختلالهایی در جهاز هاضمه روی میدهد که نشانه آن یبوست و کم اشتهاست و ضمناً " در اثر همین اتساع شیارهایی در پوست شکم ظاهر می شود که پس از وضع حمل آثار آن باقی میماند. تهوع و استفراغ هم از عوارض این دوره است که بیشتر در ماههای اول بخصوص شکم اول دست میدهد. در بعضی زنان باردار کار کلیهها نیز مختل شده و آلبومین بول زیاد میگردد و در اثر ترشحاتی که بخون میریزد دست و پا و صورت باد میآورد در اینگونه موارد باید بلافاصله پزشک متخصص مراجعه نمود.

از جمله عوارض روحی زنان باردار و باراست و آن عبارت از میل و رغبت شدیدی است که زن ببعضی خوراکیها و چیزهای دیگر پیدا میکند. زنان آبستن گاهی ویارهای عجیب و غریب دارند و ممکن است هوس خوردن چیزهایی کنند که برای اشخاص دیگر نامطبوع و انزجار آور باشد. گاهی نیز ویار بصورت تنفر از بعضی غذاها ظاهر میشود بطوریکه مشاهده یا شنیدن بوی آنها موجب تهوع و استفراغ میگردد بطور کلی این انقلا بهها بیشتر مخصوص ماههای اول است و چندان دوامی ندارد چنانکه در نیمه دوم دوره آبستنی زن حالت آرامشی بخود میگیرد و جنین بنظر میرسد که هر قدر وضع حمل نزدیک تر شود آبستنی بیشتر تحمل پذیر میگردد.

پس از آنکه جنین دوره رشد خود را در رحم تمام کرد هنگام زایمان میرسد و معمولاً "میتوان این موقع را تعیین نمود چه وضع حمل نه ماه و هفت روز بعد از آخرین قاعدگی زن صورت بگیرد. هنگام زایمان ابتدا عضلات رحم باز و بسته شده تولید درد مینمایند این درد که در آغاز کار چندان شدید نیست و با فواصل طولانی احساس میشود بتدریج شدت یافته و فواصل آرامش کوتاهتر میگردد، بالاخره پس از چند ساعت یا یک شبانه روز کیسه جنین پاره شده سر بچه بطرف دهانه رحم میگردد و بتدریج پس از یک سلسله فشارهای شدید کودک از مجرای مهمل خارج میشود، در این موقع جفت هنوز متصل بجدار رحم است و بعد از نیم ساعت در اثر حرکات رحم جدا شده بیرون میآید.

کودک نوزاد بمجرد خروج از شکم مادر محتاج تنفس است و چون حفره‌های ریه او بهم چسبیده فریادی میکشد که در نتیجه آن ریه‌ها اتساع پیدا کرده و اکسیژن وارد خون او میشود کمی بعد احساس گرسنگی میکند و حرکات لبها برای مکیدن شیر نشان میدهد که غریزه خوردن در او بکار افتاده است.

انحرافات جنسی

سادیزم

سادیزم متعلق به "مظالم عشق" است یعنی اشتراک شهوت با عشق به ظلم و آزار شدید سادیزم نامیده میشود. سادیزم بعبارت دیگر عبارت از "اضطرار تناسلی" میباشد و پیروان این مسائل و عقیده برای فرو نشانیدن آمال شهوانی با اعمال شدت و غضب تشبیث میجویند.

تاریخ با نشان میدهد عده کثیری از افراد معروض این حالت روحی و این عادت مضموم و وحشیانه واقع شده و بطوری در تحت تاثیر آن قرار گرفته اند که احساسات شهوانی آنها از ظلم و اعتساف سیراب شده و بالاخره منتج بجنحه و منتهی بجنایات غدارانه گردیده و بالاخره بکلی تغییر ماهیت داده و از شکل و روی بشری بری گردیده اند.

تفسیر و اصطلاح سادیزم کنایه از مولف شهیر "مادگی ساد" فرانسوی است که رومانیهای وی پراز صحنه های خونین میباشد و پهلوانان این رومانها غالباً اشخاصی هستند که مبتلا بیک حالت روحی و خیمند که آنها را "اضطرار تناسلی"

نامیدیم .

مراتب و درجات سادیزم در بعضی زنان و مردان در حال طبیعی مشهود میگردد ، در مواقع مجامعت آنی و دقیقه که هیجان و شهوت به شدیدترین میزان خود میرسد مردی ازنی که مبتلا باین حالت است از معاشقات عاشقانه شدید از قبیل گاز گرفتن و امثال آن لذتی وافر برده و اینحالت در مبتلایان مزبور حتمی الوقوع است .

"لومبروزر" میگوید اغلب سربازان که هم خشن و پوست کلفت و هم به اشد شهوت جماع می نمایند معروض این حالت میشوند ، هُهمه اینحالت ناشی از اعتیاد بخونریزی و تهییجات جنگ می باشد . همانطور که عادت بمحاربه و جنگ جوئی دل اشخاص جنگی را سخت میکند و طبایع آنها را خونخوار می نماید شهوت نیز اشتهای شدید آنها را تحریک می سازد .

"فون کرافت ئه بینگ" گوید : اصل و اساس حالات موثره که موجب "تخلیه حرکیه" می گردد عشق و علاقه شدید است ازینجاست که عشق باعث ظهور دسته هذیانات بی ربط می شود و علاوه براین ، در نتیجه تاثیرات تورات غالب مردم طالبند که بزندهای خودشان قهر و غلبه کنند .

در قلمرو مسلک سادیزم حقیقی وجود دو حال ناگزیر است ۱- سوق طبیعی وحشیانه با اشتداد شهوت تناسلی ، ۲- سوء رفتار بطرف که با شخص سادیست سروکار دارد و

مناسبات تناسیله شدید و خود پرستانه و عدم حسیات اخلاقی و نبودن هیچگونه آثار رحمت و شفقت . کسانی که پس از ارتکاب شدت و اجبار در شهوات آمیخته با قساوت معروض حالت گردد . این مرحله اول سادیزم است .

سادیزم در مرحله دوم شدیدتر شده و شخص مبتلا برای اطفاء احساسات شهوانی میل مفرطی بقتل نفس پیدا میکند . کسانی که صورتاً " انسان و سیرتاً " با حیوان درنده فرقی ندارند خیلی دیده شده دختران نوجوان را گرفته پس از پاره پاره کردن بدن آنها گوشت های آن نورسیدگان بی گناه را مثل قصابان آویزان کرده اند . و از برخی مشاهده شده که جبراً " طرف را وادار بجماع کرده و قبل از حصول فراغت طرف را خفه نموده اند . گاهی نیز از بعضی ها دیده اند که روده های قربانی هوا و هوس خود را بیرون آورده برای استمناء آلت خود را داخل شکم طرف مظلومه نموده اند .

برخی از گرفتاران سادیزم بیچارگانی را که بدامشان افتاده اند با طرز فجیعی تهدید و آزار کرده و از تماشای هول وهراس و دست و پاچگی و اضطراب آن مظلومین محفوظ و سپس بدیدن جریان خونشان لذت میبرند .

"ژان وبر" نام زنی است که بچه های معصومی را دست گیر میکرد و لب های آنها را گاز گرفته و خونشان را می مکید و وبعد آنها را بقتل میرسانید .

عده‌ای از این مبتلایان با اندازه‌ای در تحت تاثیر هیجان و حرص و حدت شهوت واقع شده‌اند که مثل سگ حار می‌خواهند بدن قربانی شهوات خود را تکه تکه نمایند و گاهی بعضیها گوشت قربانیان خود را خورده و خونشان را آشامیده‌اند .

سادیست‌ها مرتکب جنایات بسیار میشوند هرگاه هنگام ارتکاب کاملاً " در حالات روحی آنها تحقیقات بعمل آید . مشاهده میشود که احساسات شهوانی آنها صحنه‌های فجیع و مدهش تشکیل داده و خود آنها این فجایع را با کمال خونسردی و لاقیدی استقبال نموده و با یک حالت عادی حیرت انگیزی اجرا مینمایند .

در میان پیروان سادیزم فرقه نیز هست که علاوه بر آنکه بچه‌ها را میکشند در تحت تاثیر ضلالت تناسلیه با صیدهای قساوت خود مرتکب لواط میگردند مبتلایان این نوع سادیزم غالباً " نمیتوانند تسلط و نفوذی با شخص زنده پیدا نمایند . این است که بمرده‌ها هجوم آورده باهتک عرض و ناموس مباشر عمل قبیح میشوند و حتی مثل گفتار که خوی مرده خوری دارد اجساد مرده را قطعه قطعه می‌کنند . بارها دیده شده که سادیستها حیوانات را نیز کشته و از ناله و دست و پا زدن و غلطیدن آنها در خون خود لذت میبرند .

فرقه‌از سادیستها بوسیله کتک زدن بفاحشه‌ها و یکی هم نیشگون گردن و یا سوزن زدن به تنشان و گروهی نیز با اذیت

رساندن بآنها مقصود خود را اجرا میکنند . جمعی از سادیست ها از التماس و التجاء زنان و مشاهده حالت استرحام آنها نشئه و ذوق میبرند و بعضی هابه بریدن و کشیدن زلف زنها و یا بمالیدن دست و پا بخراشیدن اعضایشان متلذذ می گردند و برخی بنعوظو شاشیدن بصورت معشوقه خود مسرور و محفوظ میشوند .

گاهی تخیلات ستمکارانه زمره از سادیست ها برای تسکین حرص آنها کافی میباشد و در اثنای این خیالات ممکن است بطریق استمناء و یا با جماع معمولی حرص خود را فرو نشانند . عمل سادیزم در طبقات مختلفه مردم دیده و شنیده می شود تاریخ بمانشان میدهد که اینحال از بعضی از بزرگان عالم و حتی مردان تاریخ نیز مشاهده شده ضحاک که در اساطیر مملکت ما نام او با وحشت برده میشود و عشق او به بچه کشی مسطور است مبتلاء بسادیزم بوده و حجاج بن یوسف نیز همین حال را داشت و (نرون) امپراطوروم گذشته از سائر اخلاق فاسده گرفتار اینحالت ناپسندیده نیز بود .

چندین سال پیش (لاندرو) مشهور که در آلمان می— زیست همین کارر امیکرد و بسیاری از زنان و دخترانرا بعد از رسیدن بمقصود در بخاریها میسوازند و بالاخره سرشرا با گیوتین بریدند .

(علی اصغر) خونخوار معروف که بقول خودش ۳۳ نفر

را بعد از رسیدن بعمل قبیح خود بدارفانی رهسپار کرده از مبتلایان همین مرض است وبدون شبهه و تردید از منتسبین سادیست میباشد .

سادیزم غالباً " در مردها دیده میشود و در زنها نیز بکرات دیده شده ، مثل (مسالین) و (کاترین دمه دسیس) که یکی از زنه‌های تاریخی میباشد و (ژان وبر) هم مبتلا بهمین مرض بوده و اسم آنها در ردیف مبتلایان سادیزم برده می-شود .

زنهائیکه میزان سادیزم در آنها خیلی سبک است در موقع مقاربت حریف خود را گاز میگیرند و باندازه میمکنند تا خون جاری گردد .

سادیزم اکثر اوقات در نتیجه تاثیر وراثت کتولیه می-باشد یعنی آباء و اجداد چنین اشخاص معتاد بآلکول بوده‌اند و بالنتیجه اعیان آنها گرفتار این مرض میگردند .

گاهی پستی و رذالت طبع افراد نیز بخودی خود ممکن است منتهی باین مرض گردد در هر صورت اصول علم طب آلکیزم را یکی از عوامل مهم بسیاری از امراض روحیه تشخیص داده و ثابت نموده است که قسمت اعظم این امراض خطرناک نتیجه مستقیم ابتلاء خود شخص یا یکی از آباء او بآلکل بوده است و از اینرو گفتار سابق خود را تکرار کرده و می‌گوئیم اگر روزی درب میخانه‌ها بسته شود ۷۰ درصد کلیه امراض

دماغی و روحی خود بخود از بین می‌رود .

گذشته از اصول طب بعضی از ادیان که مقدم بر همه دین
مبین (اسلام) است الکل را نهی و از اعتیاد به آن بکلی
پیروان خود را منع نموده‌اند ،

سادیزم در مراحل بدوی و قبل از اینکه کاملاً " قوت
بگیرد بیشتر در ذهن و فکر افراد تمرکز یافته و از اینرو آنها
میل و اشتیاق شدیدی بخواندن حکایات شهوت انگیز بدیدن
عکسهای مهیج ، آتشی پیدا کرده و شعله آتش شهوات داده و
پیروی تمایلات نفسانی نمایند بر شدت مرض افزوده و رفته
رفته با کتک زدن و لگد کوبیدن و بالنتیجه ارتکاب به قتل
و جنایت متعدد میشوند .

بدیهی است که ارتکاب این رذایل گذشته از تاثیرات
وراثت در آثار الکلیزم میلول یک روح سفله و پست و یک رذالت
دون و فطری است یکدسته از این مبتلایان بدبخت میزان
سفالت را بجائی می‌برند که حتی با حیوانات نیز مرتکب اعمال
قبیحه شده و گاهی گربه‌های خانه خود را دچار شکنجه نموده
و رنجه می‌سازند .

در بعضی از سادیست‌ها اینحال بشکل دوستی نعش
(عشق بمردگان) دیده میشود . در سال ۱۸۹۴ (برتران)
چاوش چند مرتبه از دیوار قبرستان (مونت پاراناس) پائین
رفته و اجساد را از قبر بیرون آورده و عمل قبیح را صورت

داده و از طرف اداره پلیس پس از تحقیقات لازمه حبس و توقیف گردید .

درشگه‌چی نعش کش مریضخانه (روشه) بدون ملاحظه اینکه زنی در اثر چه مرض مرده است با نعش آن نزدیکی می نموده است .

مازوخیزم

مازوخیزم کیفیتی است که با ظلم در شهوت و شدت حرص توأم میباشد .

یکی از نویسندگان مجارستان که (ساخر مازوخ **Sacher** نام دارد در جزورومانهای خاداین قبیل وقایع را تصویر کرده و از اینرو از طرف (کرافت) معلم ، اسم مازوخیزم باین حالت داده شده است .

مازوخیزمبکلی مخالف ونقطه مقابلام سادیزم میباشد . مازوخیزم جز باظهارعجزوخواری و ذلت و افتادگی و التجاء و پناهندگی حتی کتک خوردن و صدمه بخود وارد آوردن متلذذ نمیی گردد . حسیات گرفتاران این مرض فقط بوسیله عجزولابه و زحمت دیدن اقناع می گردد .

ممکن است این نوع گمراهی و ضلالت نیز مانند سادیزم بدرجه اشد نرسد و شخص بمحض دیدن رفتار بد و شنیدن تغییرات تلخ و تند ، خوشحال شده و در آخر هم بدفق و

انزال تمایلات شهوانی خود را بر آورد .

مازوخیزم ارثی و مادرزادی است . هنوز بحد بلوغ نرسیده طالب استخدام زنی می‌گردد که سخت دل و ستمکار باشد و حظ نفس خود را بدیدن رفتار بد و کردارهای ناهنجار زن اقناع می‌نماید و خود را اسیر و دست گیر او ساخته و از این عبودیت و تذلیل متلذذ می‌گردد .

گوئی در جلوزن و معشوقه دست بسینه ایستادن تحکما ت او را متحمل شدن ، از او جفا و آزار دیدن و در زنجیر و بند او مقید شدن منتهای لذت و غایت آمال این افراد است و بقدری قلبا " و باطنا " خواستار تذلیل و اظهار عبودیت در مقابل معشوقه میباشند که از خدا می‌خواهند زن و محبوبه مردم حرفهای سخت و تلخ بآنها بزند ، آنها را تحقیر نماید و مورد تمسخر و استهزاء قرار دهد تا اینکه آنها بتوانند از ذلت و مسکنت حظ و لذتی ببرند .

" ژان ژاک روسو) در اعترافات خود این حس تذلیل را در کلیه عوارض شهوانیه تصویر کرده است و خوب نشان میدهد که برای یکنفر مازوخیست جماع معمولی فاقد لذت میباشد .

مازوخیست‌ها اغلب ممکن است مبالغ زیادی پول بزنان بد عمل داده و از آنها درخواست کنند که موقع نزدیکی تن و بدنشان را معروض مشیت ولگد و گاز قرار دهند .

بعضی از مازوخیست ها از ته دل طالبند که فواحش

بدن آنها را پارموزخمی کنند تا لذت ببرند. حتی خیال جراحی و خراش تن مایه حظ آنهاست و برخی هم مثل اینکه در صحنه تئاترها مشغول بازی هستند در برابر زن لخت و عور ایستاده مایل بشنیدن حرفهای تحکم آمیز و خوردن لطمات آنها بوده با نهایت ذلت و مسکنت حاضرند تن بکتک و آزار داده خود را محکوم بمرگ نمایند و باینگونه تخیلات متلذذ میشوند. کسانی که باینحالت هستند حظ و لذت آنها از کتک خوردن شروع شده و شهوتشان با استمناء یا جماع معمولی اقناع شده و خاتمه مییابد.

(بودلر) شاعر با همه استعداد صنعتی که داشت در موقع ساختن تصانیف خود در میدان خیال جولان نموده و خود را در جزیره آویزان شده می دید که نعش او را مرغان (آق بابا) خورده اند اینگونه اظهار احساسات باطنی از طرف یک شاعر دلیل بر آن است که در روح کیفیتی مرکب از مازو-خیزم و سادیزم موجودات بوده است و برای اقناع میل سوق طبیعی خود زمانی بدنبال معشوقه میرفت و او را در بین زنان زنگی سیاهی که بدنشان متعفن بود و چینی ها و زنهای کوتاه قد و بد ترکیب و زشت جستجو مینمود و چون بمقصد نائل می شد خط لذتش بمنتهای درجه میرسید.

در یکی از مشاهدات (کرافت ئه بینگ) این حکایت دیده شده. پدري دارای چند نفر اولاد بود و خود نیز مرد جدی

و دارای اخلاق فاضل و درمیان امثال و اقران خود نب بود ولی گاهگاهی به وی نود عارض میشد . آنوقت بخانه فاحشه آمده بایکی دونفر آنها داخل اطاقی گردیده و نصف علیای تن خود را لخت نموده و در روی زمین دراز میکشید و دست های خود را روی شکم گذاشته وسینه خود را باتمام قوه معروض لگدهای پر زور آندو نفرزن قرار میداد .

گاهی قانع باینکار نشده دختر نیرومندیرا بکنک زدن خود وادار نموده و اصرار می داشت که هر قدر بتواند آزارش کنند تا بدنش دردناک و خودش محظوظ گردد .

پس از قبول و تحمل این زحمت و اذیت بادادن پول زیاد و خورانیدن مشروب بآنها رخت خود را در بر کرده و بمحل مشغله خود مراجعت مینمود و هفته دیگر نیز بهمین ترتیب برای اجرای این ذوق عجیب و غریب بدانجا می آمد . جمعی از مازوخیست ها نیز هر وقت ادرار وقازورات زنها را به بینند شهوتشان بیدار میگردد . عجیب ترین آنکه از بوی کراهتی که از آنها خارج میشود نشئه میبرند وبعضیها جوار مقعد زن و استنشاق بوی مخصوصی که از آنجا خارج می گردد به تنبه عشق و شهوات خود موفق میشوند . پاره زن پرست ها مثل (هانری چهارم) از این عمل عجیب حظ لذتی بی پایان میبردند .

این قبیل اشخاص بوسیله اینگونه بوهای کندیده که

مولد تهوع و سبب نفرت و کراهت است تحریک و تهیج می-
شوند حتی گاهی دهن و بینی خود را بطوری داخل اعضای
تناسلی زنها میکنند که گوئی میخواهند در آنجا حفریانی
نمایند و مایع تنفر آور آنجا را می بویند .

باین اشخاص باصطلاح فرانسه (رنیفلور **Renifleurs**

یعنی بوکش) می گویند این رایحه و تغییرات ذوقی که از آن
تولید میشود منتج باستماء بالغم در بعضی از هر دو جنس
می گردد .

قسمتی دیگر از این اشخاص بالاتر رفته به بوهای که
از مقعد زن انتشار می یابد علاقه پیدا میکنند . اینها بینی
خود را نه تنها بفرج زن بلکه بمقعد او داخل میکنند و در
میان آنها کسانی هستند که ادرار زنا نوشیده و حتی مواد
غایبی او را میخورند .

در میان کسانی که ادرار زنا مینوشیدند صاحبان صنایع
مختلفه وجود داشته اند ، سه معاینه طبی درینخصوص شده و
این مدعا را ثابت میکند : یک نفر ۴۰ ساله همیشه فاحشه را
با اصرار وارد میکرد که بدهن او بشاشد .

در یکی از محلات اسلامبول شخص ۴۵ ساله که مشغول
تجارت ظروف شیشه بوده روزی بیکی از فاحشه خانه ها رفته
زن تنومند و چاقی موسوم به لوئیز را انتخاب و با او وارد
اطاقی می گردد و پنج برابر اجرت معمولی به او داده و در

مقابل از مشارالیهها در خواست مینماید که بدهن او اخراج ریح کرده و دفع طبیعی نماید . طبعاً "از این درخواست دچار حیرت میگردد اظهار میکند که این عمل از او ساخته نیست ولی اگر اصرار نماید ، ممکن است بدهن مشارالیه بشاشد ، این شخص که گرفتار ضلالت تناسلی بود باین عمل ناچار شده اعضای تناسلی زن را مکیده و ادرار او را خورده و سعی میکند که زبان خود را هم داخل اعضای تناسلی او بکند . همچنین شخصی موسوم به (یورکو) در همین محله بسن پنجاه ساله که شغلش حمالی بوده دارای قد کوتاه و از زمره افرادی بوده که در مقابل کهنهها و دستمال های قاعدگی که این قبیل زنها استعمال میکردند میگرفت و از شستن آنها ذوق و حظ بزرگی میبرد حتی در این پیشرفت کرده مواد غایبی زن را هم میخورد . برای انجام این مقصود لگنی روی زمین گذاشته (یورکو) طاق باز روی زمین دراز میکشید ، زن فاحشه نیز بحالت چمباته نشسته ، مقعد خود را مقابل دهن حمال می— گرفت و دفع طبیعی مینمود ، درینحال (یورکو) بازبان خود اعضاء تناسلی و مقعد مشارالیههارالیسیده و از فاحشه درخواست میکرد : حرفهای رونیکی از قبیل "قرمساق ، دیوس ، جاکش ، بی غیرت) و امثال آن باو بگوید در ضمن تمنی مینمود که او را کتک بزند .

چون طبیعت زنانه کم و بیش بمازوخیزم متمایل است از

این جهت در زنها نیز مازوخیزم دیده می شود. زنها از مردانیکه خود دچار اینحالت بوده و در مقابل آنها سر فرود می آورند دلخوش نیستند و میل دارند که مردهایشان سنگین و متین باشند.

پاره زنهاى خانگی مایلند که شوهرشان آنها را کتک بزند و از شوهر خوش رفتار ممنون نبوده و چندان اهمیت بآنها نمیدهند و این قضیه در مملکت روسیه و سایر ممالک متداول و کثیر الوقوع است.

مازوخیزم مانند سادیزم درجات مختلف دارد از پایه اذیت و آزار گرفته تا بمراحل جنحه و جنایات میرسد. این اعمال موجب لذت روحیه آنها می گردد.

مثلاً " (ژان روسو) مشهور کتکهای مادموازل (لابییه رپسه) را میخورد و احساس حظ و لذت شهوانی می کرد و همیشه طالب این فرصت بود و اینحال را غنیمت می شمرد بالاخره چون متانت خود را مانع در خواست وقوع این عمل میدانست از اینجهت اگر زن پشت باو میکرد به همین قناعت می نمود و حظ میبرد و اظهار عجز و الحاح خود را مایه تسلی و تسکین شهوت تصور می کرد.

همین ژان ژاک در کتابی که بنام (اعترافات) نوشته است می گوید: در مقابل مترس متحکم، بازانو بزمین نشستن دست بسینه ایستادن و اطاعت امر او و طلب عفو کردن یکی

از عوامل مهم التذاذ ذوقی وحس من است .
 مازوخیزم فقط در وجود ژان ژاک مذکور حکمفرما نبوده
 بلکه میل به کشف آلات تناسلیه نیز در وجود او موجود بوده
 است . صاحبان این ذوق که تن خود را دچار رنج کرده و آنرا
 وسیله جلب معشوقه‌شان میدانند حس شدیدی در این عمل
 میکنند .

گروهی از مازوخیزست‌ها بقصد خوردن کتک و احساس
 نشئات شهوانی با اشخاص عظیم الجثه و قوی البنیه عمداً
 در اثنای زد و خورد برای اینکه از جانب حریف خود حرکات
 و اقدامات شدید سریزند با گفتن حرفهای سخت و خشن بر
 هیجان و غضبوی افزوده و او را وادار بکتک زدن مینمایند
 تا بمقصود خود برسند و مرد آزار سخت شوند تا از اینرو
 متلذذ گشته و بانتعاض و دفع و نزال دفع شهوت نمایند .

فتی شیزم

FETICHISME

فتی شیزم یعنی (صنم پرستی) وایق نیز نوعی ضلالت
 تناسلی است که اجباری و اضطراری میباشد .
 کسانیکه مبتلاء باین حالند با تجسم پاره اعضای بدن
 زنها و در نظر گرفتن رختهای آنها و بدیدن و تماس اثاثیه
 شان رفع نشئه شهوانی مینمایند .

در این کتاب فقط فتنی شیست‌های حقیقی مورد بحث ما میباشد .

عشق عمده فتنی شیست‌ها و کلیه اشتباه‌های تناسلی آنها متوجه پاره‌اشیای زنانه و غالباً " بدستمال و دستکش و قطیفه‌ها و گیسوها و دست وپای آنها بوده بحدیکه بیشتر اوقات این عشق بمرتبہ پرستش میرسد .

فتنی شیست‌ها احتیاج ندارند که زنان در مقابل آنها متجسم شوند ولی عشق آنها بشئی است که آنرا تماس نموده و گاهی با گذاشتن آن بروی دل خود و یاروی اعضای تناسلی به نعوظ و دفع موفق می‌گردند .

فرقه نیز در میان آنها هست که مخصوصاً " از زنهای بد ریخت و معیوب از قبیل لنگ و یا احوال دل خوش داشته و کسب التذاذ نفسانی میکنند و جماعتی از فتنی شیست‌ها داخل ازدحام مردم گشته و موهای زنها را میبرند و بوسیله آنها استمناء می‌کنند .

در اینجا مشاهده طبی یکی از دوستانم را که شخص (معتدی) میباشد شرح داده و عین بیانات ایشانرا تذکر می‌دهیم :

" چند سال قبل در شهری بودم . ماه محرم رسید روز عاشورا تمام اهالی سر مقبره در آن شهر مشغول سوگواری بودند . ناگاہ صدائی بلند شد بعداز تحقیقات معلوم گردید

که یکنفر مرد بلباس زن در میان جمعیت زنها در آمده و از حال گریه و پیریشان کردن گیسوهای زنها استفاده نموده و مقداری از موهای آنها را بعد از بریدن باقیچی در دستمال جمع کرده بود . فوراً "متولی او را شناخته پس از کشف عملیات دست گیر و با اداره پلیس سپردند . این مرد زن نما در استنطاق خود اعتراف کرد که من بمقتضای ذوق مخصوصی که نسبت بزلف پیریشان زنها دارم . باین وسائل آتش شهوت خود را خاموش میسازم و اینکار شغل همیشگی من است ."

برخی از صنم پرستها (فتی شیستها) مجذوب کفش زنانه میباشد و غالباً " برای تماشا جلو مغازههای کفافی ایستاده و بحسرت و حیرت بکفشهای زنانه مینگرند .

فتی شیزم گمراهی رجولیت است و بیشتر در مردها دیده میشود . بعضی از مبتلایان بطوری در تحت تاثیر این حالت واقع شده اند که نه تنها بدن عریان زنی سبب تحریک شهوتشان میشود . بلکه چون مقابل بعضی نمایشگاهها میرسند بمحض مشاهده کفشهای گوناگون و رنگ برنگ زنان علایم خلجان و سرخی در صورتشان پدیدار می گردد .

فتی شیزم به دوشکل در اشخاص جلوه میکند .

۱ - فتی شیزم اشیاء و اثاثیه . ۲ - فتی شیزم بدن .

کیسانیکه نسبت باشیاء مجذوب میگرددند برای تهیه و

تدارک اشیاء ولوبه دزدی هم باشد اقدام میکنند ، زیرا جمع

کردن اشیاء تشکیل کلکسیون رفع احتیاجات تناسلی آنها را مینماید .

فتی شیستهای بدن فقط یک قسمت عضو بدن را دوست میدارند و بوسیله بدن زنها میتوانند متلذذ شوند .

نشان دادن آلات تناسلی

(پول کارینه) می گوید : " کشف آلات تناسلیه ضلالت تناسلی اضطراری است " کسانیکه گرفتار این گمراهی میباشند عقیده دارند که این احتیاج غیر قابل مقاومت است و در ساعات معین و جاهای معین آلات تناسلی خود را بدون نعوظ ظاهر نموده نمایش میدهند و با اجرای این عمل اشتهای تناسلی آنها سیر و ساکت میشود . ولی در بعضی از فتی شیستها نه وقت است و نه محل و در قسمتی از آنها نعوظ نیز با استمناء توأم است .

اینحال اکثر اوقات در اشخاصی بروز مینماید که مبتلا بفلج عمومی مترقی صرعه و عته (اختلال مشاعر) بوده و یا اینکه الکل بدن آنها را مسموم نموده و همچنین مردمان بی-خرد و بی شعور و کودن نیز در تحت تاثیر این حالت واقع میشوند . ودایره بسط این مرض منحصر بوجود مردمان پست و فرمایه نیست .

جمعی از این مبتلایان در نقاطی که دختران جوان کار

میکنند رفته‌و یا بکلیساها داخل شده در مقابل زنهای تیکه مشغول عبادت هستند میایستند و تماشا میکنند .

کشف آلات تناسلیه از نقطه نظر اوصاف عمومی شبیه به جنون (خمری) میباشد . برای روشن شدن موضوع از قول (لاسک) مثلی ذکر میکنیم :

مشارالیه حالت مبتلائی را ذکر میکند که مقارن غروب داخل کلیسا میشد و آنقدر صبر میکرد که مردم متفرق شوند و اندک جمعیتی باقی بماند . آنوقت از دور مقابل زنی که به عبادت مشغول بود می ایستاد و آلت خود را نشان او میداد و فرار می کرد شب دیگر نیز بهمین ترتیب در پیش روی پیر زنی میخواست همین عمل را انجام دهد پیره زن فریاد زد و مستخدمین را خبر دار کرد تا او را گرفته و تسلیم پلیس کردند . میلی بکشف علنی آلات تناسلی غالباً " در مردهاست و بعضی از آنها در مقابل زنها ایستاده با عمل استمناء رفع شهوت میکنند و گاهی پشت دیوارها مخفی گشته منتظر ورود زنها میشوند و بمحض رسیدن آنها خود را حاضر بفعل مکروه استمناء مینمایند و اگر نظر دقت زنها را جلب نکنند چندان نشئه و حظ نمیبرند و این قسم مردمان اصلاً " میل ندارد که با زنها نزدیکی کنند فقط مقصودشان این است که آرزوهای خود را از دور و بدیدن آنها انجام دهند ، تا کامیاب شوند و اکثر بقدری در این عمل معتادند که بالاخره گرفتار پلیس

می گردند .

امور جنسی از نظر کودکان و جوانان

بسیاری تصور میکنند که تعلیم مسائل جنسی بکودکان ناروا بوده و ذهن پاک و بی آرایش آنان را آلوده میسازد ولی این نکته ثابت شده است که اطفال بسیار زود نسبت باین مسائل کنجکا و میشوند و اگر حقایقی بآنها گفته نشود خود در صدد تحقیق برآمده از همبازیها و همشاگردیها بانوکرهای نادان و گاهی نیز مستقیماً " از مشاهده بعضی عکسهای کثیف یا منظره حیوانات اطلاعاتی جسته و گریخته بدست میآورند و در نتیجه افکاری مبهم در ذهن آنها پیدا میشود که غالباً " در حیات جنسی آنان اثرات سوء داشته و موجب انحراف های دامنه دار میگردد . بنابراین جای هیچگونه تردید نیست که ذهن اطفال باید از اوان کودکی با بعضی حقایق امور جنسی آشنا شود .

حال ببینیم برای آنکه تعلیم امور جنسی ب نتیجه مطلوب برسد چگونه و چه وقت و توسط چه اشخاصی باید صورت پذیرد البته همان اندازه که ذکر پاره های حقایق در موقع بروز حس کنجکاوی کودک واجب و ضروری است تحریک این حس بوسیله تعلیمات نابهنگام نیز بیهوده و زیانبخش است و چون کودکان معمولاً " از سن شش سالگی راجع باینگونه مسائل شروع بسؤال

میکنند تعلیم امور جنسی را نباید قبل از این دوره آغاز نمود بعلاوه هر سنی اقتضای درک یکنوع مطالب مخصوص دارد و در تعلیم این مسائل باید درجه فهم و استعداد کودک را هم در نظر گرفت .

بهترین مربی طفل در این مورد پدر و مادر است که از نزدیک روحیات فرزندان خود را مطالعه نموده و میتوانند این وظیفه حساس و مهم را با موفقیت انجام دهند . پدر و مادر باید در آغاز کار ساده‌ترین مسائل جنسی یعنی موضوع ولادت را طرح نمایند و اتفاقاً "اطفال هم نسبت باین موضوع علاقه خاصی نشان داده خیلی میل دارند بفهمند بچه از کجا پیدا میشود . در این خصوص باید با چند کلمه ساده اطلاعات صحیحی بکودک داد و مخصوصاً " باید مواظب بود که این تعلیمات صریح و روشن و خالی از شائبه باشد .

پدر و مادر باید در حدود امکان هر توضیحی را که طفل میخواهد باو بدهند و نقطه ابهامی برای وی باقی نگذارند تا مجبور نشود مشکلات خود را در خارج حل نماید . بدیهی است وقتی کودک اطمینان پیدا کرد که پدر و مادرش باو دروغ نمیگویند همیشه آنچه بنظرش میرسد از آنها میپرسد و احتیاجی بکسب اطلاع از هم شاگردیهای خود پیدا نخواهد کرد . بسیاری از پدران و مادران در اثر شرم و حیای ناروایی ازدادن پاسخ های صریح و ساده بیچه خودداری نموده غالباً " پرسشهای

اورا با لبخند و سکوت و یا با عبارات نارسا رد مینمایند باید دانست که اینها مرتکب اشتباه بزرگی میشوند و غافلند که این سکوت‌های پر معنی اثری جز تحریک حس کنجکاوی طفل نداشته و ویرا بر آن میدارد که از همدرسان بزرگتر خود اسراری بپرسد و البته وقتی هم در صحبت باز شد خدا میداند بچه‌های بزرگتر چه چیزها برای رفیق خود تعریف میکنند و او را بچه آزمایش‌هایی اغوا مینمایند! آیا اینگونه پدران و مادران هیچ فکر کرده‌اند فرزندانشان که علی‌رغم آنها بکشف بعضی حقایق موفق میشوند سکوت آنان را چگونه تلقی می‌نمایند؟ اینها باید بدانند که کمترین اثر رویه‌شان این است که طفل متظاهر و ریا کار بار آمده و خیلی چیزها را از آنها پنهان خواهد داشت. بنابراین بر پدر و مادر فرض است که در مقابل پرسش‌های کودکان توضیحات کافی قانع کننده بدهند و هیچگاه آنانرا سرگردان ننمایند. ضمناً باید سعی کنند که هیچ سخنی بر خلاف احتیاط گفته نشود چه کوچکترین اشتباهی از طرف آنها ممکن است در ذهن کودک تأثیرات عمیقی بخشیده مبنای انحرافات جنسی گردد. از طرفی دیگر در توضیح این امور نباید قیافه اسرار آمیزی بخود گرفت بلکه خیلی ساده و طبیعی باید صحبت نمود تا بچه اهمیت فوق العاده‌ای برای این اظهارات قائل نشود.

مخصوصاً "پدران و مادران موظفند که اطفال خود را

از خطراتی که در کمین آنهاست بر حذر دارند و نباید تصور نمود که این خطرات واهی و ناچیز میباشد و ذکر آنها توجه بچه را بچیزهائی که هنوز بخاطر وی نیامده جلب مینماید چه بندرت اتفاق میافتد که کودکان و جوانان تحت تاثیر القای آت پاره‌ای از هم‌درسان خود قرار نگیرند. از جمله عادات سخیفی که غالباً "پسرها و دخترها در آغاز بلوغ بدان دچار میشوند جلق و همجنس بازی است که اثرات شومی در غریزه جنسی و قوای جسمی و روحی دارد و باید اولیای اطفال بکوشند که مضار این اعمال را بفرزندان خود خاطر نشان ساخته آنانرا از این عادات زیان آور مصون بدارند.

چون بچه قدم بمرحله بلوغ نهاد در اثر تحولات شگرفی که در او پدید می‌آید حرص و ولعی در کشف حقایق مربوط بامور جنسی پیدا میکند. در این موقع است که وظیفه پدر و مادر سنگینتر میشود زیرا جوان در خود احساس یکنوع تشنگی کرده و چنانچه او را بدست حوادث بسپارند بانواع بدبختیها دچار خواهد شد.

مادر فصل امراض مقاربتی آنچه را که همه کس مخصوصاً " جوانان باید بدانند شرح خواهیم داد و فقط در اینجا این نکته را متذکر میشویم که جوانان نباید بیبانه اینکه فرصت جوانی غنیمت است بفرگامروائی باشند چه هر کامروائی یک تلخگامی نیز بدنبال دارد و بدون شک کسانی که برای لذات

آنی یک عمر دستخوش دردهای خانمانسوز شده‌اند اگر می‌دانستند چه خطرات جانفرسائی در رهگذر آنها است هرگز گرد روابط وحشتناک نمیگشتند. شاید پاره‌ای ادعا کنند که برای مرحله زناشوئی آموختن بعضی تجارب قبلی ضروری است ولی اینها غافلند که هیچ جوانی نمیتواند رموز عشق و شهوت را در آغوش فواحش کارمزد فراگیرد و تنها نتیجه‌ای که جوانان از این تماسهای جنون آمیز میگیرند همانا بیماریهای مهلک و یک عمر ندامت است.

حدود روابط جنسی

در مباحث جنسی مسئله‌ای که دانشمندان در باره آن کمتر اتفاق نظر دارند موضوع رژیم روابط جنسی است، مقصود از رژیم روابط جنسی میزان و حدودی است که مرد و زن در کار مجامعت باید مراعات نمایند. البته تمایل جنسی غریزهای است طبیعی که تشفی آن مانند ارضای سایر غرائز بشری امری ضروری و موافق اصول بهداشت بشمار میرود لکن در مواردی که ترضیه این غریزه بصورت مشروع مقدور نباشد میتوان از طریق پرهیزگاری و ارتیاض از شدت آن بتدریج کاست و سرانجام بر آن غالب گردید و نباید تصور کرد که این مجاهدت در تملک نفس از لحاظ بهداشت عمومی بدن زیانبخش می‌باشد.

در مورد مرد این نکته بتجربه ثابت شده است که وقتی فعالیت غریزی مدتی موقوف گردد غدد جنسی بحالت رکود میافتد و منی که در کیسه‌های مخصوص انباشته میشود یا بخودی خود هنگام خواب خارج میگردد (که اینرا احتلام گویند) و یا مواد مشکله آن وارد جهاز گردش خون شده بمصارف دیگر میرسد . سپس بتدریج کار تکوین تخمه در خایه بطی شده و احتلام تقلیل مییابد . در این صورت اگر علل تحریک غریزه جنسی از میان بر خیزد پرهیزگاری امری آسان و تحمل پذیر خواهد شد و از همین رو است که گفته اند پرهیزگاری درآموزشی بسته بعادت است لکن تردید نیست که برای احراز این عادت باید همت و اراده بکار برد چه کوچکترین ضعف نفس موقعیت را دشوار ساخته و حصول آنرا بعهدده تاخیر میاندازد . درزن نیز هنگام دوشیزگی پرهیزگاری در امور جنسی مقدور و گذشته از مبانی اخلاقی کاملاً " موافق اصول بهداشت است و حتی چون تقاضای جنسی در زن بطور متناوب ابراز میگردد این پرهیز برای او آسانتر از مرد میباشد با اینحال شرط اساسی رعایت آن همانا تسلط بر نفس و مراقبت دائمی است .

لکن این نکته را هم باید در نظر داشت که رعایت پرهیزگاری صرفاً " در موردی لازم است که مرد یازن از داشتن همسر محروم و ارضاء مشروع غریزه جنسی برای آنها امکان ناپدید باشد و بدیهی است در غیر این صورت پرهیز در امور

جنسی نه تنها ضروری نیست بلکه خلاف طبیعت و ناموس زندگی است. زیرا هدف عالی حیات بشری ادامه نسل و ازدیاد نوع بوده و تشفی غریزه جنسی از وظائف مشروع و اساسی دو همسر بشمار میآید.

البته نباید چنین تصور نمود که مرد و زن همینکه قدم بزندگی زناشوئی گذاردند مجازند بی پروا خود را در آغوش شهوت افکنده دیوانه وار راه افراط در پیش گیرند چه همان طور که غذا را باید بحد اعتدال خورد و زیاده روی در آن موجب ناخوشی میگردد اعتدال در امور جنسی نیز شرط لازم تعادل قوای جنسی و روحی است.

ولی آیا میتوان برای اعتدال حد معینی قائل گردید؟ از آنجا که ماخذ قضاوت نظر بتفاوت بین افراد بسیار متغیر است نمیتوان نظریه قطعی درباره لزوم یا کفایت تعداد دفعات در هر ماه بیان نمود و تنها نکته ای که ممکن است ماخذ عمل قرار گیرد ایام آمادگی غریزه جنسی زن یعنی چند روز قبل از قاعدگی و چند روز بعد از آن است که در این ایام نزدیکی جایز است بنا بعقیده خانم استروپس که از دانشمندان علوم جنسی است در اواسط مدت بین دو قاعدگی نیز غریزه جنسی زن مستعد تحریک بوده و در آن موقع نیز مجامعت اشکالی ندارد.

اشکال رعایت اعتدال در امور جنسی بیشتر برای جوانانی

است که تازه متاهل میشوند. اینگونه جوانان مخصوصاً " باید متوجه باشند که خود را بخطر شکستن رکوردهای موهوم نیندازند زیرا آلات تناسلی هم مانند سایر اعضاء بدن استعداد معینی دارند که اگر فعالیت آنها بحد افراط برسد دچار ضعف و فرسودگی میشوند و آثار این فرسودگی در قوای جسمی و روحی پدید خواهد آمد. البته اگر دو همسر از آغاز کار این نکته لازم را در نظر بگیرند روابط جنسی خود را بر پایه اعتدال قرار داده و از خلی که ممکن است به تندرستی آنها وارد آید مصون خواهند بود.

جلق و اثرات آن در مردوزن

جلق عبارت از تحریک و مالش آلات تناسلی بمنظور کسب لذت شهوانی است. این عادت که در زمره خطاهای جنسی است معمولاً " در مرحله بلوغ و گاهی نیز قبل از آن در پسرها و دخترها بروز نموده و در افراد ضعیف النفس که نمیتوانند حاکم بر اراده خود باشند ممکن است بعد از ازدواج هم ادامه یافته بصورت بیماری مزمنی در آید.

جلق یکنفری

در عواقب جلق بین نویسندگان عقاید مختلفی وجود دارد. جمعی معتقدند که این عمل منشأ بیماریهای بیشمار

است که از ضعف و ناتوانی شروع شده بجنون و بالاخره مرگ ختم میگردد. برخی دیگر را عقیده بر این است که اغلب خطراتی که برای جلق می‌شمارند واهی بوده و بیم این خطرات بیش از خود جلق در ذهن کسانی که باین عمل مبادرت می‌ورزند تاثیر سوء دارد. این دسته اظهار دارند که اخلاقیون متعصب یا بی اطلاع علت را بجای معلول گرفته ضعف اخلاقی و فقدان اراده را ناشی از عمل جلق میدانند در صورتیکه این حالات خود منشاء و عامل اصلی جلق محسوب میشود چه در اثر ضعف اراده است که اشخاص نمیتوانند بر هوای نفس غالب شده دامن پرهیزگاری بکف آورند.

بنا بنظریه دانشمندان جلق از دوره بلوغ باندازه مجامعت در آن دوره زیان بخش است زیرا فعالیت غدد جنسی قبل از رشد کامل از هر طریق که باشد لطمه جبران ناپذیری بعمل آینده آنها وارد می‌آورد لکن در مرحله بلوغ عمل جلق بدون آنکه بیش از مجامعت مطلوب باشد مضرتر از آن نخواهد بود. با اینحال نباید تصور کرد که این عمل در آغاز جوانی جایز است بلکه همانطور که در مورد پرهیزگاری در روابط جنسی گفته شد لازمست جوانان در این مرحله برای احتراز از جلق نیز همت و اراده بکار برده و بتصور کسب لذت سهل و ساده‌های خود را گرفتاریک عادت مذموم که در حیات جنسی آینده آنها اثرات ناگوار دارد ننمایند.

البته پدر و مادر و مربی بدون آنکه احتیاجی بمبالغه و شرح خطرات وحشتناک و احیانا " موهوم داشته باشند می-توانند با ذکر نکات علمی مطابق با واقع جوانان را در این مسئله رهبری کرده فواید و مزایای پرهیزگاری را به آنها خاطر نشان سازند و مهمترین نکته علمی که باید در این مورد مد نظر قرار گیرد زیان اعتیاد بجلق است که غالبا " منجر بعنن میگردد باین معنی که معتادین در اثر ممارست و افراط در عمل خود بتدریج قوه و ذوق کسب لذت طبیعی را از دست میدهند تا آنجا که دیگر از تماس با بدن زن و آلت تناسلی او تحریکی بآنها دست نمیدهد و نعوظ و انزال آنان موکول بتحرکات تصنعی میگردد. هر چند این حالت هم تنها جنبه روحی و خیالی داشته و درمان پذیراست معذالک باید بجوانانی که طبع آنها مستعد افراط و زیاده روی در جلق میباشد خطر مزبور را اکیدا " خاطر نشان نمود.

آنچه در فوق گفتیم مربوط بجلق زدن مرد بود اکنون سخنی هم درباره جلق زدن بگوئیم.

زنان هم بوسائل غیر طبیعی از قبیل مالش چوچوله و پستان یا فرو بردن انگشت یا بعضی آلات در مهبل یا فشردن رانها برای خود ایجاد لذت میکنند و اینگونه اعمال انفرادی از لحاظ اثر و نتیجه شباهت تامی با جلق زدن پسر ها و مردها دارد. ولی باید دانست که زیان این اعمال کمتر

از جلق در مرد است زیرا جلق زدن زن موجب انزال ماده‌ای که فقدان آن باعث ضعف قوای حیاتی باشد نمیشود و تنها اثری که دارد یکنوع ارتعاش شدید عصبی است شبیه به رعشه شهوانی که هنگام مجامعت دست میدهد با این تفاوت که در موقع نزدیکی این ارتعاش بطور طبیعی و بدون جهد و کوشش حاصل میشود در صورتیکه در کار جلق حصول آن توأم با صرف انرژی و ایجاد خستگی است .

این نکته را نیز یاد آور شویم که افراط در جلق زنان را بتدریج مبتلا بسرد مزاجی مینماید بطوری که کسب لذت از طریق مقاربت برای آنها غیرمقدر شده و تنها بوسیله تحریک تصنعی چوچوله بحران شهوانی امکان پذیر میگردد .

عادت بجلق در زنان معمولاً "هنگام بلوغ و گاهی قبل از قاعدگی بروز میکند ولی پس از ازدواج تخفیف مییابد ، معذالک در زنانی که نتوانند از شوهر خود کاملاً برخوردار شوند ممکن است این عمل تا مدتی ادامه یابد هر چند جلق زدن در زنان کمتر از مردان شایع است ولی با اینحال نمی توان خطر آنرا نادیده گرفت و برای اجتناب از آن باید کلیه نیروی خود را در تملک نفس بکار برد .

جلق دونفري

پسران يا دختران جواني كه مبتلا بـجـلق ميشوند گاهي بجاي اعمال انفرادي با رفقای همجنس خود مناسبات جنسي بر قرار نموده بوسيله آنها كسب لذت ميكنند و اين عمل در اصطلاح جلق دو نفری نام دارد جلق دونفري نیز مانند يك مراجعه شود .

نفری غالباً " از دوره بلوغ آغاز ميشود ولي ادامه آن منجر بنوعی بيماری مزمن جنسي ميگردد كه معروف به همجنس بازي است . اين عادت مذموم كه ممكن است با اشكال گوناگون تظاهر كند و متداولترين نوع آن در پسرها مالش قضيب يكديگر و در دخترها مساحقه (مالش فرج طرفين بهمديگر) است از جلق يکنفري فوق العاده خطرناكتر بوده و در سير تكاملي قواي جنسي تاثير بسيار وخيمي ميبخشد چنانكه مبتلايان ممكن است بدرجهاي از فساد و انحطاط روحي برسند كه جز از طريق همجنس بازي نتوانند درك لذت نمايند ولي اين انحراف جنسي را نبايد مولود استعداد فطري دانست چه بتجربه ثابت شده است كه اگر جوانان از اول تحت تاثير تلقينات يا اغواي رفقای خود واقع نشوند صدي نود آنها براي هميشه از وجود اين تمايل ناهنجار بي اطلاع مانده و براه غلط نميافتند و اين خود

دلیلی است بر اینکه حیات جنسی کودکان و جوانان باید تحت مراقبت دقیق قرار گیرد .

در دختران جلق دونفری ظاهرا " بیش از یکنفری شایع است و شاید خطر آن کمتر از جلق دونفری در پسرها باشد زیرا احساسات جنسی دختران هرچند بسرعت جنبه شهوانی بخود میگیرد ولی درعین حال سطحی و زودگذر است چنان که دخترانی که در مدارس شبانه روزی باهم بسر میبرند غالباً در مناسبات خود از مرحله بوسه و نوازشهای معمولی بمرحله جدیدتری میرسند بدون اینکه لطمه‌ای باستعداد جنسی آنها وارد آید . با این حال پاره‌ای دختران که این استعداد در آنها قوت دارد همجنس بازی را واقعا " اصل و مبنای حیات جنسی دانسته بتدریج برای خانواده خود عضو فاسدی می-شوند که بزرگترین مجازات آنها محرومیت از روابط طبیعی زندگی زناشوئی و نعمت داشتن اولاد است .

شاید بعضی از خوانندگان تعجب کنند که نگارنده در این محبت کوتاه آمده و روی جزئیات و دقایق مربوط باعمال انفرادی و دوجانبه چنانکه باید بسط مقال ننموده است ولی با اندک توجهی بموضوع کتاب معلوم خواهد شد که منظور اصلی ما تحذیر جوانان از شهوت پرستی و انحرافهای جنسی بوده و در این گونه مباحث چون تفصیل و توصیف خارج از حد غالباً " سوء تاثیر بخشیده و افکار ناسالمی باذهان تلقین

مینماید شایسته نیست بیش از آنچه برای راهنمایی خوانندگان لازم و ضروری است قدمی فراتر گذارده شود. باید بطبقه جوان واقع بین این دوره خاطر نشان ساخت که سرچشمه بسیاری از بدبختیها و بیچارگیها هوسرانی بوده و لذات آنی که از این رهگذر حاصل میشود بدان نمی‌ارزد که برای همیشه تن و جان خود را در معرض مخاطره قرار دهند. در امور جنسی لذت واقعی کسانی میبرند که مراحل حیات جنسی خود را بطور طبیعی و منظم پیموده و در پرتو شعار "پرهیز-گاری در اوان بلوغ و اعتدال در زندگی زناشوئی" سلامت جسمی و روحی خود را از هرگونه گزند و آسیب مصون دارند.

پرهیزگاری در امور جنسی

تقاضای جنسی چنانکه گفتیم از غرائز طبیعی انسان سالم بشمار میرود ولی نباید در هر موقع و تحت هر گونه شرایطی بترضیه آن مبادرت نمود چه تشفی غریزه جنسی بصورت مشروع جز در دوره زندگی زناشوئی امکان پذیر نیست و در هر مرحله دیگر متضمن مفاسد و مضار روحی و موجد عوارض جسمی گوناگون میباشد.

طرق مختلف ارضای تمایلات شهوانی که شرح آن در فصول پیش‌گذشت هیچکدام از نظر اخلاقی و اجتماعی و صحی برای جوانان پسندیده نیستند. ارتباط و آمیزش با فواحش

سلامت بدن را بخطر انداخته اخلاق را فاسد مینماید . هم جنس‌بازی دارای مضار بیشتری است چه احساسات را مختل ساخته تعادل قوای روحی و استعدادهای نفسانی را برهم میزند . جلق اگر تمام خطراتی را که بآن نسبت داده‌اند نداشته باشد قدر مسلم اراده را ضعیف میکند و در صورت افراد و مداومت عوارض جسمی ناگواری نیز تولید مینماید بنا براین تنها وسیله حفظ تندرستی و نشاط روحی برای جوانان پرهیزگاری است که باید با استدلال و منطق فوائد آنرا خاطر نشان ساخت و تردیدی نیست که تذکر لزوم پرهیزگاری باروش منطقی نزد جوانانی که جسما " و روحا " سالم باشند باحسن قبول تلقی شده تاثیرات نیکو خواهد بخشید .

این نکته را نیز ناگفته نگذاریم که پرهیزگاری هم امکان پذیر بوده و هم برای بدن و فکر زیانبخش نیست و اگر این آزادی عملی که جوانان در جامعه امروزی دارند وجود نداشت مسلما " پرهیزگاری امری ساده و طبیعی و لذت بخش بود و حتی میتوان گفت که رعایت آن برای مردها هم کمتر از زنها دشوار مینمود زیرا مرد فطرتا " از غلیان احساسات شهوانی یا " جز رومدهای جنسی " که متناوبا " در اوقات معینی بزن دست می دهد بر کنار است ولی متاسفانه در جامعه کنونی بقدری وسائل تحریک غریزه جنسی وجود دارد که رعایت پرهیزگاری در امور جنسی چندان آسان نیست و جوانان بسرعت در سراشیبی

سقوط نیافتند بدین سبب امروزه همانقدر که موجبات انحراف جوانان زیاد است وظیفه مربیان نیز سنگینتر است ، اولین وظیفه مربیان این است که شاگردان خود را از قبول تاثیرات شوم محیط بر حذر داشته و مناظر رقت باری را که در پس این صحنه‌های فریبنده عیش و کامروائی دروغی نهفته است برای آنان مجسم سازند و بآنها بفهمانند که نیروی جوانی بجای توجه باین بازیهای خطرناک میتواند در رشته‌های نشاط انگیزی که متضمن سعادت و کامیابی واقعی است بکار افتد .

علاوه بر تعالیم اخلاقی میتوان از احساسات مذهبی جوانان نیز برای رهبری آنها در جاده تقوی و عفاف استفاده نمود لکن باید باین نکته توجه داشت که مسائل دینی طوری آموخته شود که قابل قبول باشد چه تعالیم خشک که عمل را قانع نسازد غالبا " بجای آنکه جوانان را براه راست هدایت کند نتیجه معکوس بخشیده جز شک و تردید در ذهن آنها اثری باقی نخواهد گذاشت .

اصل دیگری که برای رعایت پرهیزگاری و انحراف ذهن از امور جنسی موثر است اشتغال بکارهای جدی است . حکایت گناهکاری که پس از توبه برای رفع وسوسه‌های جنسی تادل شب به هیزم شکنی میپرداخت حقیقت مسلم و انکار ناپذیری را در بر دارد و میتوان گفت کسانی که بفعالیت‌های شدید بدنی و فکری اشغال دارند کمتر گرد تمایلات جنسی میگردند

چنانکه ورزشکاران حقیقی و همچنین کسانی که بتحقیقات و تتبعات علمی عمیق میپردازند از تحریکات غریزه جنسی مبری میباشند. بنابراین برای جوانان مخصوصاً " در اوان بلوغ باید وسائل کار و فعالیت‌های جدی که حواس آنها را سخت بخود معطوف سازد فراهم نمود تا فکر آنها کمتر بدنبال امور جنسی برود و تردید نیست کسانی که ذوق کار و مطالعه دارند خستگی مسرت بخش فعالیت فکری یا جسمی را بهکسالت و سستی نفرت‌انگیزی که مولود اعمال شهوانی است ترجیح خواهند داد.

سفلیس

مخوفترین بیمارهای مقاربتی سفلیس است که بوسیله میکرب مخصوصی هنگام نزدیکی یا بطور غیر مستقیم در نتیجه استعمال اشیائی که آلوده بمیکرب مزبور باشند بدن سرایت میکند. این مرض بر خلاف سایر بیماریهای واگیر که دوره آنها کوتاه است جویان بسیار طولانی داشته و ممکن است تا پایان عمر ادامه یابد.

سفلیس در سیر تدریجی خود غالباً " بصورت امراض مختلفی نیز در میآید که در نظر اشخاص بی اطلاع ظاهراً " هیچ ارتباطی با هم ندارند و در نتیجه همین تنوع است که گفته‌اند دو نفر بیمار سفلیسی پیدا نمیشود که از تمام جهات

با هم شباهت داشته باشند .

سفلیس دارای سه مرحله یا دوره است که از لحاظ شدت و کیفیت با هم اختلاف محسوس دارند . دوره اول با ظهور زخمی که " شانکرسخت " نام دارد آغاز میگردد ، این زخم بطور متوسط ۲۵ روز بعد از سرایت مرض در محل ورود میکروب پیدا میشود و دوره آن چهار الی شش هفته است بعد از این دوره مرض وارد مرحله دوم میگردد که با انواع عوارض توأم است این عوارض در جلد و عشاهاى مخاطی ظاهر شده و فوق العاده ساری میباشد . لکن جز در موارد استثنائی خطرناک نبوده و ممکن است بسهولت درمان یابند . طغیان جوشنهاو زخمهای این دوره چندین ماه و گاهی دو یا سه سال بطول میانجامد و سپس مرض ظاهرا " وارد یک مرحله رکود میشود که مدت آن چند ماه تا هشت یا ده سال و گاهی بیشتر است . آنگاه دوره سوم با بروز ناگهانی عوارض موضعی شدید آغاز میگردد ، در این وهله جراحات عمیق و خطرناکی در بدن ظاهر شده و بیشتر عضوهای درونی و مخصوصا " سلسله اعصاب در معرض این آثار قرار میگیرند .

این بود مراحل مختلفی که مریض سفلیسی در صورت عدم معالجه طی میکند ولی البته بدیهی است که اگر در یکی از - این مراحل معالجه انجام گیرد جریان طبیعی مرض متوقف مانده عوارض دوره ما بعد بروز نمینماید .

این نکته را نیز باید متذکر بود که هر قدر مداوا " زودتر شروع شود در معالجه بیمار بیشتر تاثیر خواهد داشت .

چگونگی سرایت سفلیس

میکروبی که عامل سرایت سفلیس است " ترپونم " نام دارد که ظاهراً " موجودی است حد وسط بین گیاه و حیوان و اگر آنرا زیر ریزبینهای دقیق بگذاریم میبینیم شکل رشته درازی است که مانند فنر لاله بر هم پیچیده و دارای حرکات و نوساناتی میباشد عرض این میکروب ربع یک هزارم میلیمتر و طول آن ۱۴ برابر یک هزار میلیمتر است و با اینحال همین موجود ذره بینی است که اگر وارد بدن شود خون را با سرعت وقت آلوده نموده عوارض مخوفی را که شمای از آن ذکر شد بوجود میآورد و ممکن است چندین نسل را فاسد نماید لکن تجربه نشان داده است که این میکروب نمیتواند از پوست سالم عبور کند بلکه ورود آن بنسوج بدین از طریق خراش یا شکافی است که در جلد باشد . و بنابراین سرایت آن همیشه معلول روابط جنسی نبوده و عوامل گوناگون دیگری ممکن است در آن مدخلیت داشته باشند مثلاً " تیغی که در مغازه سلمانی برای تراشیدن صورت بیمار سفلیسی بکاررفته یا سوزن آلوده‌ای که برای تلقیح مریض استعمال شده یا لیوانی که مریض در آن آب خورده در سرایت این بیماری تاثیر دارند . همچنین

مامائی که بدون دستکش مخصوص اقدام بزایش زن حامله مبتلا بسفلیس نماید یا بچه مجروحی که با پارچه آلوده بیراق مریض سفلیسی پانسمان بشود یا دایه‌ای که نوزاد سفلیسی را شیر بدهد همه اینها مبتلا باین مرض خانمانسوز میشوند و بدین ترتیب میببینیم سفلیس ممکن است از طرق بسیار معصومانه نیز سرایت نماید و بهمین جهت است که برای مصونیت از این بیماری خطرناک باید فوق‌العاده در استعمال اشیاء رعایت احتیاط نمود .

دوره‌های سفلیس

از آنچه گذشت این نکته معلوم میشود که هیچکس نمی‌تواند خود را کاملاً "از تعرض این بیماری مصون بداند و بنا بر این بر هر فردی لازم است که اطلاعات جامعی از چگونگی عوارض آن و طرق جلوگیری و علاج آن در دست داشته باشد و مخصوصاً " چون علائم بروز این مرض در بدو امر ساده و بی‌زیان بنظر میرسد و حتی جوشهای اولیه آن خارش هم ندارد ممکن است اشخاص بی‌اطلاعی که مبتلا بآن میشوند در آغاز کار که بهترین موقع برای علاج آن است توجهی بآن ننموده در صدد مداوا بر نیابند و در نتیجه مرض بآنها مستولی گردد .

اینک کیفیت هر کدام از دوره‌های سفلیس را مورد

مطالعه قرار می‌دهیم .

پیش‌گفتیم که سفلیس بازخمی که ۲۵ روز بعد از سرایت مرض در محل دخول میکرب ظاهر میشود آغاز میگردد . گاهی آثار این مرض بشکل جراحات دوره دوم بروز مینماید و آن وقتی است که شانکر مراحل اولیه خود را در یکی از نقاط درونی بدن گذرانیده باشد . مثلاً " هرگاه زخم اولیه سفلیس در دهانه رحم بوجود آید هیچگونه آثار خارجی نداشته حتی مادامیکه قرحه از محل خود تجاوز ننموده مریض احساس درد هم نمیکند و در اینصورت بروز مرض توام با علائم مرحله دوم است .

زخم سفلیس درد و یا سه روز اول خراش ساده‌ای بیش نیست ولی دیری نمیگذرد که این خراش بصورت جوش درشتی در آمده آماس میکند و گاهی محیط دایره آن به ۸ الی ۱۰ سانتیمتر میرسد . اگر این زخم روی جلد پدید آید قشر سختی آنرا میپوشاند و در اینصورت سرخی و التهاب و درد ندارد و ممکن است در ظرف چند روز علاج شود . باید دانست که عارضه اولیه سفلیس گاهی بجای یک زخم بصورت دو یا چهار زخم یا بیشتر نیز در بدن بروز مینماید .

یکی از علامات شانکر تورم غده‌های جلدی یا گانگلیونها است . میدانیم که علاوه بر شریانها و وریدها عروق و غددی بنام گانگلیون نیز در نقاط مختلف بدن وجود دارند که کار

آنها رساندن خون بجلد است. گانگلیونها در عین حال بمنزله سدی هستند که میکروبهای را که توانسته‌اند از جلد یا غشاهای مخاطی عبور کنند از حرکت و پیشروی باز میدارند و در مجاورت آنها است که بین گویچه‌های سفید خون و میکروب‌های امراض نزاع در میگیرد. اثر خارجی این منازعه تورم گانگلیونها است که در اصطلاح "آدنوپاتی" نامیده میشود و این کیفیت از خصائص ممیزه بیماری سفلیس است.

علائمی که برای سفلیس ذکر شد متاسفانه همیشه بارز و آشکار است چه زخم اولیه ممکن است بصورتی ظاهر گردد که بازخیمهای دیگر از قبیل تبخال و زخم جرب و غیره اشتباه شود ولی البته در آزمایشگاه میتوان با وسائل مخصوص شانکر را از زخمهای مشابه آن تمیز داد و آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد همین تشخیص زخم است و از اینجا نتیجه میگیریم که هیچگاه نباید زخمی را که ممکن است مقدمه مرضی خطرناک باشد بدیده غفلت و بی‌اعتنائی نگریست. البته اینرا هم باید بگوئیم که بمجرد مشاهده یک جوش کوچک روی بینی فوراً" نباید مضطرب شده ب فکر معالجه سفلیس افتاد بلکه اگر در قسمتی از بدن مخصوصاً "روی آلت تناسلی جوش یا خراشی دیده شود که بعلت ارتباط مشکوکی در ذهن تولید سوءظن نماید باید بطیب مراجعه کرد و چون مسلم شد که جوش مزبور مربوط بسفلیس است باید بی‌درنگ بمداوا و معالجه جدی

پرداخت زیرا خطر در ظرف چند روز مستولی میشود و تردید نیست که اگر این بیماری در مرحله اول تشخیص گردد علاج آن سهلتر است تا وقتیکه بمرحله دوم یا سوم برسد .

با شروع مرحله دوم وضعیت بیمار تغییر میکند چه در این دوره سفلیس از جنبه موضعی خارج شده بتمام بدن سرایت مینماید . اولین نشانه شروع این دوره ظهور لکه‌های قهوه‌ای رنگی است موسوم به " روز ثول " که قطر دایره آنها نیم سانتیمتر است و بعد از این لکه‌ها جوشهای دیگری که " پاپول " نام دارد در قسمت‌های برجسته پوست ظاهر میگردد از جمله صفات مشترک این قرچه‌ها این است که بروز آنها با تب همراه نبوده و درد و خارش هم ندارند و در تمام سطح بدن پراکنده میشوند ولی بعد از معالجه اثری از آنها روی جلد باقی نمی‌ماند .

یکی از علامات دیگر دوره دوم سفلیس جوشی است موسوم به " قرص مخاطی " که در دهان یا روی قسمت‌های مخاطی آلات تناسلی یا کنار مقعد ظاهر میشود و قشر خاکستری رنگی آنرا میپوشاند . در بعضی بیماران این جوش پهن شده تشکیل " سفره مخاطی " میدهد .

سفلیس درجه دوم غالباً " بضائم جلد مانند مو و ناخن نیز سرایت میکند و مخصوصاً " موجب ریزش موی سر میگردد ولی پیاز مو را خشک نمیکند . بالاخره در این دوره هیچیک

از اعضاء بدن از عوارض سفلیس مصون نمیماند ولی خوشبختانه آثار مزبور ممکن است بوسیله معالجه جدی بر طرف گردد .

دوره سوم سفلیس با عوارضی آغاز میگردد که بزحمت میتوان آنرا اثر و دنباله مرض مزبور دانست . از جمله علائم این دوره زخمهای بزرگ و مهیبی است که روی جلد پدید آمده نسوج عضلاتی را فاسد مینمایند و آثار آن بعد از معالجه مرض باقی میماند . در سطح غشاهای مخاطی و مخصوصاً " دهان نیز قرچه مخصوصی پیدا میشود موسوم به " لوکوپلازی " که ممکن است مقدمه سرطان خطرناکی گردد و بنابراین برای جلوگیری از بروز سرطان باید مریض را از استعمال دخانیات و خوردن غذاهای پرادویه منع نمود .

سفلیس درجه سوم در سطح عضوهای داخلی بدن مانند کبد و کلیه و مغز نیز تولید قرچههای خطرناکی میکند که غالباً " علاج ناپذیر و کشنده اند چه در مقابل هر گونه داروئی مقاومت نموده عضو را بتدریج از کار میاندازند . مخوفترین عوارض این مرحله فساد مراکز عصبی است که گاهی منجر به جنون میگردد . با اینحال در اثر ترقیبات اخیر علم طب می توان گفت که کلیه عوارض سفلیس حتی خطرناکترین آنها که فلج کامل بدن است امروز درمان پذیر میباشند .

سفلیس موروثی

تا اینجا آنچه گفته شد مربوط بسفلیس اکتسابی بود ولی نوع دیگری نیز از این مرض وجود دارد که نتیجه تماس با مریض یا استعمال اشیاء آلوده بمیکروب مرض نبوده و موروثی است باین معنی " تریونم " از پدر یا مادر مبتلا بسفلیس بنطفه سرایت کرده اورا مریض مینماید . در این صورت هرگاه سفلیس تازه باشد جنین در نخستین ماههای آبستنی در رحم تلف میشود و اگر بعدها مجدداً " زن حامله شود ممکن است جنین تا آخر ماه نهم زنده بماند لکن هنگام تولد میمیرد و اگر هم بمیرد عوارض مرض در او باقی میماند . از اینرو ازدواج یکنفر مریض سفلیسی با دیگری حقیقتاً " جنایت بزرگی محسوب میشود که باید جدا از آن اجتناب نمود .

علائم سفلیس موروثی بر دو قسم است اول عوارض مشابه به سفلیس اکتسابی دوم دیستروفی یا عدم رشد طبیعی که در اثر آن اندام یا بعضی از اعضا بدن از شکل میافتد .

اولین آثاری که در نوزادان مبتلا بسفلیس دیده میشود زردی و پژمردگی چهره و سستی ولاغری اندام آنهاست ، در عین حال در کف دست و پای این گونه اطفال تاو لهائی پیدا میشود که پس از مدتی باز شده تولید قرحه دردناکی موسوم به پمفیگوس مینماید . اگر این نوزادان جان سلامت ببرند

دیری نمیگذرد که زخم‌هایی شبیه بقرحه‌های سفلیس اکتسابی درجه دوم نیز در بدن آنها ظاهر میگردد. بعلاوه کبد و سپرز بزرگ و خایه یا تخمدان ضعیف میشوند. درمنخرین آثار ذکام سختی بروز میکند، لبها شکافته شده و هنگام شیر خوردن تولید درد شدیدی مینماید، گاهی عوارض عنبیه و قرنبه چشم منجر بکوری میشود و حتی مو و ناخن و استخوانها هم از آسیب برکنار نمیمانند.

البته اگر این اطفال بموقع تحت معالجه قرار گیرند از عوارض مزبور نجات مییابند و ممکن است بعدها نیز هیچگونه آثاری از مرض در آنها ظاهر نشود ولی عارضه‌ای که در آنها باقی میماند و درمان ناپذیر است عدم رشد طبیعی آنها است که گاهی عمومی و زمانی موضعی میباشد. در صورت اول طفل دیر بزرگ شده، دیر راه میافتد و دیر حرف میزند و در مورد دوم چشمها، دندانها، استخوانهای جمجمه و صورت و مخصوصاً " استخوان بینی شکلهای مخصوص بخود میگیرند. خلاصه اطفال مبتلا بسفلیس موروثی موجودات معیوبی هستند که آثار بیماری در آنها بمراتب زشتتر و مخوفتر است تا در کسانی که این میراث شوم را بآنها داده‌اند و بدتر از همه اینکه بعضی از آنها ممکن است میکروب مرض را بنسل سوم نیز منتقل سازند.

درمان سفلیس

بهترین وسیله تشخیص سفلیس روش معروف واسرمن است که وجود یا عدم وجود تریپونم را در خون تعیین میکند و راهنمای موثری برای معالجه بشمار میرود .

علاج این مرض مستلزم مداومت و پایداری است زیرا چنین بیماری دومی که بتمام اعضاء خارجی و داخلی بدن سرایت میکند محال است در ظرف یکروز یا یک هفته درمان یابد و برای غلبه قطعی بر میکروب آن باید استقامت بخرج داد معذلک چون داروهای ضد سفلیس اغلب مواد سمی می-باشند لازم است ضمن معالجه بقدر کافی مجال داده شود که مازاد آنها بتدریج از بدن دفع گردد و بنا براین درمان سفلیس باید با فواصل معین و طبق برنامه منظمی انجام گیرد .

برای علاج این مرض طرق مختلفی بکار میبرند که از آنجمله است مالش جیوه بدن ، ادخال جیوه ، ارسنیک یا بیسموت در معاء مستقیم و خوردن قرصها و شربت‌هایی که یدورپتاسیوم یا نمکهای جیوه دارند ، لکن ازمانی که پاستور دانشمند بزرگ فرانسوی ماحصل تجارب گرانبهای خود را تقدیم عالم طب نموده و روش تزریق تعمیم یافته است مداوای سفلیس وارد مرحله جدیدی شده و امروز کلیه داروهای ضد سفلیس را بوسیله تزریق (زیر جلد یا در عضله یا ورید) وارد

بدن مینمایند .

داروهای ضد سفلیس بترتیب اهمیت و خاصیتشان عبارتند از آرسنیک ، بیسموت ، جیوه ویدوردوپتاسیوم . از آرسنیک و بیسموت و جیوه مشتقات زیادی تهیه میشود که عمده آنها بشرح زیرند :

۱- مشتقات آرسنیک : داروی ۶۰۶ و ۹۱۴ و سولفار-سنول .

۲- مشتقات بیسموت : بنزو بیسموت و املاح غیر محلول مانند کینیوبیسموت و موتانول .

۳- مشتقات جیوه : سیانور و بنزوئئات (که از املاح محلولند) و روغن خاکستری (که از املاح غیر محلول می-باشند) .

علاوه بر داروهای فوق پنی سیلین نیز که اخیراً کشف شده درمعالجه بیماران سفلیسی بکارمیرودولی هنوز نمیتوان درباره اثر و خاصیت آن در این مورد قضاوت قطعی نمود .

دوره معالجه بیماران سفلیسی بر حسب درجات ضعف و شدت مرض متفاوت است اگر شانکر تازه باشد یکسال ونیم الی دوسال وقت لازم است تا مریض بطور قطع شفا یابد لکن هرگاه معالجه در دوره دوم ویاسوم سفلیس آغاز گردد جدیت و استقامت در آن بسیار ضروری است و باید حداقل در مدت چهار سال چند صد تزریق بعمل آورد ، نکتهای که تذکر آن

در پایان این مبحث لازم میباشد این است که مریض سفلیسی حتی وقتی هم که معالجه شود نباید بکلی از خود غافل گردد زیرا ممکن است مرض ریشه کن نشده باشد و بدینجهت کسیکه سابقه سفلیس دارد باید سالی یکبار تحت معاینه دقیق قرار گیرد و خون او تجزیه شود تا از معالجه قطعی اطمینان کامل حاصل نماید .

سوزاک

سوزاک بیش از سایر بیماریهای مقاربتی در بین جوانان شایع و متداول است و با آنکه عوارض بسیار شومی دارد بر خلاف سفلیسی حاضر نیست بمرض خود اعتراف کند در صورتیکه هیچ مریض سفلیسی حاضر نیست بمرض خود اعتراف کند در صورتیکه افراد ساده لوحی پیدا میشوند که سوزاک را از افتخارات دوره عشقبازی خود دانسته و بدان میبالند . با اینحال نباید عواقب و خیم و خانمانسوز این بیماری خطرناک را از نظر دور داشت .

میکروب سوزاک گونو کک نام دارد و در مجاری بول و درون دستگاه تناسلی نشوونما میکند و تقریباً همیشه از طریق ارتباط جنسی وارد بدن دیگران میشود و میتوان گفت سرایت آن بوسیله استعمال اشیاء آلوده بمیکروب از موارد استثنائی است .

بروز سوزاک در مردوزن بعلت اختلافی که در ساختمان آلات تناسلی آنها وجود دارد متفاوت ولی حمله میکروب آن با عشاء در هر دو مورد یکسان است . وقتی گونرکک بر اثر مقاربت در سطح غشاء مخاطی عضو سالم قرار گرفت شروع بر شد و تکثیر نموده ابتدا در سطح این غشاء و سپس در اعماق آن تشکیل اجتماعاتی میدهد . در این موقع گویچه‌های سفید خون که مامور دفاع بدن در مقابل میکروب امراض میباشند بعکس العمل پرداخته محل نشو و نمای گونو کک را مورد حمله قرار میدهند و چون در این پیکار شکست خوردند بصورت چرک از عروق و سطح غشاء های مخاطی خارج میشوند .

سوزاک در مرد

اولین محل نشو و نمای گونو کک در مرد مدخل مجرای بول قسمت قدامی آن است و غشاء مضیقه که حد فاصل بین این قسمت و قسمت خلفی مجرا محسوب میشود مانند سد مانع پیشروی آن میباشد ولی اگر بعلی سد مزبور شکافته شود میکروب دون مانع و رادع بقسمت خلفی مجرا نفوذ کرده کلیه اعضای درونی را فرا میگیرد . در این موقع گونو کک بدهانه مثانه رسیده تولید عوارضی از قبیل سیستیت (ورم مثانه) و نفریت (ورم کلیه) مینماید و چنانچه متوجه مجاری انزال گردید بپروستات و لوله بزرگ و خایه سرایت نموده قرچه‌های

دردناکی ایجاد میکند . بالاخره ممکن است میکروب وارد دستگاه گردش خون شده روی یکی از مفاصل قرار گیرد و تولید رومانیسم سوزاکی یا عوارض شدید دیگر در قلب و غشاهای مغز نماید که عواقب آن بسیار وخیم و معالجه آن دشوار و طولانی است .

فاصله بین دخول میکروب بمجرای بول و بروز اولین علائم مرض سهالی پنج روز است ولی در پاره‌ای موارد ممکن است این دوره تکوینی بچند ساعت تقلیل یافته یا مدت هشت روز بطول انجامد . اولین اثر و نشانه سوزاک چهار روز بعد از سرایت مرض بروز میکند و آن عبارت از سوزشی است که هنگام جریان بول در مجرا احساس میشود . در این موقع لبهای دهانه مجرا نیز کمی قرمز است و اگر سوراخ آنرا بفشارند قطره‌ای مایع خاکستری رنگ که محتوی میکروب سوزاک است از آن خارج میگردد . چنانچه در این هنگام از معالجه جدی غفلت شود سوزاک بمرحله حدت میرسد باین معنی که پوست روی سر قضیب ملتهب میشود و دائما چرک غلیظ سبز رنگی از مجرا بیرون میآید که اگر آنرا روی پارچه سفیدی بریزند تشکیل لکه مخصوصی میدهد که وسط آن سبز و اطرافش خاکستری بریزند تشکیل لکه مخصوصی میدهد که وسط آن سبز و اطرافش و عذاب طاقت فرسائی دچار شده در مجرای بول مثل اینکه خرده شیشه یا خرده تیغ احساس میکنند و در نتیجه حتی المقدور

بنا بحس غریزی از ادرار خود داری مینماید ، عارضه نا مطبوع دیگری که غالبا " با سوزاک حاد توام میباشد " نعوظ درد ناک " است و آن عبارت از این است که مجرای بول در اثر سوزاک قابلیت ارتجاع خود را از دست داده دیگر از اتساع جسم مجوف تبعیت نمیکند و در نتیجه این کیفیت قضیب هنگام نعوظ غالبا " منجر بانزال نیز میشود که البته فوق العاده تالم آور است و منی که باین ترتیب خارج میگردد غالبا " آمیخته بخون میباشد . سوزاک در وضعیت عمومی بدن نیز تاثیر داشته غالبا " تولید تب و سستی و بی اشتهائی میکند . این عوارض موضعی و عمومی بطور متوسط مدت دو یا سه هفته ادامه یافته سپس از شدت خود میکاهند و در این موقع جریان چرک از مجرای بول بتدریج موقوف میشود ، درد تخفیف مییابد و نعوظ کمتر دست میدهد ولی باید دانست که تخفیف این عوارض نشانه بهبودی مریض نیست چه در نقاط مختلف غدد مجرای بول اجتماعی از میکروب سوزاک در حال کمون باقی مانده تولید سوزاک مزمن مینمایند و بمجرد تاثیر عوامل خارجی فعالیت خود را از سر میگیرند .

از جمله آثار و علائمی که در این مرحله ظاهر میشود مایع خاکستری رنگی است موسوم به "قطره نظامی" یا "قطره صبحگاهی" که معمولا " هنگام صبح یعنی چندین ساعت بعد از آخرین ادرار از مجرای بول خارج میگردد از این گذشته

بیماران مبتلابسوزاک مزمن بعارضه " تنگی مجرا ، نیز گرفتار میشوند .

سوزاک درزن

دخول میکروب سوزاک دردستگاه تناسلی زن نیز موجب تورم و التهاب غشاء های مخاطی شده و در صورتی که بدرجه حدت برسد تولید جراحات سبزرنگی مینماید که از مجاری تناسلی خارج میشود .

هنگامی که این میکروب وارد دستگاه تناسلی زن شد ابتدا قسمت اول این دستگاه را که فرج و مهبل باشد فرا گرفته تولید " وولویت " و " واژنیت " مینماید که علامت آن سوزش و خارش شدید در آن نقاط سپس میکروب بگلوی رحم و حفره آن سرایت کرده موجب التهاب این عضو یا " متریت " می گردد که در نتیجه آن چرک و جراحات تمام زهدان را فرا گرفته تولید قولنج شدید مینماید . گولوکک تاشیپورها و تخمدانها نیز ممکن است پیش برود و در آن صورت عوارضی بنام " سالپنژیت " و " اواریت روی میدهد که گاهی با التهاب پرده صفاق نیز توأم بوده و علائم آن درد زیر شکم و تب شدید و کلیه آثار دیگر امراض عفونی داخلی است .

چون در زن دستگاه تناسلی از مجرای بول مجزی است میکروب سوزاک بندرت بقسمت اخیر سرایت میکنند و در صورت

ورود بمجرای بول بتدریج تمام مجرا و مثانه و گاهی کلیه ها را فرا گرفته تولید قرحه‌هایی مینماید که بترتیب " اورتريت اکسیتیت " و نفرت نام دارند .

بالاخره سوزاک درزن نیز مانند مرد ممکن است از جنبه موضعی خارج شده بتمام بدن سرایت کند و منجر برومانیسم سوزاکی و عوارض دردناک دیگر گردد .

درمان سوزاک

سوزاک که از مازمنه بسیار قدیم بین اقوام و طوایف مختلف شایع بوده و از بیماریهای مهلک بشمار میرفته امروزه با وسائل اطمینان بخش معالجه میشود . البته اگرمریض بمجرد مشاهده چرک بیزشک متخصص مراجعه نماید معالجه او آسان بوده وممکن است در ظرف چندروز مرض بکلی بر طرف گردد لکن در صورتیکه غفلت بشود مرض حاد شده تولید عوارض شدیدی مینماید که درمان آنها طولانی و دشوار و مستلزم مراقبت مخصوص و استعمال وسائل علمی دقیق است .

بعضی جوانان وقتی در خود علائم سوزاک را احساس نمایند بجای مراجعه بیزشک راز خود را بایکی از دوستان در میان میگذارند و سرنگی تهیه کرده به شستشوی مجرا با پرمنگنات میپردازند باید دانست که این عمل خطرناک است چه غالباً " غشاء مزیقه که مانند سدی مانع عبور میکروب به

قسمت خلفی مجرا است بوسیله سرنگ باز میشود و میکروب بقسمتهای بالا سرایت مینماید بنابراین در مورد مشاهده علائم سوزاک باید بدون تأمل و ملاحظه بطیب متخصص مراجعه کرده از اقدامات مشکوک خودداری نمود .

امروزه گذشته از شستشوی مجرا بوسائل علمی وسیله موثری که در معالجه بیماران سوزاکی متداول است واکسن ضد سوزاک و همچنین تزریق میکروب مالاریا است که فعالیت گونوک را در بدن خنثی مینمایند .

از زمانی که انواع سولفامیدها و مخصوصاً " داروی پنی سیلین کشف شده درمان این مرض بسیار آسان گشته است ولی با این حال در مورد سوزاکهای حاد و مزمن نمیتوان باین داروها اکتفاء کرد بلکه باید معالجات دیگری را هم با آنها توأم نمود .

اشخاص هوسبازی که از سرچشمه‌های ناپاک کسب لذات شهوانی میکنند غیر از سفلیس و سوزاک ممکن است بدو مرض دیگر نیز مبتلا شوند که هر چند اهمیت آنها کمتر از بیماری های مزبور میباشد ولی علاج آنها خالی از اشکال نیست و این دو مرض عبارتند از شانکر نرم و جوانه تناسلی .

شانکر نرم با شانکر ساده تقریباً " همیشه از طریق ارتباط جنسی عارض شده و جز در آلات تناسلی بروز نمینماید . این بیماری که مدتها آنرا با عوارض سفلیس اشتباه میکردند

زائیده میکروبی است موسوم به باسیل . دوکره و مانند شانکر سخت موجب تورم کانکلیونها یا غدد جلدی میشود ولی بر خلاف آن موضعی بوده و بتمام بدن سرایت نمیکند .

اولین علامت بسروز این بیماری جوش کوچکی است که معمولاً " چهار روز و گاهی کمتر یا بیشتر بعد از ارتباط عفونی در آلات تناسلی ظاهر میگردد . این جوش در اندک زمانی بزرگ شده میترکد و بصورت زخم دردناکی در میآید که تا مدت یک الی چهار هفته چرک و جراحات زیاد از آن خارج میشود . از جمله خصائص شانکر نرم این است که مناطق نزدیک خود را آلوده کرده تولید مثل مینماید و بهمین جهت کمتر اتفاق میافتد که بیک زخم تنها محدود گردد .

ورم این شانکر باندازه شانکر سخت دوام ندارد ولی بسیار تالم آور است و چنانچه مراقبت کامل از آن بعمل نیاید موجب التهاب و استعمال جلد شده و ممکن است تولید شانکر تازه ای بنماید .

یکی از عوارض بسیار نامطلوب شانکر نرم " فاژدنیزم " است باین معنی که زخم توسعه یافته قسمت بزرگی از جلد را فرا میگیرد و نسج عضلاتی را فاسد مینماید . این عارضه که درجه حدت شانکر نرم را نشان میدهد صعب العلاج است و در مقابل هر گونه مداوایی مقاومت مینماید .

گاهی مدت بیست الی سی روز بعد از بروز شانکر نرم

در محل آن شانکر سخت نیز پیدا شده تولید شانکر مختلط مینماید .

راه علاج شانکر نرم استراحت و استعمال داروهای ضد عفونی ملایم است .

جوانه تناسلی یا پایوم قرحهای است بشکل و رنگ گل تاج خروسی که روی سر قضیب و اطراف تاج آن یا درون فرج کسانی که مبتلا بسوزاک مزمن میباشند ظاهر میشود .

این زخم چندان دردناک نیست ولی گاهی بحدی دوام پیدا میکند که مریض از درمان آن مایوس میگردد و باید آنرا بوسائل مخصوص قطع کرد یا سوزانید .

تاثیر بیماری‌های مقاربتی در

خانواده و اجتماع

در مورد سفلیس موروئی این نکته را خاطر نشان نمودیم که بیماری مزبور عواقب بسیار شوم و وحشتناکی برای اعقاب مریض در بردارد .

اکنون جای آن است که بشرح خطراتی که این مرض و سایر بیماریهای مقاربتی برای خانواده و اجتماع ایجاد می‌کنند پرداخته طرز جلوگیری از این خطرات خانمانسوز را مورد نظر قرار دهیم .

مسئله ازدواج بیماران سفلیسی از جمله مسائلی است

که همواره توجه پزشکان و علمای اجتماع را بخود معطوف داشته و در این خصوص که آیا مریض سفلیسی مجاز است ازدواج کند یا باید از تشکیل خانواده و ایجاد نسل محروم باشد مباحثات زیادی بعمل آمده است. البته اظهار نظر در این باره بمسئله علاج قطعی یا درمان ناپذیری سفلیس موکول می گردد چه این نکته مسلم است که اگر مریض سفلیسی بطور قطع شفا یابد و از بهبود خود اطمینان کاملًا " حاصل کند هیچ چیز مانع از آن نیست که اقدام بازدواج و تولید نسل بنماید ولی در غیر این صورت چون همسر خود را مبتلا نموده و فرزندان معیوبی بجامعه تحویل میدهد و خود نیز در تأمین آسایش زندگی زناشوئی و انجام وظائف خانوادگی با عدم موفقیت مواجه میگردد باید بکلی از ازدواج محروم شود.

متأسفانه تشخیص این موضوع که مریض سفلیسی بعد از مدتی مداوا بطور قطع معالجه شده یا نه کار آسانی نیست زیرا گاه اتفاق میافتند که بعد از یک دوره معالجه ظاهراً " مریض شفا مییابد ولی بعد از سالها تندرستی ناگهان مرض عود کرده تولید عوارضی از قبیل فلج یا ضعف قوا یا امراض قلب و کبد و کلیه مینماید و حیات بیمار را بخطر میاندازد. بنابراین برای حصول اطمینان از دفع هر گونه عوارض آنی و آتی باید شخص مبتلا بسفلیس تحت معالجه جدی و منظم و ممتد قرار گیرد.

طول مدت معالجه بر حسب آنکه مریض در آغاز بیماری یا در دوره دوم تحت مداوا واقع شود متفاوت است اگر معالجه از بدو بروز شانکر اولیه شروع شود باید مدت یک سال الی هیجده ماه ادامه یابد و چنانچه در دوره دوم آغاز گردد مدت مداوا دو سال الی دو سال و نیم است.

بعلاوه مریض ضمن معالجه برای حصول اطمینان از بهبود تدریجی خود باید بتجزیه خون و مایع نخاعی نیز اقدام نماید.

تجزیه خون ابتدا هر شش ماه یکبار و سپس سالی یک بار و تجزیه مایع نخاعی لااقل یک بار در پایان معالجه ضروری است.

در مورد زنان سفلیسی باید معالجه با جدیت و مراقبت بیشتری انجام گیرد زیرا زن در اصلاح یا فساد نسل بیش از مرد مدخلیت دارد چه مدت نه ماه جنین را در رحم خود میپروراند و در این مدت دستگاه گردش خون او با جنین ارتباط دارد و بدیهی است اگر کوچکترین اثری از میکروب سفلیس در خون او باشد کودک از عوارض آن مصون نخواهد ماند و روی این اصل زنان مبتلا بسفلیس پیش از ازدواج باید لااقل مدت سه سال جدا " تحت معالجه قرار گیرند و بعد از ازدواج مخصوصاً " در دوره آبستنی نیز از معالجه و معاینه

خود غافل نباشند .

سوزاک نیز در زندگی زناشوئی اثرات بسیار نامطلوبی میبخشد و هر چند مانند سفلیس برای نسل خطرناک نیست ولی نمیتوان از عواقب آن غافل گردید چه افراد مبتلا باین بیماری در صورت ازدواج همسر خود را نیز مبتلا نموده و حتی بسیاری از آنها از نعمت داشتن اولاد محروم میمانند . از اینرو بیماران سوزاکی نیز قبل از حصول اطمینان کامل از معالجه قطعی و کسب اجازه از پزشک معالج خود نباید اقدام بازدواج نمایند .

جلوگیری از بیماری‌های مقاربتی

برای جلوگیری از بیماریهای مقاربتی طرق و وسائلی وجود دارد که اگر بدقت مورد توجه قرار گیرد تاثیر بسیار نیکو بخشیده سرایت سفلیس و سوزاک را بمیزان قابل توجهی محدود مینماید . البته ذکر این طرق و وسائل دلیل بر آن نیست که مطالبی که سابقاً " درباره لزوم رعایت پرهیزگاری در امور جنسی گفته شد ارزش عملی نداشته و با بکار بستن این طرق هرگونه ارتباط جنسی قابل اغماض میباشد لکن چون نمیتوان شرح فوائد عفاف و پرهیزگاری را کافی برای حفظ کلیه جوانان از لغزش و سقوط در دامهای فریبنده دانست از اینرو ناگزیر باید طرق جلوگیری از بیماریهای مقاربتی را نیز

تشریح نمود .

برای مصونیت از این امراض دو طریق میتوان بکار بست
اول کاپوت دوم استعمال داروهای ضد عفونی
کاپوت عبارت از غلاف لاستیکی بسیار نازکی است که
قبل از مجامعت آنرا بر بدنه قضیب میپوشانند و وسیله اطمینان
بخشی برای جلوگیری از سرایت میکروب امراض میباشد ولی
چنانچه خیلی نازک باشد .

در اثر مالش بجدار مهبل ممکن است پاره شود و در
این صورت اثر آن زائل خواهد شد .

کاپوت در عین حال که وسیله‌ای برای مصونیت از امراض
مقاربتی است از آبستنی نیز جلوگیری میکند چه منی را در
خود نگاه داشته مانع نزدیک شدن آن بتخمدان زن میگردد
و از اینرو در روابط زناشوئی جز در صورت لزوم منع آبستنی
استعمال آن جایز نیست .

از جمله داروهای ضد عفونی روغن مچنیکوف است که
صدی سی و سه آن کالومل میباشد و باید بلافاصله بعد از
ارتباط جنسی بآلت تناسلی مالید ولی چون استعمال این
دارو غالباً " بلافاصله بعد از مقاربت میسر نیست و بعلاوه باید
مدت مالش هم زیاد باشد از این جهت چنانکه باید مورد
استقبال قرار نگرفته است .

وسيله ديگري كه براي ضد عفوني كردن آلت تناسلي بكار

می‌رود سالواتیل است و آن عبارت از آبدزدکی است مرکب از سه لوله که دوتای آن محتوی پرتوکلرور جیوه سبک و اسید تیمیک و سومی حاوی یک نوع کرم کننده میباشد.

این دارو را باید در ظرف ۱۲ ساعت بعد از انجام عمل وارد مجرا نمود ولی میتوان آنرا قبل از مجامعت نیز بکار برد و در این صورت بعد از نزدیکی اگر در استعمال آن تاخیری روی دهد اشکالی نخواهد داشت.

دخول این مایع بمجرا تولید احساس گرمی و سوزش مخصوصی میکند که نباید از آن مضطرب گردید چه این سوزش علامت آنست که مایع با عمق مجرا نفوذ کرده است. علاوه بر استعمال داخلی باید سر قضیب را هم بآن آلوده ساخت و در صورتیکه خراش یا زخمی روی بدنه قضیب باشد مالش داروی مزبور در آن قسمت ضروری است.

روغن سالواتیل گذشته از آنکه در آلت تناسلی استعمال میشود برای خراشهای جلدی یا مخاطی سایر نقاط بدن نیز قابل استفاده بوده مانع ورود میکرب سفلیس و سوزاک بآن نقاط میگردد ولی بهتر است قبل از استعمال آن در روی جلد محل خراش را کمی با بزاق آلوده نمایند این پوماد نخستین بار در سال ۱۹۲۵ میلادی در فرانسه مورد آزمایش قرار گرفت و نتایج خوبی از آن گرفته شد و بعدها نیز استعمال آن در همه جا شایع گردید.

اخیراً " داروی موثر دیگری کشف شده که استوار سل نام دارد و در جلوگیری از سفلیس حائز اهمیت فراوان است. این دارو بشکل قرصهای کوچکی ساخته میشود که آنرا باید خورد و تاثیر آن بحدی است که اگر ۱۵ تا ۲۰ روز هم بعد از ارتباط جنسی استعمال شود اثر میکروب سفلیس را در بدن خنثی مینماید .

قاعدگی چیست ؟

قاعدگی که نام عملی آن *catamenia* است عبارت از خروج مقداری خون و مواد دیگر از آلات جنسی زن است و از هنگام بلوغ وی تا دوران تغییر حیات وی که معروف به یائسه شدن است قاعدگی ادامه دارد هر جریان خون وقتی انجام میگردد دلیل آنست که زن هنوز آبستن نیست شاید هیچیک از عملیات اعضاء بمیزان جریان خون مزبور فکر زن و شوهر را بخود مشغول نمیدارد ، در طول قرون متمادی این واقعه اساس قوانین و چه بسا اوقات اوهام گوناگون بوده است تا در حدود یکصد سال پیش گروه بیشماری عقیده داشتند که کره ماه در این امر اثر شایانی دارد .

از جمله دکتر مید *mead* یک طبیب انگلیس که در قرن هیجدهم معروفیت بسزائی داشت درباره اثر کره ماه بر دوران قاعدگی زنان چندین رساله نگاشته است . حتی در این روز

هائی که مازندگی میکنیم عقاید عجیب و غریب و گوناگون در مورد قاعدگی وجود دارد . شاید مکرر شنیده شده باشید که قطع شدن جریان خون قاعدگی باعث بدبختی زن میگردد و یا باعث ناخوشیهای خطرناک از جمله سل ، کسالت قلبی و یا حتی جنون میگردد .

البته از لحاظ علمی گاه اتفاق افتاده که کسالت‌های مانند اختلاف در لگن خاصره ممکن است باعث توقف جریان خون ماهانه نان شود ولی مسلماً " قطع شدن جریان خون مزبور باعث کسالت‌های جسمانی نمیشود همینطور گروهی دیگر را عقیده براین است که اگر تخمدان آنها یا فرج آنها برداشته شود و یا بترتیبی دیگر جریان خون ماهانه آنها قطع شود ، خونی که بدن میخواهد خارج کند بمغز روی آورده و باعث اختلالات مغزی میشود .

قاعدگی یک عمل بسیار طبیعی است که مربوط بعمل تخمدان یا تخمها مثمر شدن تخمها یا شکست آن است . در ممالک متحد امریکا و کاناداسن شروع قاعدگی در حدود چهارده سالگی تعیین شده است .

شخصی بنام انگلن در این مورد جستجو میکرد پس از آنکه بیست هزار نفر را مورد مطالعه قرار داد بنتیجه بالا رسید .

نویسنده مزبور در مورد سن قاعدگی زنانی که از شمال

شرقی امریکا تا جنوب غربی امریکا زیست می‌کردند اختلاف بسیار جزئی مشاهده کرده‌است. سابقاً " فکر می‌کردند که هوا مقام بزرگی را در موقع قاعدگی زنان بازی می‌کند ولی امروز آنچه ثابت شده اینست که نژاد در این مورد مقام قاطعی را بازی می‌کند مثلاً " طبق تحقیقاتی که بعمل آمده دختران سومالی واقع در منتهالیه جنوب شرقی آسیا در سن شانزده سالگی قاعده میشوند در صورتیکه اگر هوامیبایست اثر قطعی داشته باشد لازم بود که دختران ساکن سومالی در سن خیلی کمتر از دختران امریکا قاعده گردند .

از طرف دیگر ساکنین نواحی قطبی معروف بهندیهای آن ناحیه در سن دوازده سال و نیمگی قاعده میشوند ، اگر قرار بود هوا و زمین تأثیری در این امر داشته باشد میبایست دختران ساکن نواحی قطبی در سن خیلی بیشتر از ساکنین سومالی بحد بلوغ برسند . در هندوستان معمولاً " دختران در سن دوازده سالگی برای اولین بار قاعده میشود .

از طرف دیگر باید گفت که عوامل گوناگون دیگر تأثیرات بسیاری در این چیزها دارند . طرز تغذیه ، محیط ، عوامل اقتصادی عوامل موروثی هر یک جداگانه و مشترکاً " در تاخیر یا تسریع قاعدگی موثر است . دختری که در شرائط بسیار راحت زندگی میکند و در محیطی زیست می‌کند که وسایل آسایش و حتی لوکس برای وی فراهم است بدون تردید آماده آنست

که خیلی زودتر نسبت بخواهرش که فقیر است و مجبور بکار های سخت در ساعت های متمادی میباشد قاعده گردد و بطور کلی ساعت کار بسیار و در شرائط سخت و غیر صحی ممکن است قاعده شدن را بتاخیر و تعویق اندازد .

تقریبا "یکسال طول میکشد تا نظم قاعدگی در دختری که وارد آن مرحله شده بدست آید . پس از آنکه دختری برای اولین بار قاعده شد احتمال دارد که قاعدگی های بعدی در فواصل غیر منظم انجام پذیرد پس از آن حدود یکسال فواصل قاعده شدن وی منظم تر میشود .

قاعدگی در اکثر زنان سالم بطور منظم جریان خود را دارد و بهمین دلیل است که آنها هم دوران قاعدگی — از قاعده و نظم — میخوانند . اینکه دوران مزبور بیست و یک ، بیست و هشت یا سی و پنج روز بهیچوجه در اصل موضوع تاثیر ندارد . اهمیت موضوع در این است که آیا این نظم یا قاعده در مورد زن بوجود است یا نه ؟

اگر زنی پس از آنکه مدتها در مواقع معین قاعده گشت یکمرتبه در مواقع مزبور تغییری روی داد تردیدی نیست که امر غیر عادی بدون دلیل موجه دوران قاعدگی زن را عوض نمیکند بنا براین زنان باید در باره " قاعده " خودشان بسیار بیدار و مراقب باشند .

نوع فواصل در قاعدگی از این حیث که چند روز است

از زاویه‌ای که ما این موضوع را مطالعه میکنیم دارای اهمیت نیست ولی اینکه آیا این فواصل منظم است یا نه از لحاظ ما شایان اهمیت است .

دوران خروج خون نیز در مورد هر زن فرق میکند . مثلاً " بعضی از زنان فقط دو روز خون می‌بینند و بعضی دیگر هفت روز و هر زن را باید سالم دانست بطور کلی اگر دوران جریان خون بین چهار یا پنج روز کمتر و یا از هفت روز بیشتر شد باید ویرا غیر عادی و خارج از عرف معمول دانست .

مقدار خونی که خارج میگردد البته درباره هر زن فرق میکند . از لحاظ علمی در این مورد باید گفت که مقدار خونی که خارج میگردد و معمول است شایان توجه نیست ولی اگر در میزان و مقدار آن تغییری پس از مدت زمانی روی داد باید مورد توجه قرار گیرد . بمعنای دیگر در میزان خون که خارج میگردد نیز اگر ثبات باشد مهم نیست اما اگر مقدار مزبور بطور غیر عادی زیاد و کم شود جای توجه و دقت است .

معمولاً " در روز اول قاعدگی مقدار خون کم است و در روز دوم خیلی بیشتر میشود . حتی گاه دیده شده که جریان خون مدت بیست و چهار ساعت یا بیشتر قطع گشته و سپس ادامه یافته است .

جریان خون از آلات تناسلی زن تنها علامت و یگانه

دلیل قاعدگی نیست در اکثر زنان چندین روز قبل از روز قاعدگی علائم دیگری از قبیل درد یشت ، سردرد ، تغییر در ترشحات غدد دهان یا کسالت و ناراحتی عمومی ، عصبانیت کسالت روحی و خستگی دماغی و در بعضی موارد بخصوص حتی علائم خارجی از قبیل بعضی شکافها در پوست دیده می شود . زنان خود با این علائم قبلی آشنا هستند و میدانند که مربوط بقاعدگی آنان است . این علائم بعضی اوقات در روزهای اول یا دوم قاعدگی یعنی پس از جریان خون هم ادامه مییابد .

علاوه باین ممکن است زن یکنوع سوزش یا ناراحتی در مجرای درد احساس نماید درست قبل از موقع جریان خون ضربان قلب ، حرارت بدن و حتی فشار خون قدری بالا می رود . در هنگام قاعده شدن همه نکات مذکور ممکن است پیش آمد کند ولی پس از آنکه قاعدگی تمام شد وضع بحال اول باز میگردد .

سختی و ناراحتی علائم قاعده شدن در مورد هر زن فرق میکند و گاه در مورد زنان سالم نیز پیش می آید . تعداد زنانی که قبل از قاعدگی و یاد دوران آن هیچگونه ناراحتی ندارند بسیار کم است و همینطور تعداد زنانی که یکی دو روز قبل از قاعده شدن و یا در دوران آن مطلقاً " قادر بحرکت نیستند نیز بسیار کم میباشد .

ممکن است تحریک فکری مخصوصاً " ترس بسیار یا اضطراب فراوان در قاعدگی تاثیر فراوان داشته باشد . اخبار ناگهانی ممکن است جریان خون را چند یا چندین روز بتعویق اندازد .

یکی از اطباء بنام گواپوز در این باره چنین اظهار نظر کرده است . " در مورد زنانی که بطور عادی و منظم قاعده میشوند جریان خون پس از آنکه شروع شد ممکن است در اثر یک تحریک عصبی یا هر نوع تحریک شدید قطع گردد یا آنکه ترتیب قاعدگی را بکلی عوض کند . "

در مطب ها و کلینیک های متخصص در کسالت و امراض زنان اکثراً " این آزمایش انجام شده که زنانی که دارای دوره قاعدگی منظم هستند در اثر انتظار یک عمل جراحی یا بعد از آن نظم قاعدگی خود را از دست داده اند . همچنین بکرات اتفاق افتاده قاعده زنانی که مدتها تحت تاثیر ترس از آبستنی بودند یا آنکه در انتظار آبستنی بسر برده اند بکلی مختل گشته است . طبق اظهارات عده ای از اطباء مکرر پیش آمد کرده است که زنی در اثر دریافت خبر ناگهانی بکلی یکماه قاعده ندهد یا قاعده شدن وی مدتها بتعویق افتاده باشد . بطور کلی خون قاعدگی با اصطلاح منعقد و یا (بسته نمیشود) و علت آنرا مربوط بحضور بعضی میکروبهای غیر مضر در غدد اطراف فرج میدانند . بشکل نادر اتفاق افتاده

که خون مزبور منعقد شود و اگر چنین اتفاقی روی دهد دلیل آنست که جریان غیر عادی در بدن موجود میباشد.

مادر این فصل از دوران قاعدگی صحبت کردیم زیرا بطور کلی زن سالم در دوران مشخصی قاعده میشود. این دوران را بمراحل گوناگون تقسیم کرده اند.

مراحل دوران قاعدگی مربوط بتغییرات در غدد ترشحی اطراف رحم است.

مراحل مربوط عبارت است از اول قاعدگی دوم حالت تولید و تولد سوم فاصله یا مرحله استراحت چهارم مرحله قبل از قاعدگی یا مرحله انعقاد (Cengestion)

در مرحله قاعدگی تغییرات مخرب در غدد اطراف رحم و رگهای پر خون آن باعث خروج خون از تمام غدد ترشحی اسفنجی میگردد. در این جریان خون گلوبولهای سفید و قرمز ترشحات رحم و لوله‌های حامل تخم میکروبه‌های دیگر که بعضی از آنها حامل ناخوشی است دیده میشود. مقدار این خون البته قابل تغییر است هیپوکرات مقدار آنرا بیست اونس. فون هالر شش تا دوازده اونس. اسملیس چهار اونس و بسودلوک سه تا چهار اونس دانسته ولی در حقیقت تعیین مقدار آن بطور صحیح معلوم نیست (هر اونس در حدود بیست و هشت گرام است).

بلافاصله پس از قاعدگی اطراف رحم نازک میگردد.

سلول های جدیدالوده خیلی پائین هستند ولی هرچه وقت بیشتر بگذرد این سلول ها بالاتر میروند غدد تناسلی در این موقع منقبض و جمع میشود این مرحله که پس از قاعدگی روی میدهد در حدود چهار یا پنج روز بشکل عادی طول میکشد . و بطور ملایم وارد مرحله سوم میشود که بمرحله فاصله زمان یا مرحله راحتی معروف است .

مرحله مزبور در حدود ده روز یا دو هفته بطول میانجامد آهسته آهسته هرچه این مرحله بطول میانجامد رفته رفته تمرکز خود آغاز میگردد . غدد رفته رفته شکل مارپیچی بخود میگیرند و وسیع تر میشود . پس از چندی این تغییرات زیادتر میشود غدد منبسطتر و مارپیچ تر میشود ولی هیچگونه ترشح از این غدد موجود نیست

آهسته آهسته ترشح غددی شروع میشود . این مرحله حاضر شدن رحم است . داخل رحم ضخیم و مخملی شکل میگردد و بدین ترتیب داخل رحم خود را آماده برای دریافت تخم میکند .

فعالیت غدد رحم شروع میشود . رحم را ممکن است در این موقع به پرنده های تشبیه کرد که مشغول بنا کردن لانه ای است . در این وقت رحم وارد عمل شده و برای طفل آینده خانه اش را حاضر مینماید . وقتی تخم مسافرت خود را آغاز میکند گوئی دستوری بر رحم داده میشود که جائی تهیه نماید

تا اگر تخم بارور گردد محلی برای نمود خویش داشته باشد .
 وقتی تخم بارور گشت گوئی دستوری به **Corpus luteum**
 صادر میگردد و یک تختخواب حقیقی حاضر میشود . بطور
 عادی در دوران آبستنی قاعدگی قطع میشود . ولی اگر با
 اسپرماتوز برخوردی ننماید دستوری به زهدان (**uterus**)
 صادر میگردد و این عضو تخمی را که آماده کرده بود بخارج
 پرتاب مینماید و این قاعدگی نام دارد و بدین ترتیب است
 هر قسمت از مراحل که در بالا ذکر کردیم .
 کما بیش در مدت معین و خاصی انجام میگیرد ، گوا اینکه ممکن
 است گاه خطوط قطعی و شاخصی در بین مراحل معین موجود
 نباشد .

بدین ترتیب مشاهده شد که چگونه طبیعت وسائلی بر
 میانگیزد که نوع بشر به نسل خود ادامه دهد .
 عمل قاعدگی برای مدتی تقریباً در حدود سی و سه سال
 ادامه دارد و این عمل مرحله باروری هر زن است . همانطور
 که قاعدگی از دختر جوان شروع میکند همانطور هم در حدود
 سن چهل سالگی در زن خاتمه پیدا میکند . وقتیکه دوران قاعده
 شدن یک زن خاتمه یافت وی در مرحله ای وارد شده که آنرا
 تغییر حیات یا دوران یائسگی میگویند . چندین سال قبل و
 بستر تعریف زیر را از این مرحله حیات زن کرده است :
 " در کشورهای معتدل دوران یائسگی در پنجاه در صد

زنان بین سن چهل و پنج و پنجاه شروع میشود . در بیست و پنج در صد موارد بین سن چهل و چهل و پنج ، در دوازده درصد ونیم بین سی و پنج و چهل و در دوازده در صد ونیم بین پنجاه و پنجاه و پنج . " البته این نظریه مربوط بزنان عادی و معمولی است .

اگر سن بلوغ زود شروع شده باشد دوران یائسگی دیر تر شروع میشود گفته شده است که تولد اولاد تاثیر خاصی در زمان یائسه بودن زن دارد . هرچه طفل بیشتر گردد زمان یائسه شدن زن این تمایل را دارد که دیرتر واقع شود . وضع اجتماعی و شرائط حیات زن در زمان یائسه بودن تاثیر فراوان ندارد گویا اینکه گفته شده است زنانی که کار میکنند و در شرائط سخت تری تحصیل معاش مینمایند خیلی زودتر از زنانی که کار میکنند و در شرائط راحتتری زندگی میکنند ممکن است یائسه شوند . وقتی بود که گفته میشود چاقی زن و قطع شدن دوران قاعدگی وی علت و معلول یکدیگر هستند ولی امروز ثابت شده که قطع جریان خون قاعدگی و چاقی که در دوران یائسگی ظاهر میگردد هر دو معلول بعضی شرائط عددی هستند که در بدن وجود دارند ولی دارای مجرا نبوده و ترشحات آن عدد بطور مستقیم وارد خون میگردد .

بعضی اطبا را عقیده بر آنست که تغییر زندگی زن یا دوران یائسه بودن وی یک مرحله بحرانی و حساس حیات بشمار

می‌رود که گاه خطرانی هم در بر دارد ولی بطور کلی میتوان گفت که در میان زنان سالم این مرحله باندازه مرحله بلوغ ناراحتی میشود. و اینکه گفته میشود خطر جنون برای زنان در این هنگام هست صحیح نمیباشد. تصور گروهی این است که گرفتن خون در این موقع از زنان یائسه مفید است زیرا که نمیگذارد خونی که باید خارج گردد وارد مغز شود. این تصور بکلی باطل است. گرفتن خون یا رفتن خون از بدن در این هنگام علامت بدی است و باید در صورت وقوع بطیب مراجعه کرد.

قطع قاعدگی را باید یکی از علائم تغییرات حیات یا یائسه بدن زن دانست. لی بهر حال برای زن این یک علامت اساسی بشمار می‌رود. بعضی از زنان از زمان یائسه شدن خود بیم دارند در صورتیکه زنان دیگر در انتظار آن بوده و فکر میکنند که دوران یائسه بودن بهترین دوران حیات آنان است. در بعضی از زنان دوران قاعدگی بطور ناگهانی قطع میگردد و دیگر دیده نمیشود ولی تربت آن اینست که دوران قاعدگی آهسته آهسته قطع شود و در موارد اخیر زن یک دو یا سه ماه قاعده نمیشود بعد دوباره قاعده میشود. هرچه زمان میگذرد فواصل بین ماههای قاعدگی بیشتر میشود و مدت جریان خون کمتر میشود. سپس بکلی دوره قاعدگی از بین می‌رود و در این وقت است که گفته میشود زن وارد مرحله تغییر

حیات شده است .

یک علامت مهم دیگر که اکثرا " باعث مزاحمت زن است و بعضی اوقات غیر قابل تحمل میشود با اصطلاح امریکائی " جریان خون گرم " میگویند . این جریان خون بمناسبت یکنوع بیترتیبی در وریدها است که بعضی اوقات باعث درد گردن یا سرویا سینه میشود .

در بعضی از زنها اثر آن از پانزده تا بیست و پنج روز بطول میانجامد . سرمریض یا گردن وی و گاه هم سینه وی سرخ میشود و در تمام بدن احساس گرمای فوق العاده میکند بطوریکه گرمای مزبور حالتی شبیه خفقان قلب برای مریض ایجاد میکند و پس از این مدت مریض بسختی عرق میکند . در این وضع زن بدنبال هوای خنک میرود و حتی در سردترین روزهای زمستان پنجره را باز کرده و نزدیک پنجره میایستد . اغلب این حالت هنگام شب بروز میکند و باعث بیخوابی می شود و زن را عصبانی و ناراحت می سازد .

کسالت دیگری هم در این سن عارض میشود که آنرا (فواره حرارت) میگویند . این حالت شبیه حالتی است که در موقع خواب رفتن یکی از اعضای بدن روی میدهد و زود می آید و زود میرود .

در هنگام یائسه بودن معمولا " فشار خون زنان بالا میرود . و همچنین در چنین وضعی دچار ضعف یا غش میشوند

یا آنکه سردردهای مزمن پیدا میکنند که زندگی را برزن حرام میسازد. محل این درد اغلب در پشت سر واقع است. تپش فراوان قلب و ناراحتی قلبی هم اکثراً " با حالت یائسه بودن توام است.

حالت ناراحتی و یکنوع سوزن سوزن شدن بدن ممکن است در این وقت بسیار مزاحم گردد. بعضی اوقات این حالت خواب رفتن اعضا ممکن است شامل تمام بدن گردد و یا آنکه فقط شامل اعضای تناسلی زن شود.

در آغاز بلوغ ممکن است دختر ناراحت باشد و وضع سیستم اعضای وی هم غیر ثابت میشود. عین همین واقعه ممکن است در پایان دوران قاعدگی وی پیش آمد کند. و در آغاز دوران یائسه شدن زن اغلب یک وضع ناراحت عصبانی و ناجور دارد و ممکن است مراحل ضعف و یک حالت شکست روحی داشته باشد.

در این وقت در روده و معده زن اعتشاشاتی دیده می شود. ولی حالت یائسه بودن باعث کسالت‌های گوناگون مانند زخم معده و یازخم روده یا خارش اعضای تناسلی زن نمیشود و حتی میتوان گفت که در حدود سن پنجاه سالگی همان ناراحتیها در مردان هم دیده میشود و مخصوص زنان نیست. در دوران یائسه شدن زن تغییرات دیگری از قبیل بعضی شکافها در پوست بدن ظاهر میشود گاه انواع کسالت‌های جلدی

در این موقع دیده میشود

قطع جریان خون ماهانه بهیچوجه من الوجوه اثری در احساسات و غرایز جنسی زن از جهت میل وی بجنس مقابل ندارد و نه فقط میل جنسی زن در این سن کمتر نمیشود بلکه در حقیقت میتوان گفت که اکثرا " بشکل محسوسی افزایش می یابد .

کوریه در این باره نظریه جالبی ابراز میکند و چنین می نویسد :

(همه آن اموری که بتوسعه و تقویت بدن زن کمک می کند و ویرا نسبت بناگواریهای معمولی زندگی بی اعتنا میکند و باعث میگردد که خود را بیشتر فراموش کند در هنگام بروز حالت یائسه بودن بسیار طبیعی و معمولی است .

پس از اتمام دوران مثمر بودن آلات تناسلی زن از جهت اندازه و مخصوصا " غدد داخلی وی کوچکتر میگردد و شکل هلو بخود میگیرد . اندازه رحم تا به نسبت نصف یا یک سوم چروک میخورد و منقبض میگردد و همچنین است درباره سایر اعضائی که مربوط به تخمدان میشود .

بعضی از زنان درباره این مرحله مهم حیات نه فقط اطلاعات بسیار ناقص دارند بلکه مرتکب اشتباهات فراوان میگردند و تصور میکنند که غیر ممکن است در دوران یائسه بودن آبستن شدو بهمین دلیل است که گروه بسیاری از زنان

که تا قبل از این حالت مراقب آبستن شدن خود هستند و بوسائل گوناگون جلوگیری میکنند احتیاط را کاملا " از دست میدهند و بتصور اینکه غیر ممکن است آبستن گردند ، چیزی نمیگذرد که آبستن میشوند . البته بعد از آنکه دوران یائسه شدن کامل گردید آبستنی غیر ممکن است ولی تا وقتیکه تخم تولید میگردد آبستن شدن کاملا " امکان پذیر میباشد .

از لحاظ علمی ممکن است که زن در دوران یائسه بودن آبستن شود اگر چه این احتمال بسیار کم است .

دوران یائسه بودن یعنی زمان از آغاز تا ختم آن در بین زنان فرق میکند . در بعضی زنان دوران یائسه بودن پس از یکسال تکمیل است در بعضی دیگر تا سه سال و گاه تا پنج سال طول میکشد . اشتر و درو که در این باره مطالعه بسیار دقیقی بعمل آورده میگوید دوران تکمیل آن یکسال و اندی است ولی بنظر عده ای دیگر از اطبا دوران متوسط تکمیل آنرا باید دو سال دانست .

اگر ما در باره دوران یائسه بودن زن یک فصل کامل این کتاب را اختصاص دادیم نه بدان دلیل است که ارتباط بسیاری با دوران قاعدگی زن و یا دوران مثر بودن وی دارد بلکه بدان جهت است که تعداد قلیلی از زنان در این باره اطلاعات کافی دارند . ما حس میکنیم که بدین ترتیب خواننده کتاب اطلاعات بیشتری درباره آبستنی در تمام دوران حیات زن و نه فقط در دوران قاعدگی بدست می آورد .



نا توانی جنسی

روابط جنسی یکی از مسائل مهم پزشکی اجتماعی است که هرچه در آن بحث شود کم است. چون اغلب خوانندگان در مقابل سوءالات میمانند ما این مقاله را بطور مفصل مینویسیم تا با دقت مطالعه نمایند. شرح پائین را از مجلات بهداشتی فرانسه که بشکل سؤال و جواب با یک نفر پزشک معروف و متخصص بنام دکتر ب... مطرح شده است ترجمه و اقتباس نمودیم. این مقاله مخصوص بزرگسالان میباشد بعضی از کلمات و اصطلاحات مربوط به روابط جنسی بطور آشکار و بی پرده ذکر و بیان شده است تا کاملاً قابل فهم باشد.

آقای دکتر شما که تا حال هزار بیمار را معاینه کرده‌اید خواهشمندم شرح دهید اشکال ناتوانی جنسی کدامند؟

— اقسام آن زیاد است ولی بهتر است از نوعی شروع کنیم که در واقع بیماری نیست و روزی نمیشود که چند نفر از این قبیل اشخاص به ما متخصصین رجوع نمایند، مثلاً "چند روز قبل شخصی که خیلی جوان بود با یک نگرانی شدید

بمن رجوع کرد و اظهار داشت " آقای دکتر نمیدانم چه شده است که دیروز برای اولین بار این حالت برایم پیش آمد " گاهی شوهرها شکایت دارند که پس از چندین ماه یا چندین سال که با زن خود روابط جنسی کامل داشته‌اند یکدفعه عوض شده دیگر قادر نیستند تکالیف زناشوئی را انجام دهند .

پاره‌ای اوقات عشاق به همین درد مبتلا هستند یعنی پس از مدتی که آرزوی ملاقات طرف را داشته‌اند پس از اینکه موفق به دیدار معشوقه خود میشوند نمیتوانند از وجودش متمتع گردند و غیر از خجالت و افکندگی برای آنها چیزی باقی نماند .

این حالت که اغلب تکرار میشود بیشتر نزد مردان خیلی جوان بروز میکند علت اینکه از این باره زیاد نگران میشوند آن است که نمیدانند این امر زود گذر و موقتی است و فکر میکنند تنها مردی بوده‌اند که بآن مبتلا شده‌اند .

باید تمام جوانان بدانند و این موضوع را به رفقای خود اظهار دارند که این پیش آمد یک حالت فیزیولوژیکی یعنی طبیعی است و کسی نیست که یکدفعه در عمرش دچار آن نشده باشد . خستگی جسمی یا روانی ، غم و غصه ، اضطراب خیالات — عامل این حالت بوده ممکن است آن را شدت دهند . آیا کسی وجود دارد که در زندگی یکدفعه اشتهايش بغذا

کم نشده و یا دچار بیخوابی نگشته و تمام شب را نخوابیده باشد؟

پس با شرح و مثال فوق موضوع عدم امر وظیفه زناشوئی که گاهی پیش میآید ابداً " جزو بیماری محسوب نمیشود .

ناتوانی های مختلف

- آقای دکتر پس ناتوانی جنسی حقیقی کدام است؟
- ناتوانی جنسی کاملاً " حقیقی بسیار نادر است ولی وجود دارد مثلاً " بعضی از پسران با وجود اینکه سالم هستند در سن بلوغ آن احساسی که سایرین در این سن دارند و کاملاً " طبیعی است ندارند و از نظر فیزیکی هم عضو آمیزشی تحریک نمیشود و اساساً " فکر رابطه آمیزشی در جسم و روان آنها وجود ندارد — این جوانان از نظر صور ظاهر خیلی فرجه بوده و پوست نرم دارند علاقه به ورزش و کار ندارند .
- اگر این حالت بعلت تاخیر بلوغ باشد که ۱۴ تا ۱۸ سالگی پیش میآید چندان مهم نیست چون ابداً " فرق ندارد که شخص در سن ۱۴ یا ۱۸ بالغ شود ولی اگر از این تاریخ بگذرد اسباب نگرانی است و ابداً " طبیعی نیست که مثلاً " شخص در سن مشمول نظام وظیفه بحد بلوغ برسد .
- آیا ممکن است این حالت تمام عمر ادامه داشته باشد؟

— بلی — مردانی وجود دارند که تمام عمر رابطه جنسی نداشته و هوس آن را هم نگرده‌اند و بهمین جهت ممکن است انحراف جنسی پیدا کرده مثلاً " (مغمول) شوند . چون غیر از این چاره نداشته‌اند .

— آیا این ها را میشود جزو خواجه‌ها محسوب کرد ؟

— خیر — در خواجه‌ها نقص اعضاء آمیزشی وجود دارد (از روز تولد یا بعداً " بعلت حادثه و قطع کردن) در صورتی که در طبقه فوق اعضاء آمیزشی کلاً " سالم و طبیعی میباشند فقط نقصی در انجام وظیفه میباشد بهر حال همانطور که در بالا اشاره کردیم این حالت نادر است و همانطور که در پائین ذکر خواهیم کرد ممکن است علاج پذیر هم باشد .

بین این دو حالت یک نوع دیگر هم وجود دارد که یکدفعه در شخص عارض میشود که درجات مختلف دارد و عده زیادی بآن مبتلا هستند مثلاً " شخصی که همیشه توانائی جنسی طبیعی داشته یکدفعه قادر به انجام نیست ، این حالت محرومیت قطعی نبوده بلکه جزو بیماری هائی است که قابل درمان میباشد .

— آقای دکتر آیا این حالت زیاد است ؟

— خیلی بیشتر از آنکه بشود فکر کرد — اولاً " در هر سن و در هر دوره زندگی پیش میآید ثانیاً " اقسام و درجات مختلف داشته که بستگی به سن ، نوع زندگی ، سلامتی و طرز

فکر و روان شخص دارند .

آیا این از همان نوع زودگذر و موقتی است که در بالا اشاره کردید ؟

— خیر چون این قبیل ناتوانی هفته ها بلکه ماهها و گاهی سالها دوام دارد و کم و بیش کامل است گرچه چند وقت در شخص توانائی جنسی ایجاد میشود ولی مجدداً " از بین میرود ، و در بعضیها ابداً " تغییر نکرده و همین وضع ناتوانی ادامه دارد و شما زود خواهید دید که این قبیل ناتوانی ها تا اندازه‌ای بسهولت درمان میشوند .

ناتوانی عینی حقیقی معمولاً " تدریجی است

— نوع دیگری وجود دارد که یکدفعه پیش نمیآید بلکه بتدریج در شخص ظاهر میشود که هوس شخص و فاصله آن کمتر شده تمتع کامل نیست و بهمین نحو جریان دارد تا اینکه بکلی میل و هوس قطع میشود .

در این نوع ناتوانی تدریجی معلوم است سن نقش مهمی دارد و تمایل جنسی مانند تمام وظایف اعضاء دیگر بسا زیاد شدن سن کم میگردد " وظیفه جنسی خلق میشود ، علاوه

میگردد، ثابت میماند، نقصان می یابد" این موضوع در اشخاص بکلی متفاوت است و بستگی به سازمان شخص دارد ما اشخاصی را میشناسیم که پس از ۷۰ سالگی با کمال خوبی قادر به انجام و تکالیف جنسی هستند. ولی بطور کلی کم شدن توانائی که از سن ۵۰ سالگی شروع میشود کاملاً " سالم طبیعی است .

— آیا موضوع بروز یائسگی در مردان هم مانند زنان صحت دارد؟

— نه بآن معنی چون یائسگی زنان ارتباط به قطع شدن تخم گذاری از ناحیه تخمدان میباشد و در مردان این جریان وجود ندارد فقط میتوانم بگویم در آن سن که حدود ۵۰ سالگی است قوای جنسی کم میشود در صورتیکه از نظر فیزیولوژیکی مرد کاملاً " سالم میباشد .

حال اگر مردی در سن ۶۰ سالگی از این بابت شکایت دارد باید بداند که ۹ نفر از ۱۰ نفر بعلت زیادی سن است ولی اگر مرد ۳۰ یا ۴۰ ساله از آن شکایت داشته باشد باید در نقص علت بود تا درمان بعمل آید .

بطور کلی ناتوانی های تدریجی مشکلتر از ناتوانی های اتفاقی درمان میشود با وجود اینها میتوان کمک زیادی کرد . در تمام این موارد باید علت کشف شود پس لازم است یک معاینه پزشکی عمیق و کامل بعمل آید .

عمل آمیزش جنسی عملی حاکی از عشق است

زمانی عقیده عمومی بر آن بود که هر آنچه بر روی تختخواب می‌گذرد میتواند از امور زندگی روزمره زن و شوهر دور باشد .

خلاصه اینکه یک زوج علیرغم عوامل ارتباطی دیگر که سبب ناراحتی شدید آنان می‌گردد میتوانند از آمیزشی لذت بخش برخوردار باشند . همچنین بعضی عقیده داشتند که اگر روابط جنسی لذت بخش نداشته باشند با اینحال از ازدواجی سعادت بار بهره‌ور خواهند شد . این فلسفه سبب شد که شوهران در زمان قدیم (اکنون نیز در برخی از قسمت های جهان) فکر کنند که همسرشان را دوست دارند لیکن جهت ارضای لذت‌های نفسانی به دنبال زنان دیگر می‌باشند .

کارشناسانی که عمیقاً " این فکر را مطالعه نموده‌اند با این تئوری مخالفند . حال به خوبی می‌دانیم روابط جنسی خوب در کلیه شئون زندگی نیز تاثیر خوب می‌گذارد . اگر زوجی اظهار نمایند که زندگی جنسی لذت بخشی ندارند ریشه اشکال کار آنها در این است که نمی‌توانند اختلافات موجود میان مناسبات دیگر خود را از میان بردارند .

روابط جنسی خوب بستگی به این دارد که زن با مرد و مرد با زن روابط حسنه نزدیک داشته باشند. همانطوری که گفتیم، عمل آمیزش صمیمانه ترین عملی است که زن و شوهر بدان مبادرت می‌ورزند. عملاً "دوبدن در یک بدن ادغام می‌گردند - در انجیل آمده است که "آنها دو روح در یک بدن میشوند." - عملاً "غیر ممکن است که دوبدن جز در موقع آمیزش تا این حد به هم نزدیک باشند. مفهوم احساساتی این عمل چیست؟ این موضوع کاملاً "طبیعی است که بخواهیم با کسی که به او عشق می‌ورزیم نزدیک باشیم، و از آنان که دوست نداریم دوری کنیم.

کلیه علائم عشق و دوستی دال بر این اشتیاق است که بخواهیم با آنکه مورد علاقه ماست نزدیک باشیم. بوسیدن در آغوش کشیدن و درونی همگی عرثمی است که نشان می‌دهد میل داریم به آنها که عشق می‌ورزیم نزدیک باشیم.

از طرف دیگر، حدی قائل شدن، دوری کردن، سکوت همگی نشانه عدم دوستی یا علاقه بوده و دال بر اشتیاق به دوری است.

کاملاً پیدا است که در حالت قوق ارتباط جنسی نمی‌تواند حاکی از علائق درون باشد. البته دونفر که هیچگونه احساس عشقی نسبت به هم نداشته باشند نیز می‌توانند به هم نزدیک شوند. ولی وقتی چنین وضعی پیش می‌آید مثل این است دو

مرد که از هم نفرت دارند با هم دست بدهند شاید دست همدیگر را فشار داده و به شدت تکان می دهند لیکن هر دو خوب می دانند که این حالات خالی از نشانه های محبت است .

آمادگی روانی قبل از عمل آمیزش مدت ها قبل از آنکه با هم به رختخواب بروید شروع می شود . این آمادگی هنگامی شروع می شود که تصمیمائی اتخاذ می کنید ، اختلافات مسائل روزانه را بر طرف می کنید و در آن لحظه تنها چیزی که به مغزتان نرسیده همان عمل آمیزش است . پاسخ به سوالاتی ساده چون تماشای برنامه مخصوص از تلویزیون ، شبی را با دوستان گذراندن ، خرج در آمد به خاطر خرید کفش برای یکی از شماها بجای خرید کلاه برای آن دیگری ، همگی بر امیالی که با خود به روی تختخواب می آورید اثر می گذارند . زیرا این حالات امیال جنسی شما را تحت تاثیر خواهند گرفت .

اظهار عشق بخصوص به هنگامی که ارتباط به عمل آمیزش نداشته باشد بسیار موثر واقع می شود . اظهار عشق به هنگام صرف صبحانه ، هنگام خروج از خانه و در موقعیت های مشابه که ظاهرا " هیچگونه ارتباطی به امیال جنسی شما ندارد ، فوق العاده موثر می باشند . این حالات نشان می دهد شخصیت شریک زندگی خود را درک می کنید .

شاید بهترین آمادگی جهت آمیزش لذت بخش ملایمت و مهربانی در مورد مسائل روزمره زندگی است .

میزان این ملایمت و مهربانی بستگی به توقعات و شخصیت شما و شریک زندگی شما دارد . لیکن به ندرت دیده شده است که میزان این محبت‌ها قابل ملاحظه باشد . بهر حال ، در مقابل میلیون‌ها زن که شکایت دارند شوهران جز در موقعی که تصمیم به آمیزش دارند با آنها مهربانی نمی‌کنند ادا دیده نشده است که زنی از شوهرش به بهانه مهربان بودن و محبت کردن تقاضای طلاق کند .

البته این بدان معنا نیست که اختلافات شدید ، قدرت لذت جنسی را در شما تضعیف و یا نابود می‌کند . بطوری که دیده‌ایم اختلافات هنگامی خطرناک هستند که خطر جدایی به همراه داشته باشند . ولی همین اختلافات جزئی گاهی بقدری ضروری و مفید است که فرصتی پیش می‌آورد تا هریک از طرفین از طرز فکر و احساسات آن دیگری با خبر می‌شود . اختلاف عقیده وقتی مورد احترام طرفین باشد نه تنها سبب تضعیف عشق نمی‌شود بلکه آنرا قوی‌تر می‌کند . در حقیقت اغلب زوج‌های جوان ، متوجه شده‌اند که پس از بگو مگو و بعد از آنکه هر دو اذعان نمودند که خیال نداشتند همدیگر را ناراحت کنند ، عمل آمیزش لذت بخش‌تر بوده است . معمولاً زن و شوهر بعد از یک‌بگو مگو می‌توانند بعد حقیقی عشق خود

را بیان کنند و قدرت آن بقدری است که کلید اختلافات را بر طرف می‌کند. در چنین شرایطی پس از عمل آمیزش نزدیکی بیشتری نسبت به هم احساس می‌کنند که خود نشانه دیگری از احساس قوی چنین عملی می‌باشد.

اضطراب جنسی

در سایر موارد زندگی زناشوئی، مثل پول در آوردن نگهداری از خانه و خرید، همیشه مدلی وجود دارد که راهنمای شماست. اگر قبلاً "خانه‌ای را اداره نکرده‌اید، و یا دست به کارهای معمولی نزده‌اید، با اینجالی به کرات این مسائل را دیده‌اید. تصویری در ذهن شما مجسم است که حداقل می‌توانید طبق همان رفتار نمایید و اگر مرتکب اشتباهی شدید می‌توانید از دیگران راهنمایی بگیرید.

روابط جنسی یکی از مراحل زندگی زناشوئی است که هیچگاه قبلاً " ندیده‌اید. در واقع والدین شما احتمالاً " نه

تنها اسرار آنرا پیش شما فاش نکرده‌اند بلکه دقت داشتند که نحوه بر گذار شدن این عمل بر شما پوشیده بماند. گذشته از تجربیات شخصی خودتان به اضافه اطلاعاتی که جهت راهنمایی جمع آوری نموده‌اید هیچ نمونه واقعی ندیده‌اید که بتواند راهنمای شما باشد. در چنین شرایطی هر کسی ممکن است نگران شده و نسبت به خود اعتماد نداشته باشد عروس احتمالاً "سئوالات فراوان از خود میکند. رفتار او با شوهر جدیدش چه باید باشد؟ آیا باید خود را به مسائل جنسی علاقمند نشان دهد؟ آیا علاقه لازم بچه میزان است؟ آیا باید مقابل شوهر لخت شود و یا برهنه شدن او را تماشا کند. آیا باید به مرد اجازه دهد برخلاف میل او به هر کاری که لذت می برد دست بزند؟ آیا باید میزان ترسش را علنی کند؟ اگر از شوهرش بخواهد که ملایم و مهربان باشد او چه کار خواهد کرد؟ آیا بیش از قدرت و توانایی او از وی انتظار می رود؟ آیا خواهد توانست او را راضی نگهدارد؟ آیا رفتارش مورد پسند او خواهد بود؟ آیا او آزارش خواهد داد؟

بسیاری از سئوالاتی که عروس های جوان از خود میکنند از نظر یک فرد با تجربه ابتدائی و ناچیز است ولی از نظر آنان حائز اهمیت است. مدتی وقت لازم است تا بر ترسی که در پس این سئوالات نهفته است چیره شوند. و تا آن زمان روابط جنسی آنان دلخواه و فارغ از قیدها نخواهد بود.

حتی عروس‌هایی هم که قبلاً "تجربیات جنسی داشته‌اند
احتمالاً" نگرانی‌هایی خواهند داشت .

شاید از روابط قبل از ازدواج خود شرم‌منده بوده و نگران
مخفی نمودن آن است . شاید نخواهد شوهرش بفهمد که او
تا چه حدود در اینکار تجربه دارد . شاید سعی دارد به
شوهرش ثابت کند که به او وفادار خواهد ماند .

شوهر جوان نیز ممکن است نگرانی‌هایی نظیر عروسش
داشته باشد . یا شاید بیشتر خود را مردی دنیا دیده و با
تجربه معرفی کرده باشد ، ولی اکنون به این‌می‌اندیشد و
نمی‌داند که مرد با زنش چه رفتاری باید داشته باشد . حالا
که باید باحقیقت روبرو شود ، آیا زنش از عدم اطلاع او در
مورد روابط جنسی باخبر خواهد شد و به عدم توانایی او در
ارضاء همسرش پی خواهد برد ؟ در دوران بلوغش شاید شنیده
باشد پسرهایی که بطریق غیر طبیعی خود را ارضاء میکنند
احتمال دارد قوه مردانگی خود را از دست بدهند . شاید با
اندیشه از دست دادن قوه مردانگی پیش از وقت احساس
وحشت می‌نمایند . از قدرت خویش بین دارد و شاید از انزال
زودتر از موقع هراس داشته باشد . شاید ترس داشته باشد که
نتواند دو یا سه دفعه پی در پی به آمیزش دست بزند و این
ضعف او بشمار می‌رود . از داستان‌هایی که در کوچه و خیابان
شنیده است تصور میکند که تعدد دفعات آمیزش در هر روز

نشانه ثبوت مردانگی است . شاید می‌ترسد که بدین ترتیب نسبت به عروسش خشونت نشان داده و وی را آزار نماید . این‌گونه اضطراب‌ها و نظایر آنها ناشی از عدم اطلاع است . چند روزی نمی‌گذرد که از توقعات طرفین آگاه شده و در آن زمینه فعالیت خواهید داشت و بزودی رفتاری ملایم‌تر ، مطمئن‌تر و آسوده‌تر خواهید داشت . عروس و داماد در روزهای اول می‌توانند نگرانی‌های خود را با هم در میان گذاشته و علناً "و باخوش روئی در آن باره گفتگو نمایند ، زیرا اکنون موقع مناسبی جهت از میان برداشتن اشتباهات نوآموزی است . مهربانی طرفین ، خودداری از عیب ججوئی و وجود توافق و هم‌فکری و تفاهم دو جانبه سبب خواهد شد که زندگی زناشوئی خود را با تفاهم و شیرینی شروع کنید .

جنبه طبیعی امور جنسی

زوج جوان برای اینکه به لذتی دو جانبه دست یابند ضرورتی ندارد که از جزئیات جهاز تناسلی یکدیگر کاملاً آگاه باشند . همان‌طوریکه یک نفر با وجود عدم اطلاع از نحوه تبدیل بنزین به انرژی با مهارت اتوموبیل می‌راند ، زن و شوهر نیز می‌توانند بدون آنکه از کیفیت ساختمان جهاز تناسلی تخمدان و یا سایر اجزاء آن اطلاع داشته باشند بشدت از هم

آغوشی با یکدیگر لذت ببرند . لیکن همانگونه که راننده باید بداند که چگونه سویچ را بچرخاند تا موتور روشن شود و چطور و در چه وضعی از پدال گاز و ترمز استفاده نماید ، زن و شوهر نیز برای آنکه عشاق موفقی باشند باید بدانند که کدام قسمت و چه عضوی از بدن از نقطه نظر جنسی دارای حساسیت زیادتری است و نوازش چه اعضائی باعث شدت تحریک میگردد .

اعضاء قسمت های محرک بدن در زنان و مردان تقریباً " مشخص بوده و عمومیت دارد . فقط احتمالاً " در بعضی افراد پاره های اعضا حساس تر از دیگران بوده و شدت تحریکی که به آن شخص دست میدهد از طریق این اعضا زیادتر است و حساسیت پاره های از اعضا کمتر و ممکن است در مورد افراد دیگری کاملاً " بعکس این باشد . مثلاً " در زنان پستانها و لاله های گوش یا گردن از نقاط حساس است ولی ممکن است زنی در اثر نوازش پستانها شدیدتر تحریک گردد ولی در عین حال بوسیدن و نوازش کردن لاله گوش هم برای او لذت بخش و تحریک کننده است .

ولی زن دیگری از طریق بوسیدن گردن و گوش شدیدتر تحریک میشود تا از نوازش پستانهایش . با آگاهی کلی از اعضا حساس و محرک در زن و مرد هر زن و شوهر میتوانند پس از یک یا دوبار هم آغوشی با دقت بیشتری به شدت یا

ضعف اعضاء محرک یکدیگری برده و با استفاده از این اطلاعات روابط زناشوئی لذت بخش تری بوجود آورند .

مهمترین و حساسترین عضو بدن مرد از نقطه نظر جنسی آلت تناسلی اوست که در حقیقت عضو اصلی به شمار میرود و سایر نقاط حساس بدن نیز رابطی هستند برای تحریک شدن آن . مثلاً " یک بوسه لذت بخش و شیرین یا دیدن بدن عریان یک زن و یا حتی استشمام رایحه عطری که یک دختر استعمال کرده ، در عین حال که خود آنها هر یک برای یک مرد جوان لذت بخش و مست کننده است اکثراً " باعث تحریک این عضو و نعوظ آن میشود . در این موقع خون با شدت بطرف وریدهای زیادی که در ساختمان آن است هجوم می آورد و سبب میشود که از حالت عادی خارج شده طویل تر ، قطورتر ، و سخت تر گردد . این حالت که به آن نعوظ میگویند برای آغاز آمیزش اصلی ضروری است ، چون در این حالت است که میتواند وارد مهبل زن گردد . ضمناً " خود این عضو نیز در مقابل مالش فوق العاده حساس است (به خصوص در ناحیه سر و قسمت زیر) به طوری که نوازش زیاد آن به آن شدت تحریک جنسی ایجاد میکند که باعث انزال میگردد (نقطه پایان آمیزش جنسی انزال است و هنگامیکه تحریک جنسی در مرد به حد خود رسیده مایعی بنام منی از مرد خارج میشود و پس از از آن آلت از حالت نعوظ خارج شده بتدریج به حالت عادی

بر میگردد ، خارج شدن منی را انزال می گویند .
 " آنوس " در زن عضو است تقریبا " کیفیت و ساختمان
 تناسلی مرد و عبارت از زائده گوشتی بسیار کوچکی است که
 در قسمت بالائی مهبل (آلت تناسلی زن) قرار گرفته و
 اندازه آن معمولا " در حدود یک نحو است . این عضو نیز
 در زن فوق العاده حساس بوده و در اثر نوازش به شدت تحریک
 گردیده و درشت تر و سخت تر میشود و معمولا " نوازش آن
 باعث تحریک فراوان زن میگردد و اوج تحریک زن در هم آغوشی
 بیشتر در اثر تماسی است که با آن به عمل می آید .

سایر نقاط حساس و محرک زن و مرد معمولا " مشابه هستند .
 مثلا " ، لبها ، نوازش پستانها (خصوصا " نوک) ،
 گردن ، و لاله گوش و قسمت داخلی رانها (چنانچه نوازش
 کرده و به آرامی فشار وارد شود .) باعث تحریک زیاد میشود
 و اصولا " تماس لبها با هر قسمت دیگر بدن موجب احساس
 لذت بخشی میشود که باعث تحریک میگردد .

عشقبازی و تماس قبل از آمیزش و تحریک اعضاء مختلف
 بدن باید بحدی باشد که در مرحله نهائی — داخل شدن
 آلت مرد به مهبل — طبیعی ، آرام و بدون درد بوده و هر یک
 از طرفین به آغاز این مرحله راغب باشند .

مهبل زن به طور طبیعی تقریبا " بسته است ، اما بر اثر
 تحریک منبسط شده و مایعی ترشح میکند که به دیوار های مهبل

حالتی چرب میدهد و باعث سهولت دخول می‌گردد. زن و شوهرهایی که از طبقات پائین هستند اکثراً " به عشقبازی و تحریک قبل از آمیزش تمایلی ندارند (خصوصاً " شوهرها) و این باعث میشود که زن قبل از آمیزش بحد کافی تحریک نشده و عضو جنسی اش آماده پذیرش آلت مرد نباشد. در این صورت طبیعی است که دخول به دشواری صورت میگیرد و برای زن دردناک بوده، و از لذت او می‌گاهد و گاهی این گونه زنان بدون اینکه بهره‌ای از لذت داشته باشند عمل آمیزش را صرفاً " بعنوان وظیفه‌ای در مقابل شوهر گردن می‌نهند. در صورتیکه آمیزش و هم آغوشی باید طوری باشد که لذت بردن و لذت دادن هر دو برای طرفین مطرح باشد.

پس از دخول یک سری حرکات طبیعی، متوالی که معمولاً " آرام و ملایم شروع شده و بتدریج سریعتر میشود باعث طغیان شهوت شده زن و مرد را به نقطه اوج هیجان و لذت میرساند، و سپس خروج منی از آلت مرد و ترشح مایع‌ای چسبنده در آلت زن که بر خلاف تصور مردم مشابه منی مرد نیست نقطه پایان آمیزش بوده و رخوت، سستی و حالتی مانند خلسه به زن و مرد دست میدهد.

شاید لازمه اولین آمیزش پاره کردن بکارت عروس باشد، پاره بکارت عبارت است از پاره نازکی که در مدخل عضو جنسی زن قرار دارد و برای اینکه دخول انجام گیرد

این پرده باید به کنار رود . پاره شدن این پرده اغلب با اندکی درد و کمی خونریزی همراه است که شاید ملحفه را لک نماید . در برخی از کشورها رسم است که شوهر ملحفه لک شده را به اقوام خود نشان میدهد تا ثابت شود که آمیزش صورت گرفته و او با یک باکره وصلت کرده است . بهر حال فقدان پرده بکارت همیشه نمی تواند نشانه باکره نبودن دختر باشد ، پارگی پرده بکارت بسادگی میتواند ناشی از پریدن ، دویدن ، یا حرکات تند ورزشی باشد . همچنین وجود آن نمی تواند نشانه پاک بودن از نقطه نظر جنسی باشد . چون بسیاری از دختران بدون آنکه آمیزش کامل انجام گیرد به عشقبازیهای دست میزنند که آنها را به حد طغیان شهوت و انزال می رساند .

جنبه دردناک بودن پاره شدن پرده بکارت به اغراق کشانیده شده است . چنانچه قبل از آمیزش آمادگی و تحریک جنسی بحد کافی بعمل آمده باشد و دخول با ملایمت صورت گیرد درد مزبور احتمالاً " بسیار جزئی خواهد بود . گاهی اوقات پرده بکارت بسختی مقاومت کرده و بسادگی پاره نمیشود در این قبیل موارد بهتر است از ابراز خشونت خودداری شده و به پزشک مراجعه شود تا با یک عمل جراحی ساده این مشکل مرتفع شده ، جلوی ناراحتی های بعدی یا احتمالاً " خون ریزی گرفته شود .

عمل آمیزش به راههای مختلف انجام میگیرد و طریق مطلوب معمولاً " پس از چند بار آمیزش معلوم میشود و زن و شوهر پی میبرند که بچه طریق به لذت و هیجان بیشتری دست مییابند. مثلاً " ممکن است زن و شوهر کنار یکدیگر دراز بکشند، زن روی مرد یا شوهر روی زن باشد، در حالت اخیر زن پاها را از هم باز میکند و مرد زانوها را میان آنها قرار میدهد، مرد وزنش را روی آرنجها قرار میدهد تا فشار مستقیماً " به زن که زیر اوست وارد نشود. وقتی که زن روی شوهر است مرد پاهايش را بهم میچسباند و زن زانواهايش را در دو طرف پاهای مرد قرار میدهد. وضع رو در روی هم بودن طرفداران فراوان تری دارد زیرا معتقدند که در این حالت آزادی بیشتر برای نوازش کردن و بوسیدن یکدیگر دارند.

آمیزش و نزدیکی در چه فواصلی امکان پذیر است

در پاسخ این سؤال کلی باید گفت که امیال و هوسهای خود شما باید جوابگوی این امر باشد. اما باید دانست که یک قانون کلی یا یک حد نسبی نمیتواند شامل حال همگی باشد. بدین معنی که زن و شوهرهای مختلف دارای تمایلات جنسی گوناگون هستند و نیازهای جسمانی و احساس مختلف و مخصوصاً " فرصتهائی که بدست میآید در مسئله آمیزش

دارای اهمیت خاصی است .

بعضی ها اگر زیاد با هم نزدیکی نکنند از امور جنسی بیشتر لذت میبرند . در حالیکه تمام این عوامل در کلبه اشخاص بطور تساوی وجود ندارد بلکه باید تصمیم هر یک از افراد نسبت به نزدیکی تحت قوانین مخصوص باشد . آمیزش زیادهیچ خطر و زیان دائمی برای آلت تناسلی ندارد و این البته در صورتیست که کسی در مسائل آمیزشی به تمام مقررات آن توجه داشته باشد . در هر حال اگر یک زوج در فواصل بسیار که در آلت تناسلی (زن یا مرد) در اثر مرور زمان تولید جراحت کند . ولی این جراحت بهر صورت که باشد چون عمقی نیست بعد از بکی دو روز بر طرف خواهد شد .

با وجود عقاید و نظریات زیادی که در باره آمیزش در دوران قاعدگی و ضررهای ناشی از آن بین مردم معمول است از نظر جسمانی هیچ خطری در این نوع آمیزشها وجود ندارد . ولی بسیاری از افراد وجود دارند که در چنین موارد بعلت اینکه سعی دارند پوست بدن خود را همیشه شاداب نگهدارند و با اصطلاح بعنوان مبارزه با پیری زود رس از مبادرت به این امر خود داری میکنند . بسیاری از زنان در دوران قاعدگی سعی میکنند از میزان هوس و شهوت خویش بکاهند بعضی دیگر حد لذت را در دوران تشکیل تخم در رحم احساس میکنند — یعنی وقتی که سلول نر از راه لوله های فالوپیان به

تخمندان زن منتقل میشود که این دوران چهار یا پنج روز ادامه دارد و همان زمان مخصوص دوران بارور شدن است ، و غیر از این چند روز مخصوصاً " در زمان قاعدگی هیچ سلول ماده (اوول) آمادگی جذب اسپرم را ندارد - ضمناً " اغلب زنان قبل یا بعد از دوران قاعدگی نسبت به مواقع دیگر بیشتر احساس شهوت میکنند .

در مورد مردان باید بگوئیم بعضی ها ممکن است با یک نگاه تحریک شده و آماده برای عمل شوند . این نوع افراد آمیزش در وسط روز یا وسط ظهر یا بعد از ظهر ، خلاصه از نظر زمان هیچ موقع فرقی برایشان ندارد . و میتوان گفت که همیشه آمادگی دارند ولی چون بعد از عمل آمیزش یک نوع حالت رخوت و سستی که موجب خواب میگردد بانسان دست میدهد ، اغلب هنگامیکه شب به بستر میروند مبادرت به انجام این عمل میکنند . گروه دیگر نیز ترجیح میدهند بدون تدارک و توجه بکارهای ضروری مقدماتی نزدیکی کنند ، و برخی هم قبل از اینکه عشق بازی کنند بکارهای عادی خود مانند آبتنی یا استحمام یا کارهایی از قبیل مسواک زدن به دندانها ، استفاده از عطر یا ادکلن و اعمالی از این قبیل میپردازند . در میان این عده افرادی دیده میشوند که انجام این اعمال برای آنها حالت وسواس دارد و قبل از اینکه کارهای خصوصی خود را تمام نکنند با مورعشق بازی نمیپردازند .

گروهی دیگر بر اثر استشمام بوهای خوش و احساس نظافت بیشتر تحریک میشوند .

بطور کلی بعد از شروع عشق بازی نسبت هیجانات در مرد وزن متفاوت است . مثلاً " ممکن است مرد در ابتدا تحریک شود و قبل از اینکه همسرش احساس لذت کند دیگر قادر بادامهء عمل نباشد . دلیل این امر اینست که برای مرد طغیان شهوت آسانتر است . شوهران ناوارد ممکن است برای تحریک همسرشان خود را کنترل کنند ، بطور مثال گاهی پیش میآید که ناچارند شهوت خود را نادیده گرفته و در عوض سینه یا آلت همسرشان را نوازش کنند . و گاهی هم ممکن است واکنش زن کند تر باشد که در آن صورت مرد ناچار است برای تحریک او نوک پستان یا آلت او را مالش دهد . واکنشهای مرد وزن گاهی نسبت به برانگیختن و تحریکات جنسی مختلف است و بستگی به شرایط مختلف دارد . بسیاری از مردان و زنان مشتاقند که برای مدتی از نزدیکی خودداری نمایند و افراد دیگر مطیع خواهشهای جنسی بطور مطلق تا خستگی آلت جسمانی میباشند . مثلاً " ممکن است زن بمحض اینکه تماس حاصل کند پذیرش آلت مخالف را حس نماید . گروه دیگر برخلاف این قانون ممکن است محتاج بنوازشهای زیاد باشند و تعدادی هم دیده شده اند که در صورت بوسیدن به نتیجه مطلوب میرسند .

شناختن واکنشهای انسان از راه تجربه بدست میآید که ممکن است شما یا طرف مقابل در برابر آشفتهگیها و مزاحمتها واکنش متفاوتی از خود نشان دهید. یا اینکه از بروز عوامل خارجی که موجب قطع هیجانات شماست جلوگیری کنید تا عمل بطور رضایت بخش صورت گیرد.

شخصی ممکن است درک کند که صدای زنگ در یا تلفن باعث قطع لذت و هیجانات جنسی اوست و برای او مشکل است که مجدداً "از اول شروع کند. شاید هم این موضوع باعث ترس از مراحمتهای دیگری است. مثل اینکه بعضی مواقع با شنیدن صدای پا از خارج اطاق خواب یکی از طرفین قهرا "عشق بازی را قطع میکند.

گاهی ممکن است کم شدن یا نقصان میل و هوس بدون دلیل باشد و در این قبیل موارد بطور قطع انگیزه آن از خارج سرایت کرده است.

ممکن است یک شوهر جوان از داشتن توانائی نسبت به ارضاء زن مشکوک باشد یا در فکر خود راه دهد که برای عمل نزدیکی قادر نخواهد شد خود را تحریک کند. و باز هم پیش میآید که مردی از راه اجبار آنقدر تحمل کند تا همسرش ارضاء شود. در این صورت غالباً "اتفاق افتاده است که مرد نتوانسته است برای انجام این عمل تحریکات خود را برانگیزد.

اگر این حالات در مراحل اولیهٔ عشق بازی واقع شود غالباً " زن و شوهر تصمیم میگیرند خود را آرام سازند و تحریکات تا جایی که ممکن است فرو نشانند و این در حالی است که احساس میکنند قادر به ارضاء یکدیگر نیستند . و اگر آنطور پیش بیاید که یکی از طرفین قادر به صرفنظر کردن از عمل جنسی نباشد در این موارد زن یا شوهر با تجربه بایستی آنقدر با یکدیگر حس همکاری نشان دهند تا یکی بتواند دیگری را ارضاء کند .

مسلم است که هر نوع آمیزش حتی اگر بطور کامل هم نباشد طبعاً " لذت بخش خواهد بود زیرا این مسئله تردید ناپذیر است که رسیدن به اوج لذت در یکزمان برای هر دو غیر مقدور است و اگر کسانی بر خلاف آن فکر کنند بنظر ما اشتباه کرده اند .

افرادی که واقع بین نیستند وقتی ازدواج میکنند انتظار دارند که هر بار ارضاء کامل جسمانی صورت گیرد ، ولی باید گفت که اغلب زوجهای با تجربه نیز کمتر به این نتیجه میرسند . متأسفانه آنهائیکه جوان و کم تجربه میباشند ممکن است این اشتباه را بکنند و از اینکه پس از مدتی موفق نشده اند اشتیاق روزهای اولیه را نشان بدهند ، ممکن است اینطور نتیجه بگیرند که در خود یا طرف مقابلشان نقصی موجود است .

هر زن و شوهر باید برای کسب تجربه کافی بدقت اشتباهات خود را مورد بررسی قرار دهند و از تکرار آن جلوگیری کنند .

شما هم می‌توانید واکنش‌های خود را نسبت به مدت رسیدن به اوج شهوت در نظر بگیرید و از این راه بر میزان شهوت و امیال خود بیفزائید .

وقتی شما با این عوامل آشنا شوید می‌توانید با کمی کنترل کردن خود همزمان با شریکتان به اوج شهوت برسید . سالهای اول و دوم ازدواج از نظر مسائل جنسی دوران ابتدائی زندگی زناشوئی میباشند ، ولی اگر این دو سال را با صبر و حوصله پشت سر بگذارید خود را برای یک عمر زندگی لذت بخش و شیرین آماده کرده اید .

دلایل اهمیت عشق بازی بعد از آمیزش

پس از آمیزش میل جنسی در مرد بیشتر از زن کم میشود و کمبودی که زن احساس میکند باید توسط مرد بعد از عمل آمیزش بوسیلهٔ عشق بازی بر طرف شود .

معمولا " بعد از نزدیکی تمایل زن نسبت بمرد بیشتر است تمایل مرد نسبت بزن است . برای اینکه ، فکر بازیچه بودن زن برای شوهرش و اینکه او فقط بمنظور بر طرف کردن میل خود بزن احتیاج دارد و امیال زنش را در نظر نمیگیرد ،

درزن بوجود نیاید مرد باید خود را موظف بداند که بوسیلهٔ عشق بازی بعد از آمیزش جوابگوی مناسبی برای امیال همسرش باشد .

در مراحل اولیهٔ ازدواج عشق بازی بعد از نزدیکی بمراتب و بهتر از عشق بازی قبل از آن میباشد و اهمیت این موضوع بوسیلهٔ پنج دلیل ثابت میشود .

۱ - عشق بازی بعد از نزدیکی محبت طرفین را ثابت میکند .

بعد از پایان آمیزش ، وقتی که شوهر یا زن به اظهار عشق نسبت بیکدیگر ادامه میدهند ، در حقیقت میگویند عشق آنها تنها بمنظور ارضاء جنسی نیست .

شوهر میتواند این تصور را که مردان به زنان فقط به خاطر ارضاء جسمانی علاقمند میباشد از راه ادامه به محبت ورزیدن بعد از رسیدن به اوج شهوت در همسرش از بین ببرد و به این وسیله زنش را مطمئن سازد که او را بازیچه نمیداند .

۲ - عشق بازی بعد از آمیزش حس مردانگی و زنانگی را در آنها تقویت میکند .

هر مردی در صدد است که بخود ثابت کند میتواند کاملاً " زنش را از لحاظ امیال جنسی ارضاء کند . و احساس غرور و وقتی در مرد قویتر میشود که زن بعد از نزدیکی مردانگی او را ستایش کند . و هرزنی مایل است بداند که صلاحیت

جوابگویی به خواسته‌های شوهرش را دارد .

۳ — عشق بازی بعد از نزدیکی احساس گناه را در شما از بین میبرد .

شما و طرف مقابلتان کارهایی انجام می‌دهید که قبل از ازدواج از نظر مذهب گناه محسوب می‌شد و ممکن است این احساس بعد از ازدواج نیز در شما باقی بماند . و یا اینکه هنگام نزدیکی اعمالی مرتکب شده‌اید که از ادب دور بوده مانند بوسیدن با شهوت زیاد یا لمس آلت تناسلی طرفتان و یا شاید حرکاتی که قبلاً " از نظر شما ناپسند بوده‌اند .

ولی وقتی که بعد از انجام عمل عشق و محبت خود را برای یکدیگر بازگو کردید از نگرانی خود کاسته و بخود ثابت کرده‌اید که عمل شما گناه نبوده .

۴ — اگر یک یا هر دوی شما ارضاء نشوید ، این حقیقت را که شما نسبت بیکدیگر عشق و علاقه نشان داده‌اید تأیید میکند

همانطوریکه دیدیم آنهائیکه تازه عروسی کرده‌اند به شهوت همزمان نمی‌رسند . یا اینکه زن ممکن است هر بار به شهوت زیاد نرسد و حتی یک شوهر که غالباً " به اوج شهوت میرسد احساس کند درجه ارضائی که کسب کرده مطلوب نبوده است . ولی اظهار عشق بعد از نزدیکی یک یا هر دوی شما را قادر می‌سازد که این چنین ناامیدی‌ها را در خود راه ندهید

و همچنین درک کنید اگر چه بالاترین انتظارات شما حاصل نشده، ولی احساس خرسندی میکنید که این شانس را داشته‌اید که چنین رابطه نزدیکی با طرف مقابلتان داشته باشید و دوباره نیز خواهید داشت. و میگوئید عشق شما آنقدر عظیم است که برای بقاء آن لزومی نیست که هر بار به تکامل تحریک جنسی برسید.

۵- اظهار عشق بعد از نزدیکی بشما شروع خوبی برای دفعه بعد میدهد.

بعد از بر طرف کردن شرم، خجالت، و نارضایتی از طرف مقابلتان در مورد نقص عمل آمیزش بوسیله عشق بازی بعد از آن، نه تنها بیک عمل جنسی خاتمه داده‌اید بلکه یک احساس تمایلی برای دفعه بعد بجا گذارده‌اید.

مهمترین اصل هم آهنگی جنسی

محتماً "هیچ جمله‌ای نمی‌تواند لذت نزدیکی و آمیزش را توصیف کند حتی این حقیقت که شخص میتواند به بالاترین لذت‌های جسمی و احساساتی از راه دادن لذت بطرف مقابلش نائل آید.

شور و شوقی که شما را به بستر آمیزش میکشاند تا حد زیادی معین میکند که چقدر احساس لذت و خوشی از آن کسب

خواهید کرد .

مبارزه با پیری و ناتوانی جنسی

از روزی که بشر با دنیا گذاشته است در صدد بوده که قواء جوانی را حفظ نماید و با پیری مبارزه کند و امروز با پیشرفت دانش پزشکی و تفحصات بیشماری که دانشمندان در این باره نموده‌اند توفیق زیادی نصیب انسان شده است .

در اول ژوئن ۱۸۸۹ موقعیکه پروفسور برائون سکوار **SEOUARD** زیست شناس و فیزیولوژیست معروف در پشت میز خطا به قرار گرفت همکاران وی که با تمام دقت سخن رانی او را گوش میدادند تعجب کردند چگونه این پروفسور سالخورده در این چند هفته تغییر کرده است . او قبلاً " مبتلا به رعشه دست‌ها بود و تنگ نفس داشت و کاملاً " پیرو فرسوده به نظر می‌آمد ولی امروز مانند جوانان با صدای رسا نطق میکند و میگوید .

" شما همه میدانید که من ۷۲ سال دارم و چطور قواء من در سال‌های اخیر تحلیل رفته بود و امروز با چشم خود می‌بینید چگونه جوان شده‌ام و این مدیون تزریق محلولی است که پس از چندین سال تفحص موفق به کشف آن شده‌ام . "

پروفسور نام برده بیضه‌های یک سگ قوی را بیرون آورده و پس از قطعه قطعه نمودن آنها را در هاونی خورد کرده سپس

بآن آبمقطر علاوه نموده خمیری بدست آورده و از صافی گذرانده است .

و بهمین ترتیب از بیضه‌های خوک هندی نیز خمیری تهیه کرده و باهم مخلوط نموده و از این مایع صورتی رنگ بمقدار ۵ سانتی متر مکعب در عضله ران خود تزریق نموده است .

شب اول را بعلت درد زیاد ناراحت بوده بخواب نرفته است و تمام مدت نتیجه آزمایش و عکس‌المعل‌هائی که بوجود آمده است در دفتر مخصوص خاطرات خود ثبت نموده و در تاریخ ۵ ژانویه ۱۸۸۹ چنین مینویسد :

" من احساس خستگی زیاد میکنم و پس از نیم ساعت کار مجبور میشوم استراحت نمایم " .

در ۲۰ می ۱۸۸۹ می‌نویسد :

" در خود تغییرات زیادی مشاهده میکنم و قدرت کارم بمراتب بیشتر شده است مثل این که چند سال جوانتر شده‌ام و کارهای ممتد آزمایشگاهی مرا چندان خسته نمیکند و می‌توانم پله‌ها را بالا بروم بدون اینکه مبتلا بتنگ نفسی شوم " .

مردم و همکاران به او اعتقاد داشتند و میدانستند او کسی نیست که بر خلاف حقیقت مطالبی اظهار دارد و خود نمائی کند ، وی همان شخصی است که مغز حرام را آنالیز نموده و مدیر یک مجله معروف علمی است او زنی دارد که ۴

سال از وی جوانتر است و این آزمایش حتی در مراتب زناشوئی آنها نیز مؤثر بوده است .

ولی چندی بعد مشاهده گردید که کشف پروفوسور مزبور چندان رضایت بخش نیست و عده‌ای بر علیه او قیام کردند و در باره ای جرائد عملی بر علیه او مطالبی به تحریر در آوردند .

امروز که تقریباً " ۸۰ سال از آن تاریخ میگذرد دانشمندان معتقد شده‌اند که ترشحات غدد داخلی هورمون‌ها اثر مخصوصی برای مبارزه با پیری و دوره یائسگی دارد و بهمین جهت محققین و زیست شناسان آزمایشهای دامنه داری در این باره بعمل آورده و ادامه میدهند .

در سال ۱۹۱۸ یکنفر دانشمند روسی بنام ورونف VORONOFF در پاریس زندگی میکرد در نتیجه پیوند بیضه میمون بانسان شهرت بسزائی کسب کرد و با وجود اینکه او برای این عمل جراحی کوچک مبلغ ۵۰۰۰ دلار حق الزحمه میگرفت هزاران افراد سالخورده بوی هجوم آوردند و باندازه‌ای مراجعین زیاد شده بود که او مجبور شد در یکی از شهرهای ساحلی جنوب فرانسه به پرورش میمون پردازد تا بتواند بمقدار کافی بیضه بدست آورد .

در اوایل کار مراجعین بسیار راضی بودند و در آنها واقعا " قواء جنسی بهتر شده بود و خود را جوانتر حس میکردند

ولی بعدها چون بیضه‌ها از جسم خارجی بودند و بدن آلبومین خارجی را قبول نمی‌کرد عکس العمل هائی مانند التهاب چرکین در موضع و غیره پدید آمد عوارضی که اخیراً " در پیوند قلب مشاهده گردید و این اشخاص دوباره بحال اولی برگشته و پول گزافی هم که خرج کرده بودند از بین رفت . این موضوع غوغائی برانگیخت و رونف مورد نفرت و غضب عموم قرار گرفت بطوریکه مجبور شد ساحل ریور برای فرانسه را ترک کند و امروز در سن ۸۵ سالگی بدون پیوند بیضه میمون کاملاً " سالم است .

تقریباً " در همان تاریخ دانشمند دیگری بنام دکتر اشتائیناخ **Steinach** غده شناس و فیزیولوژیست معروف در وین آزمایش عجیبی در موشها نمود : او مجرای عبور نطفه را در موش مذکور که بسیار پیر و ناتوان بود قطع کرد و پس از التیام زخم موش را وارد فقسی نمود که موش ماده در آنجا وجود داشت و این موش سالخورده در عرض کمتر از یکربع ساعت ۱۹ بار عمل جنسی با این ماده انجام داد که علامت کاملاً " جوانی است .

این دکتر معتقد بود که با در آوردن این مجری که حامل ترشح خارجی بیضه‌ها است میتواند برقواء جنسی بیفزایند . وهورمون جنسی مردانه چهار برابر علاوه میشود (در بیضه دو نوع ترشح وجود دارد خارجی که بخارج دفع میشود

و داخلی که از راه خون وارد تمام بدن میگردد) .
 دکتر مزبور این آزمایش را در انسان هم بعمل آورد و
 یک راننده ۴۳ ساله را که مبتلا به پیری زودرس شده بود بکمک
 جراحی بنام لیشتین شترن **LICTENSTERN** عمل مزبور
 را در وی انجام داد و نتیجه بسیار رضایت بخش بود و در وی
 قواء جنسی از نو بروز کرد ولی عیب این طریق آن است که
 شخص عقیم میشود و نمی تواند صاحب اولاد گردد بهمین
 جهت مورد استقبال عموم قرار نگرفت و حتی آه زیادی وی
 را مورد تنقید قرار دادند .

امروزه ثابت شده عقیده سکوار و رونف و اشتائین باخ
 بر طبق موازین علمی صحیح بوده است .

ولی آنها اطلاع کافی در باره تاثیر هورمون ها نداشته
 در صورتیکه در سال ۱۸۴۹ یکنفر متخصص آلمانی بیضه های
 خروس را در آورد و بیک نقطه دیگر بدن او کاشت و بدین
 ترتیب عوارض و اپراتی که پس از اخته شدن بوجود میآید در
 این خروس مشاهده نگردید و این امر دلیل بر آن بود که بیضه
 ها ترشحات خاص داخلی دارند .

بعدها در سال ۱۹۲۷ و سال ۱۹۳۱ یکنفر شیمیست آلمانی
 بنام بوتناندت **BUTENANDT** موفق شد اول هورمون مهم
 مخصوص مردانه را بنام آندرواسترون **Androsteron** و سپس
 هورمون دیگری بنام تستئوسترون **Testosteron** را کشف و

تجزیه نماید و بعدها هورمون زنانه بنام اوستروژن کشف شد . تستوسترون در ظهور نشانه‌های ثانوی مردانه مانند ، کلفت شدن صاد ، روئیدن موی صورت ، رشد عضلات و همچنین بلوغ مردان اثر دارد و باعث میشود که آلبومین در بدن ذخیره شود ، خلاصه تمام علائم مردانه از این هورمون سرچشمه میگیرد . امروزه اطلاعات بیشتری دربارهٔ عدد ترشحات داخلی و عوامل ظهور پیری در دست داریم و همانطور که در بالا اشاره کردیم محققین نام برده که بی جهت مورد بی لطفی محافل علمی قرار گرفتند در واقع راه غلط نرفته بودند و حتی در زمان قدیم که بدین منظور از تخم کروکودیل و بیضه کوبیده سک و غیره برای جوان شدن و اولاد داشتن استفاده میکردند از نظر علمی چندان بی پایه نبوده است .

عوارض دوره یائسگی در زنان هم چنین در مردان بعلت کمبود ترشح هورمون میباشد .

زنانیکه به ۴۵ سالگی میرسند چون در اغلب آنها تخمدان ها در این سن رو با انحطاط میروند دیگر نمیتوانند هورمون زنانه " استروژن " ترشح نمایند ، بدین جهت تغییرات مهمی در جسم و روان آنها بوجود می آید مثلا " پستانها شل میگردند ، چاق میشوند (مخصوصا " در قسمت لگن خاصره و ران) و احساس حرارت زیاد در بدن میکنند و دچار بیخوابی و عصبانیت و زیادی فشار خون و غمگینی میشوند و علائم در آنها ظاهر

میشود و این زنان که قبلاً " کاملاً " بشاش و خوش اخلاق بودند یکدفعه تغییر حالت یافته و محزون و عصبانی و گریه‌ئی میکردند و مرتباً " با شوهر و اطرافیان نزاع میکنند . قواء تمایل جنسی در این سن یا بکلی خاموش میشود و یا بطور دیوانه وار شدت مینماید و وضع آنها طوری تغییر میکند که پاره‌ای متوسل به استعمال داروهای مخدر میشوند که امروز زیاد معمول شده است .

یک قرص برای درمان کافی است

این عوارض شدید دوره یائسگی بعطت کمبود هورمون زنانه است و ممکن است همه‌روز با خوردن یک قرص اوستروژن با آن مبارزه شود و زنان جوانی و شادابی خود را حفظ کنند ولی باید دانست در زنان جوانهم گاهی کاهش این هورمون پیش‌میآید چون ممکن است تخمدانها در نتیجه بیماریها نتواند وظائف خود را بخوبی انجام دهند پس این قبیل زنان نیز باید متوسل به استروژن شوند .

چون عوارض یائسگی بسیار زیادگوناگون است حتی اغلب اوقات پزشکان کار آزموده و مجرب هم ممکن است علت اصلی را راکشف نکنند و اغلب مشاهده میشود زنانی که در سنین چهل سالگی قرار گرفته‌اند مبتلا به دردهائی شبیه روماتیسم زانو و مفصل ران میشوند و یا دردهائی در انگشتان دست و پای آنها

بروز میکند که شاید بهمین سبب باشد و ما مثال زیر را که فوق العاده جالب است در زیر برای شما مینویسم .

" بانوئی بسن ۵۲ سال مبتلا به درد مفصل ران (آرتروز) بود و اشعه مجهول هم بیماری را به ثبوت رسانده بود . دختر او هم که ۲۳ سال داشت مبتلا به آرتروز انگشتان دست میشود و پزشک تشخیص میدهد که بیماری را در نتیجه استعداد و سازمان بدن از مادر به ارث برده است .

پس هر دو یکنوع بیماری داشتند و درد به اندازه‌ای در این دختر شدید بود که مجبور شد از شغل خود که ماشین نویسی بود استعفا دهد و سپس با مردی ازدواج میکند و چون آنها نمی‌خواستند بچه‌دار شوند زن قرصهای ضد بارداری میخورد و پس از اندک مدتی با کمال تعجب مشاهده کرد که تمام دردهای او از بین رفته است چرا؟ چون در این قرص‌ها هورمون استروژن وجود دارد و معلوم میشود که بیماری او مربوط به کمی این هورمون بوده است بهمین جهت مادرش هم هم سه خایل میافتد از این قرصها مصرف نماید و با پزشک خود مشورت میکند ولی او صلاح نمیداند و معتقد بود که فقط با عمل جراحی میشود درد مفاصل را بر طرف کرد .

پس از چندی این خانم برای رفع موهای زیادی که در صورت داشت به یکنفر پزشک بیماری پوست مراجعه میکند و ضمناً " از بیماری آرتروز که مبتلا بود او را مطلع میسازد و

تصادفا " این دکتر چون غددشناس هم بود دو نوع هورمون برای بیمار مینویسد: ۱ - کورتیزون (هورمونی است که از غدد فوق کلیه ترشح میشود) ۲ - استروژن ، پس از چندروز این بیماری مهم مزمن که او را مدتی عذاب داده بود رفع میشود و او میتواند بخوبی مفاصل خود را تکان دهد ، پزشک دستور میدهد که دیگر کورتیزن نخورد ولی استعمال استروژن را برای همیشه ادامه دهد .

بهر حال بر حسب تصادف این بیمار کاملاً " شفا می یابد و معاینه با اشعه مجهول نیز تأیید میکند که خوب شده است . چون هورمون شناسی یک علم کاملاً " نوین است ممکن است اغلب پزشکان از آن اطلاع کامل نداشته باشد و ندانند چقدر بیماریها در اشخاص وجود دارد که شاید مربوط به هورمون ها باشد .

درمان با استروژن هم بسیار ارزان است و هم هیچگونه خطری ندارد .

مردانی هم که بسن ۵۰ - ۶۰ سال میرسند در اغلب آنها عوارضی مانند یائسگی بروز میکند ولی در صورت ظاهر آنها مانند زنان تغییرات مهمی حاصل نمیشود ولی بیشتر مبتلا بکاهش یافتن حافظه ، عدم توانائی تمرکز قواء فکری ، خستگی و غیره میگردند بعلاوه در شریانهای آنها تغییراتی حاصل میشود و بهمین جهت سگته های قلبی (اتمارکتوس)

در این سن زیاد است ، هم چنین در آنها قواء جنسی بسیار کم میشود و از بیخوابی رنج میبرند و ممکن است نیمه شب از خواب برخیزند و تا صبح دیگر بخواب نروند .

برای مردان هم امروز داروهای مؤثری در دست داریم که عبارت از هورمون مردانه باشد حتی گاهی از هورمون زنانه نیز تجویز میشود ولی ضمناً "خاطر نشان میسازیم که مردان نباید متوقع باشند بوسیله این قبیل هورمونها که تحت عناوین مختلف ببازار آمده است کاملاً "جوان شوند چون اثر این هورمون ها موقتی است و تا موقعی که مصرف میکنند اثر دارد و پس از قطع اثرش از بین میرود بعلاوه لازم است بدانند که هرگاه افراط در استعمال هورمون شود ممکن است اثر معکوسی بخشد .

وسایل دیگری برای جوانی و تقویت کردن وجود دارد که بمراتب بهتر است و عبارتند از (درمان باسلول) و پروکائین و سروم بوگومولتسو غیره که مادر آن باره ها صحبت میکنیم و ز مورد بحث قرا خواهیم داد .

این قبیل درمانها حیات تازه بخش می بخشد و سلولها بهتر کار میکنند و شخص در نتیجه جوانتر میگردد و بر عکس هورمونها اثر این داروها موقتی نیست بلکه طولانی میباشد . با تمام این تفصیل باید دانست که سرنوشت و فرسودگی و مرگ انسان یک امر کاملاً "طبیعی است و نمیشود آنرا از بین

برد .

ولی ما میتوانیم با وسایلی که در اختیار داریم تا اندازه‌ای از عوارض پیری جلوگیری کنیم و قواء جوانی را حفظ نمائیم و مانند سابق نیست که اشخاص پیر فکر نمایند که یک پای آنها در گور است و از مزایای زندگی کاملاً محروم باشند .

پایان

اولین قدم در راه رسیدن به
روابط زناشوئی رضایت بخش
شناختن مسائل آمیزشی بعنوان
یک عامل طبیعی زندگی و اصل
طبیعت بشر و بطور کلی کلیه
موجودات زنده است .